روزنامه پیام ما
| سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۷۲ | سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان |
www.payamema.ir

«پیام ما» رابطه انسان ایرانی با جنگل را در گفت‌وگو با «بهمن نامورمطلق» نشانه‌شناس و اسطوره‌شناس، بررسی می‌کند

جهنم غربی‌ها، بهشت ایرانی‌ها

کشور ما به‌شدت به نهادهای مردمی برای حفاظت از محیط‌زیست نیاز دارد؛ خلأ این نهادها یکی از نقص‌های بزرگ جامعه است و متأسفانه دولت‌ها تاکنون برخورد مناسبی با این مسئله نداشته‌اند

۸

تلاش برای باطل کردن پروانه معدن ۴۶۹ هکتاری در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی ادامه دارد

حفاظت دیرهنگام از جنگل‌های «گلندرود»

از اواسط دهه هشتاد، فعالیت این معدن در منطقه حفاظت‌شده در جریان بوده است

جنگل‌های گلندرود در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی از اواسط دهه هشتاد معدنی را در خود دیدند که دو دهه پس از راه‌اندازی، تلاش برای باطل کردن پروانه آن ادامه دارد. هنوز مشخص نیست چگونه در آن سال‌ها ۴۶۹ هکتار از جنگل برای برداشت سنگ لاشه آهکی واگذار شده است. مدیر اداره منابع طبیعی غرب مازندران می‌گوید با وجود پیگیری‌های بسیار، هنوز پاسخی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر ارگان‌ها درباره چنین واگذاری‌ای دریافت نکرده و حالا تنها راه باقی‌مانده، ابطال پروانه این معدن و نجات جنگل‌هایی است که دو دهه در منطقه حفاظت‌شده زیر کندوکاو گسترده قرار داشته‌اند.

۳

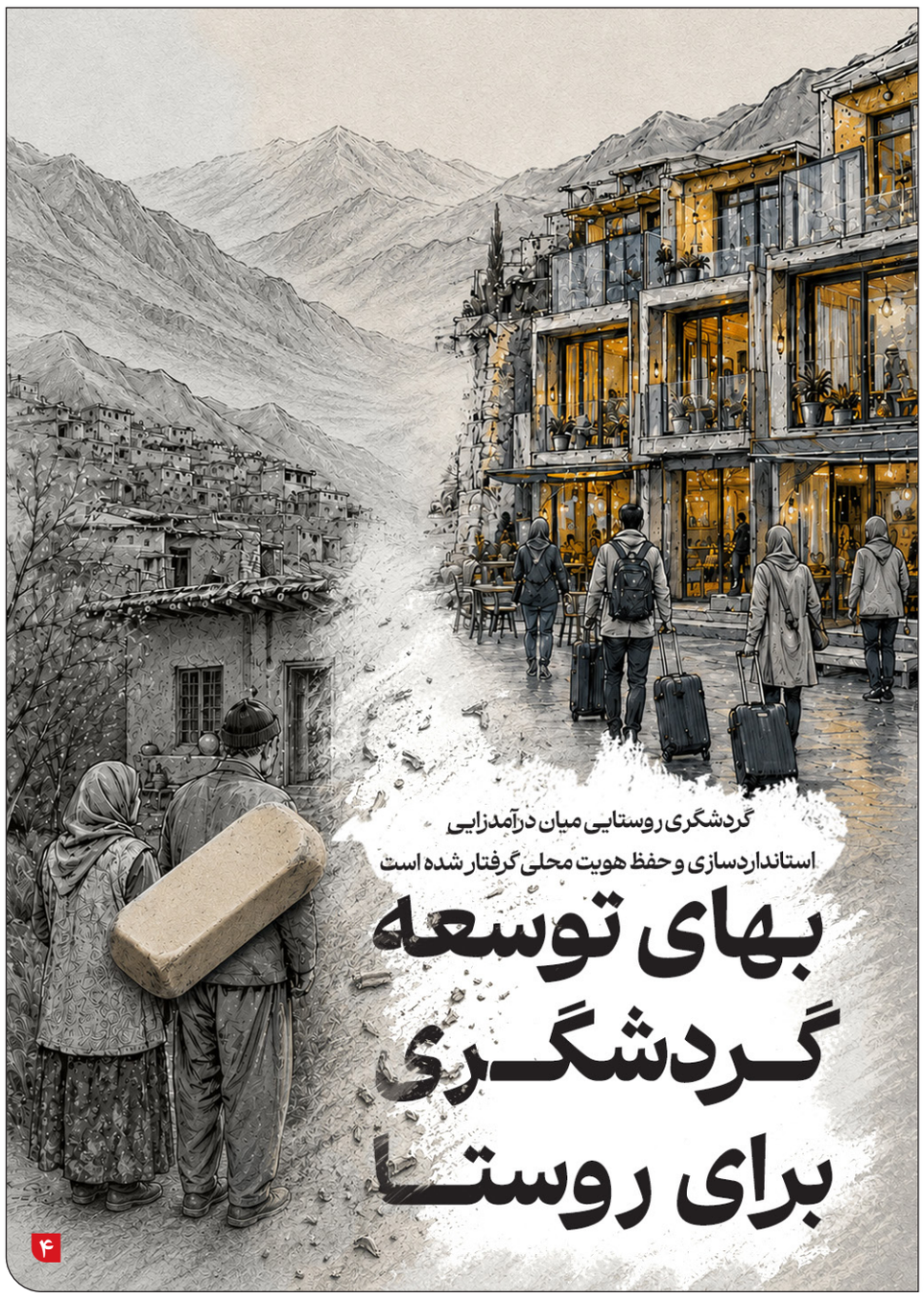

گردشگری روستایی میان درآمدزایی استانداردسازی و حفظ هویت محلی گرفتار شده است

بهای توسعه گردشگری برای روستا

۴

طرح: پیام ما

| یادداشت |

هشداری به معترضانِ تامین اجتماعی

ماتقدم و ماتأخر و قضاوت مردم

| مهین داوری |
| روزنامه‌نگار |

۱

| یادداشت |

از شکست ملت‌ها چه می‌آموزیم؟

| احسان امینائی چترودی |
| پژوهشگر حوزه توسعه اجتماعی |

۱

آنارشی سلامت

در آستانه روز پزشک، رئیس کل سازمان نظام پزشکی نسبت به گسترش چالش‌های حوزه درمان هشدار داد

۲

توسعه بدون شناخت منطقه ممکن نیست

۲

شمالِ زرد

افزایش دما و خشکسالی در آسیای میانه و دیگر کانون‌های پیرامون کاسپین و ورود گرد و خاک به گیلان، مازندران و گلستان را تشدید کرده است

۶

| یادداشت |

وقتی جریمه، جای تخریب را می‌گیرد

تجربه‌ای از پشت پرده کمیسیون ماده ۱۰۰

| علی اعطا |
| اعضو پیشین شورای شهر تهران و کمیسیون ماده ۱۰۰ |

۵

| نگاه |

مردی که ۲۵ سال توران را قدم می‌زند

| وجیهه رضویان |
| روزنامه‌نگار |

۳

| یادداشت |

هشداری به معترضانِ تامین اجتماعی

ماتقدم و ماتأخر و قضاوت مردم

| مهین داوری |
| روزنامه‌نگار |

سازمان تأمین اجتماعی، به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان بیمه‌گر کشور، نه در زمره نهادهای دولتی، بلکه در شمار سازمان‌های عمومی غیردولتی قرار دارد که اموال، منابع و سرمایه‌های آن، بی‌واسطه متعلق به بیش از ۴۷ میلیون نفر از بیمه‌شدگان، بازنشستگان و مستمری‌بگیران است. این سرمایه عظیم شکل‌گرفته حاصل نزدیک به سه دهه پرداخت مستمر حق بیمه از سوی تک‌تک شاغلان و کارگران سراسر کشور، امانتی گران‌سنگ در اختیار مدیرانی است که وظیفه خطیر پاسداری و حراست از آن را بر عهده دارند.

طبق گفته مصطفی سالاری، مدیرعامل پیشین سازمان تأمین‌اجتماعی و براساس برآوردهای موجود، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، ماهانه بیش از ۱۴۲ هزار میلیارد تومان مستمری از سوی تأمین‌اجتماعی به حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار بازنشسته، ازکارافتاده، بازمانده و مقرری‌بگیر بیمه بیکاری پرداخت می‌شود. از سوی دیگر، مجموع هزینه‌های ماهانه آن نیز به حدود ۲۱۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد. حال اگر بازپرداخت بدهی‌های ناشی از استقراض سال ۱۴۰۵ نیز در نظر گرفته شود، سازمان ماهانه به حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان منابع اضافی نیاز دارد. این در حالی است که در سال‌های متمادی، انباشت بدهی‌های دولت و ناترازی ساختاری منابع و مصارف، سازمان تأمین‌اجتماعی را به یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور بدل کرده است. ضریب پشتیبانی آن نیز نسبت به استانداردهای قابل‌قبول و مرسوم در نظام‌های مشابه، بسیار کاهش داشته است.

پرسش اینجاست که این ناترازی عمیق، زاییده چه عواملی است؟ سهم دخالت دولت‌های مختلف و مجالس گوناگون در طول ادوار گذشته، در این ناترازی‌ها تا چه اندازه بوده و هست؟ دیگر اینکه چرا این صندوق غیردولتی که ذی‌نفعان حقیقی آن مردم‌اند، همواره در معرض دخالت‌های دولت و تصمیم‌سازی‌های بعضاً غیرشفاف قرار گرفته است؟ به‌گونه‌ای که نه‌تنها استقلال مالی آن حفظ نشده، بلکه استقلال حقوقی و اداری آن نیز بعضاً در دوره‌هایی نادیده گرفته شده است. چنان‌که در روزهای اخیر نیز در خصوص صدور حکم سرپرستی غلامحسین محمدی برای مدیرعاملی سازمان از سوی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بحث‌های داغی درگرفته است.

اگرچه دراین‌باره، اخبار و شنیده‌ها متعدد و متناقض است؛ برخی از منابع بر هماهنگی با هیأت امنای سازمان تأکید دارند و بسیاری دیگر نیز تصریح می‌کنند که این انتخاب، بدون پیشنهاد هیأت امنا و صرفاً از سوی وزیر کار انجام شده است. نگارنده تا زمان اعلام‌نظر صریح از سوی مراجع رسمی مرتبط و ذی‌صلاح، از هرگونه قضاوت درباره تطابق یا عدم تطابق این اقدام با آیین‌نامه اجرایی هیأت امنای سازمان تأمین‌اجتماعی پرهیز دارد. طبق ماده ۱۲ این آیین‌نامه، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در صورت ارائه پیشنهاد از سوی هیأت امنا، در عزل، نصب و صدور حکم مدیرعامل سازمان دارای اختیار است. ممکن است پرسشی به ذهن برخی متبادر شود که آیا تاکنون تمام عزل و نصب‌های جایگاه مدیرعاملی این سازمان در ادوار مختلف، طبق این آیین‌نامه صورت گرفته است یا خیر؟ پاسخ این پرسش روشن است؛ اگر این ماده قانونی در دوره یا دوره‌هایی رعایت نشده، مسئولان مرتبط در آن دوره باید پاسخگوی نقض احتمالی قانون می‌بودند و اگر در صدور حکم اخیر نیز احتمال نقض قانون وجود داشته باشد، ناظران، بازرسان و هیأت امنای سازمان شاید طبق قانون بتوانند با انجام بررسی‌های دقیق، نسبت به این موضوع واکنش نشان دهند و اقدام لازم را انجام دهند.

متأسفانه روند سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این سازمان نه‌تنها از استقلال فاصله گرفته، بلکه برای تأمین حقوق و مستمری‌ها ناگزیر از اتکا به واریزی‌های حق بیمه کارفرمایان شده است. این وابستگی شدید به فهرست‌های واریزی حق بیمه، زنگ خطری جدی برای بقای بین‌نسلی صندوق تأمین‌اجتماعی به شمار می‌رود. نگران‌کننده‌تر از این، مقوله معافیت‌های بیمه‌ای برخی از مشاغل و تهاترهای اجباری و تحمیلی شرکت‌های زیان‌ده به سازمان از دهه شصت است؛ مشاغلی که دولت قرار بوده سهم بیمه‌ای آن‌ها را پرداخت کند، اما از پرداخت آن سرباز زده و شرکت‌هایی که درآمد ناشی از فعالیت آن‌ها، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، تنها توان پرداخت یک ماه از مستمری کل بازنشستگان را دارد. برخی از هلدینگ‌ها و شرکت‌هایی که در دوره‌هایی، نمایندگان مجلس با برچسب حیات خلوت‌شدن، تفحص آن‌ها را در دستور کار قرار داده‌اند.

با این حال، به نظر می‌رسد دغدغه اصلی باید فراتر از این مسائل و حدود و میزان رعایت ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی هیأت امنای تأمین‌اجتماعی باشد. به‌واقع، از سویی نه‌تنها تشکل‌های کارگری، کارفرمایی و نمایندگان واقعی مستمری‌بگیران و بازنشستگان باید به اضلاع اصلی چندجانبه تأمین‌اجتماعی تبدیل شوند، بلکه هرچه سریع‌تر نیز باید دست تمام غیرذی‌نفعان و حتی دولت از تأمین‌اجتماعی کوتاه شود. در ادامه راه نیز تسویه سریع بدهی‌های انباشته کلان دولت به این سازمان قطعاً می‌تواند در کاهش ناترازی تأمین‌اجتماعی تأثیرچشمگیری داشته باشد.

اگر امروز و فردا مالکان اصلی سازمان تأمین‌اجتماعی (بیمه‌پردازان، مستمری‌بگیران و بازنشستگان) از جزئیات اداره این سازمان و شرکت‌های تابعه بپرسند، حق مسلم آن‌ها آگاهی و اطلاع در این خصوص است. آن‌ها حق دارند بدانند که چرا این سازمان غیردولتی ناگزیر یا با اراده خود، با دولت این همه سال مماشات کرده تا بدانجا که نتوانسته یا نخواسته و یا نگذاشته‌اند مطالبات خود را به‌روز پس بگیرد؟ چرا این سازمان روزبه‌روز برای ایفای تعهدات خود تنها به تأمین منابع از محل وصول حق بیمه کارفرمایان وابسته شده است؟ یا چرا در دوره یا دوره‌هایی، به هر دلیل و توجیهی، به نمایندگان مجلس متوسل شده؛ آن هم بعضاً نمایندگانی که گاه نه‌تنها دستاورد مهمی برای حوزه انتخابیه خود نداشته‌اند و پاک مأموریت خود را به فراموشی سپرده‌اند، بلکه رنج‌آورتر اینکه از کرسی مجلس و حتی این صندوق غیردولتی، برای تأمین منافع فردی، قومی و گروهی خود بهره جسته‌اند.

بنابراین، نه‌فقط امروز، بلکه همواره جمعیت میلیونی بیمه‌شده اصلی و تبعی سازمان حق دارند بدانند که چرا باید در انتخاب مدیران این صندوق بین‌نسلی و شرکت‌های تابعه آن، دولت و مجلسیان دخالت کنند؟ بیش از نیمی از جمعیت کشور حق دارند بپرسند که چرا این صندوق با وجود ظرفیت‌های عظیم خود، به‌جای حرکت به سمت ترازمندی، روزبه‌روز ناترازتر شده تا بدانجا که در سال‌های اخیر، بازنشستگان و مستمری‌بگیران هر بار با شنیدن شایعه یا احتمال اعلام ورشکستگی این صندوق، تن و بدن‌شان می‌لرزد؟

مدیران عامل این سازمان از ابتدا تاکنون، هر یک به فراخور عملکرد خود، در تاریخ این سازمان و در ذهن مردم ثبت خواهند شد. خوشا به حال آنانی که برای صیانت از مأموریت ذاتی سازمان و حفظ منافع مردم، همه سختی‌ها و مرارت‌ها را به جان خریدند و بدا به حال آنانی که در این راه، ارزش‌های انسانی، اخلاقی و اداری خود را به قیمتی ناچیز فروختند.

در پایان، توصیه دلسوزانه این‌که: متولیان و مسئولان امر مرتبط با صندوق تأمین‌اجتماعی، به هوش باشید. تأمین‌اجتماعی سازمانی غیردولتی است و مردم مالک اصلی آن‌اند. به مأموریت خود متعهد باشید؛ همانا که اصل مهم «ماتقدم و ماتأخر» خداوند همواره جاری بوده و تا ابد نیز کارگر است و از سوی دیگر نیز قضاوت مردم آگاه و شریف این سرزمین به قوت خود باقی خواهد ماند.

| یادداشت |

از شکست ملت‌ها چه می‌آموزیم؟

| احسان امینائی چترودی |
| پژوهشگر حوزه توسعه اجتماعی |

در سال ۲۰۱۰ دو صاحب‌نظر توسعه اقتصادی و اقتصاد سیاسی، یعنی دارون عجم‌اغلو و جیمز ای. رابینسون، مشترکاً کتابی به رشته تحریر درآوردند که به نوبه خود تحولی در تاریخ مباحث توسعه اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شد؛ کتابی با نام «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» (Why Nations Fail). این کتاب تأثیرگذار حاصل ۱۵ سال مطالعه مستمر در حوزه‌های گوناگون تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع است. این اثر ارزشمند توسط اقتصاددانان برجسته‌ای همچون میشل اسپنسر، رابرت سولو و پیتر دیاموند که همگی از برندگان نوبل اقتصاد هستند، نقد و بررسی و البته تحسین شده و در نهایت جایزه نوبل اقتصاد ۲۰۲۴ به‌خاطر پژوهش درباره چگونگی شکل‌گیری نهادها و تأثیر آن بر رفاه و شکوفایی اقتصادی، به‌صورت مشترک نصیب نویسندگان کتاب و آقای سایمون جانسون شد. مطالعه هر یک از فصل‌های کتاب همانند شروع یک رمان جذاب است که فراز و فرود یک ملت را که گاه قهرمان و ضدقهرمان نیز دارد، با نتایج مطلوب یا مخرب نهایی بازگو می‌کند. البته باید حوصله به خرج داد و هر داستان را تا انتها دنبال کرد تا فحوای کلام را دریابیم.

سؤال اصلی کتاب که ممکن است بارها به ذهن بسیاری از افراد خطور کرده باشد، این است که چرا برخی کشورها ثروتمند و توسعه‌یافته‌اند، درحالی‌که برخی دیگر، حتی زمانی که از نظر جغرافیایی و منابع طبیعی و نیز فرهنگی تفاوت بنیادینی با یکدیگر ندارند، فقیر و گرفتار باقی می‌مانند؟ مثلاً چرا کره جنوبی و شمالی تا این حد از نظر توسعه‌یافتگی متفاوت‌اند یا آلمان غربی و شرقی چرا دو مسیر گوناگون را در توسعه ـ البته نه در حد تمایز دو کره ـ پیموده‌اند؟ کتاب مملو از داستان‌ها و وقایع مسحورکننده است که احتمالاً با آن مواجه شده‌اید، اما دقت لازم برای یافتن جواب را به خرج نداده‌اید؛ از جمله اینکه چرا انقلاب صنعتی در انگلستان روی داد، نه در سایر کشورها؟ چرا انقلاب شکوهمند انگلیس از معدود انقلاب‌های سازنده چند قرن اخیر بود؟ چرا کارآفرینان بزرگ مثل بیل گیتس، ادیسون و استیو جابز در آمریکا به وجود آمدند، ولی در سایر کشورها و به‌ویژه در همسایه جنوبی آمریکا، یعنی مکزیک، ایجاد نشدند؟ چرا کشور آفریقایی بوتسوانا (که احتمالاً نام آن را هم کمتر شنیده‌ایم) از لحاظ اقتصادی کامیاب است، ولی سیرالئون و کنگو درگیر فقر و خشونت و تبعیض‌اند؟ در جای دیگر کتاب از تجربه ناکام زیمبابوه می‌گوید؛ آنجا که دولت رابرت موگابه به‌تدریج نهادهای مستقل را تضعیف، قدرت سیاسی و اقتصادی را در دست گروه کوچکی متمرکز و با از بین بردن استقلال بانک مرکزی، ابرتورمی نجومی در این کشور ایجاد و در نهایت مالکیت زمین‌های سفیدپوستان را از آنان سلب کرده و موازی با این سوءمدیریت سراسری، به مدت ۳۷ سال در قدرت باقی می‌ماند تا زیمبابوه را به یک ورشکسته تمام‌عیار تبدیل کند. دقیقاً عکس این جریان در آفریقای جنوبی به رهبری نلسون ماندلا روی داد؛ یعنی سیستم دموکراسی سفیدپوستان را نه‌تنها از بین نبرد، بلکه با ورود سیاهان، به آن مشروعیت عام داد، مانع از نفرت‌پراکنی سیاهان و ترس سفیدپوستان شد و تنها یک دوره پنج‌ساله در قدرت ماند تا مردم‌سالاری دچار وقفه و شکست نشود و کشور را همچون موگابه و سایر دیکتاتورهای آفریقا به آشوب و تباهی نکشاند.

کتاب مصر را با مثالی از میدان تحریر شهر قاهره و بهار عربی سال ۲۰۱۱ آغاز می‌کند؛ جایی که این جنبش نهایتاً به حاکمیت ۳۰ ساله حسنی مبارک (البته ثروتمند) پایان می‌دهد، اما نکته جالب این است که سرنگونی یک حاکم الزاماً به معنی تغییر نهادها نیست و البته موجب توسعه‌یافتگی مصریان نشد {و مطمئناً با حاکمیت عبدالفتاح السیسی نیز به توسعه‌یافتگی نخواهد رسید}. علت عدم توسعه‌یافتگی در این است که انقلاب صنعتی به‌واسطه سیطره امپراتوری عثمانی، مصر را در بر نگرفته و نهادهای لازم توسعه نیز در این کشور رشد نیافته‌اند. در ادامه، نویسندگان کتاب داستان دو کره را تحت عنوان مدار ۳۸ درجه که مرز بین دو کره است، بیان می‌کنند. از دو برادر جدامانده از هم در دو سوی مرز که بالاخره بعد از ۵۰ سال توانسته‌اند همدیگر را در سئول ببینند، می‌گویند. یکی رشدکرده در عصر تکنولوژی و دیگری بیگانه با تلفن و ماشین، با کت نخ‌نما. اولی تحت حاکمانی چون سیگمان ری و پارک چونگ هی و اقتصاد بازار و دیگری تحت حاکمیت کیم ایل سونگ و کیم جونگ ایل و اقتصاد کمونیستی. اولی سردمدار تولید سامسونگ و ال‌جی و پیشتاز در صنعت و دیگری تولیدکننده موشک! عجم‌اغلو و رابینسون به‌صراحت می‌گویند که ملت‌ها زمانی شکست می‌خورند که دارای نهادهای اقتصادی استثماری پشتیبانی‌شده توسط نهادهای سیاسی استبدادی هستند. حلقه‌های قدرت معمولاً در برابر پیشرفت اقتصادی و موتورهای بهروزی می‌ایستند. نکته دیگری که از کتاب می‌آموزیم این است که اصلاحات روندی تدریجی و آرام دارد؛ مانند آنچه در بریتانیا رخ داد و از سال ۱۸۳۲ تا ۱۹۲۸، یعنی در مدت بیش از یک قرن، اندک‌سالاری جای خود را به مردم‌سالاری با شرکت تمامی مردان و زنان در انتخابات می‌دهد. در ادامه تأکید بر نهادها، شهر نوگالس ایالت آریزونای آمریکا توصیف می‌شود که یک نیمه توسعه‌یافته در آمریکا و یک نیمه کمتر رشدیافته در مکزیک دارد. اولی درآمد سرانه ۳۰ هزار دلاری در سال را تجربه می‌کند، درحالی‌که قسمت جنوبی تنها یک‌سوم این درآمد سرانه، یعنی ۱۰ هزار دلار، را دارد و درگیر فقر و پیامدهای آن است. مردمانی با فرهنگ و پیشینه مهاجرتی یکسان که تنها تفاوت آن، نهادهای ایجادشده در آن است. عجم‌اغلو و رابینسون شرط توسعه را گذار از نظام الیگارشی (حکومت گروه‌های خاص یا اندک‌سالاری) به نظام‌های مردم‌سالار می‌دانند و همچنین موضوع اصلی کتاب را از گذشته‌های دور تاکنون، رابطه دولت با ملت مطرح می‌کنند. نوع نهادها تعیین‌کننده است. البته به نظر اینجانب روند تشکیل نهادهای فراگیری چون سیستم انتخابات رقابتی و تفکیک قوا و حاکمیت قانون و بازار آزاد پیچیده و شرایط تشکیل آن نیز بسته به عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی بسیار است و پیچیدگی نهادهای استثماری همچون نظام سیاسی تک‌حزبی، انتخابات مهندسی‌شده، مصادره خودسرانه اموال نیز کم از مورد اول ندارد. در ادامه، کارنامه استعماری اسپانیا در آمریکای جنوبی بررسی می‌شود که چگونه محوریت آن بر چیره شدن بر مخالفان و غارت بیشتر منابع طبیعی مستعمرات متمرکز است و نهادها و ساختارهای استعماری مشابه در نیم‌کره غربی، جهت حداکثر سود ممکن به نفع اسپانیا و تبدیل آمریکای لاتین به قاره‌ای با بیشترین نابرابری است و این روند تا زمان ضعف و شکست اسپانیا از بریتانیا ادامه داشت. برخلاف نظر نویسندگان کتاب، اینجانب اعتقاد دارم که بریتانیای کبیر در مقایسه با سایر ملل استعماری پرونده بسیار ارزشمندتری در نهادسازی، به‌ویژه در ساختارهای مورد نیاز برپایی دموکراسی در جهان دارد که از نیوزیلند و استرالیا در جنوب تا هنگ‌کنگ و قبرس، هند و آمریکا و کانادا نمود دارد. کتاب با مثال‌هایی همچون نمونه‌های توسعه‌نیافته نیجریه و سیرالئون (که آنها نیز روزگاری مستعمره بریتانیا بوده‌اند) می‌خواهد این پیش‌فرض را باطل کند.

داستان آمریکا از جالب‌ترین روایت‌های ذکرشده در کتاب است. در آنجا که می‌گوید انقلاب صنعتی انگلیس به‌سرعت به آمریکا وارد می‌شود و از جمله اولین موارد، امتیاز ثبت اختراع برای همه (از هر طبقه و لایه اجتماعی) است که در آمریکا نهادینه می‌شود. امتیاز ثبت اختراع عادلانه، برای مثال، سبب می‌شود توماس ادیسون، فرزند هفتم یک خانواده معمولی، با ثبت اختراعات و شرکت جنرال الکتریک خود به ثروتی انبوه دست یابد و این نشان‌دهنده نظامی سیاسی مردم‌سالار و دموکراتیک و نظامی مالی وام‌دهنده و تسهیلگر برای کارآفرینان است. در نهایت می‌افزاید که فرایند سیاسی است که انواع نهادهای اقتصادی مسلط بر زندگی ما را موجودیت می‌بخشد. در همین آمریکا، بیل گیتس، ثروتمند و کارآفرین، نتوانست مانع اقامه دعوای دادگستری آمریکا علیه وی در رابطه با انحصار شود. در پایان باید گفت «نهاد» (فراگیر یا استثماری) واژه کلیدی این کتاب پرفروش است. نهادها (طبق تعریف داگلاس نورث) تعیین‌کننده قواعد بازی در هر جامعه‌ای هستند. نهادها محدودیت‌های انسان‌ساخته‌ای هستند که تعاملات افراد را شکل می‌دهند. این کتاب برخی فرضیه‌ها را نیز رد می‌کند؛ به‌عنوان مثال بیان می‌کند آب‌وهوا، موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی به‌تنهایی نمی‌توانند علت توسعه‌یافتگی یا عقب‌ماندگی کشورها باشند. همین‌طور تفاوت فرهنگ، مذهب، ارزش‌های اجتماعی یا اخلاق کاری نیز قادر به توضیح وضعیت توسعه کشورها نیستند. (البته این سؤال می‌تواند مطرح باشد که چرا هیچ کشور مسلمانی در میان کشورهای توسعه‌یافته جای ندارد؟). این کتاب خود می‌تواند طرح موضوع کند و ابهاماتی را ایجاد کند؛ به‌طور مثال آیا چین را که فاقد نهادهای دموکراتیک و یکی از بسته‌ترین نظام‌های سیاسی است، می‌توان توسعه‌یافته حساب آورد؟ سؤال دیگر نقش رهبران تأثیرگذار در ایجاد مسیر توسعه در کشورهاست. این کتاب با روایت‌های شنیدنی خود می‌تواند تا سالیان سال محل نقد و گفت‌وگوی پژوهشگران حوزه توسعه اقتصادی قرار گیرد و قطعاً مطالعه آن برای همه فعالان و تصمیم‌گیرندگان اقتصادی کشور لازم و ضروری است و می‌تواند هر مقام اجرایی را از تکرار اشتباهات مهلک سایر ملل بر حذر دارد.

ایبنا

در آستانه روز پزشک، رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی نسبت به گسترش چالش‌های حوزه درمان هشدار داد

آنارشـــی سلامت

کمبود و توزیع نامتوازن پزشک، تأخیر بیمه‌ها در پرداخت مطالبات، افزایش پرونده‌های قصور پزشکی و گسترش تبلیغات و مداخلات درمانی غیرمجاز در فضای مجازی، زنجیره‌ای از مشکلات را در نظام سلامت به وجود آورده است. به گفته رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی، ادامه این وضعیت ممکن است کیفیت خدمات درمانی و اعتماد مردم به جامعه پزشکی را تحت‌تأثیر قرار دهد.

| یاسر مختاری |
| روزنامه‌نگار |

آمارها نشان می‌دهد پرونده‌های قصور پزشکی در سال گذشته در مقایسه با سال ۱۴۰۳ حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است افزایش تقاضا برای خدمات زیبایی یکی از دلایل این رشد به شمار می‌رود

نظام سلامت ایران در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از چالش‌های به‌هم‌پیوسته مواجه بوده است؛ از توزیع نامتوازن پزشکان و تأخیر بیمه‌ها در پرداخت مطالبات گرفته تا گسترش تبلیغات پزشکی و مداخلات غیرمجاز در فضای مجازی. افزایش پرونده‌های قصور پزشکی، عرضه غیرمجاز دارو و دشواری‌های اجرای برنامه پزشکی خانواده نیز بخش دیگری از این مشکلات است. مسائلی که می‌تواند هم کیفیت خدمات درمانی و اعتماد عمومی به جامعه پزشکی را کاهش دهد و هم چالش‌های نظام سلامت را عمیق‌تر کند.

این شرایط، نگرانی سازمان نظام پزشکی را به‌عنوان یکی از ارکان نظام سلامت برانگیخته است. این سازمان از نهادهایی مانند قوه قضاییه خواسته است با برخی تخلفات در این حوزه برخورد کنند.

توزیع نامتوازن پزشکان در کشور

«محمد رئیس‌زاده» در نشست خبری روز دوشنبه، ۲۶ مردادماه، با بیان اینکه نسبت پزشک به جمعیت تا سال ۱۴۱۰ به ۲۷٫۷ پزشک به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر می‌رسد، گفت: «این در شرایطی است که براساس اعلام سازمان جهانی بهداشت، میانگین جهانی نسبت پزشک به جمعیت اکنون ۱۷ پزشک به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر است. بنابراین، ما از میانگین جهانی بالاتر هستیم.»

او افزود: «براساس اعلام رسمی سازمان جهانی بهداشت، طی ۲۰ سال از سرانه ۸٫۷ پزشک به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت به ۱۸٫۱ پزشک رسیده‌ایم. این آمار پاسخی به افرادی است که می‌گویند جامعه پزشکی با افزایش ظرفیت مخالف است.»

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی با بیان اینکه شاخص تراکم پزشک در ۱۵ استان از میانگین جهانی بالاتر است، تصریح کرد: «۳۶ درصد پزشکان عمومی پروانه‌دار و ۵۳ درصد متخصصان پروانه‌دار در پنج کلان‌شهر مستقر هستند؛ شهرهایی که فقط ۱۸ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند. بنابراین، مشکل اصلی کمبود پزشک نیست، بلکه توزیع نامتوازن پزشکان است.»

آنارشی تبلیغات پزشکی

رئیس‌زاده در پاسخ به پرسشی درباره تبلیغ برخی داروها، به‌ویژه داروهای لاغری، از سوی تعدادی از پزشکان در فضای مجازی گفت: «براساس قانون، صدور مجوز تبلیغات حوزه درمان به سازمان نظام پزشکی سپرده شده است، اما برخی دستگاه‌های کشور این حق سازمان را نادیده گرفته‌اند. چنین شرایطی پیامدهایی به همراه داشته و موجب شکل‌گیری نوعی آنارشی تبلیغاتی در حوزه سلامت شده است.»

او درباره نابسامانی تبلیغات پزشکی توضیح داد: «هر فرد یا مجموعه‌ای که بدون مجوز بیلبورد تبلیغاتی نصب می‌کند، حق قانونی سازمان نظام پزشکی را نادیده گرفته است. این سازمان طی چهار تا پنج سال گذشته به موضوع تبلیغات ورود کرده و شورای‌عالی نظام پزشکی نیز آیین‌نامه‌ای را دراین‌باره تنظیم و ابلاغ کرده است. همچنین شورای تبلیغات حوزه سلامت در سازمان تشکیل شده و بر تبلیغات این حوزه نظارت می‌کند.»

رئیس‌زاده با اشاره به ایجاد جایگاه دادیار ویژه نظارت بر تبلیغات تصریح کرد: «به تخلفات حوزه تبلیغات خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.»

او با بیان اینکه بیشتر اعضای جامعه پزشکی به قوانین حوزه تبلیغات پایبند هستند، گفت: «هر اقدامی که با قوانین مطابقت نداشته باشد، تخلف محسوب می‌شود. تبلیغات و هرگونه رابطه ناسالم پزشکان با کلینیک‌ها و داروخانه‌ها، نه‌تنها به اعتبار علم پزشکی خدشه وارد می‌کند، بلکه اعتماد مردم به جامعه پزشکی را نیز تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.»

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی تأکید کرد: «حوزه سلامت محل تجارت نیست. حفظ حوزه سلامت به‌معنای حفظ آبروی کشور است و نمی‌خواهیم آبروی علم پزشکی کشور به ابزاری برای تجارت تبدیل شود.»

او درباره برخورد با متخلفان نیز گفت: «بیش از ۱۲ هزار سایت و صفحه فعال در شبکه‌های اجتماعی را که در حوزه سلامت فعالیت می‌کنند، رصد کرده‌ایم و در میان آنها بیش از ۷۰۰ مورد تخلف شناسایی شده است. ۳۱۰ صفحه متخلف که مدیران آنها مشخص بودند، مسدود یا اصلاح شدند. مدیران دیگر صفحات متخلف شناسایی نشده‌اند. عرصه تبلیغات و مداخلات درمانی در فضای مجازی چنان گسترده است که نمی‌توانیم بر تمام آن مسلط شویم.»

تخلف پزشکی، ظلم به مردم است

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی درباره نحوه برخورد با متخلفان گفت: «هنگامی که پرونده‌ای به هیئت‌های انتظامی ارجاع شود، شدیدترین برخوردها را انجام می‌دهیم. تخلف در حوزه پزشکی فقط یک تخلف شخصی نیست، بلکه ظلم به مردم است. اگر سازمان نظام پزشکی دراین‌باره سکوت کند، فلسفه وجودی خود را زیر سؤال برده است.»

او با بیان اینکه سازمان نظام پزشکی با متخلفان مماشات نمی‌کند، افزود: «احکام متخلفان از تذکر شفاهی و توبیخ کتبی تا محرومیت از فعالیت در مطب را شامل می‌شود. سال گذشته بیش از ۵۰ حکم محرومیت از فعالیت در مطب در پرونده‌های قصور پزشکی صادر شد. مدت این محرومیت می‌تواند از سه ماه تا محرومیت دائم باشد.»

درخواست تعقیب قضایی مداخله‌گران

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی درباره مداخله افراد فاقد صلاحیت در درمان گفت: «مداخله افراد غیرمجاز و تبلیغات آنها در حوزه درمان، فقط یک تخلف نیست، بلکه سلامت مردم را تهدید می‌کند. به‌تازگی فردی که در درمان مداخله می‌کرد، دستگیر شد، اما با قرار کفالت آزاد شده است و پرونده او همچنان جریان دارد.»

او افزود: «سازمان نظام پزشکی از رئیس قوه قضاییه می‌خواهد برای برخورد با مداخله‌گران حوزه درمان تدبیری جدی اتخاذ کند؛ زیرا این مداخلات می‌تواند به آینده نظام سلامت، سلامت مردم و اعتماد آنان به جامعه پزشکی آسیب بزند. حاکمیت و دستگاه قضایی باید به این موضوع نگاه ویژه‌ای داشته باشند. کوتاهی دراین‌باره می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر داشته باشد.»

رئیس‌زاده درباره پیامدهای مداخلات غیرمجاز در حوزه سلامت اظهار کرد: «مداخله غیرمجاز، علاوه‌بر ایجاد اختلال در نظام سلامت، می‌تواند هزینه‌های درمان را افزایش دهد. ممکن است مشکلی که با درمانی ساده و کم‌هزینه برطرف می‌شود، بر اثر مداخله غیرمجاز به درمانی پیشرفته و پرهزینه نیاز پیدا کند. کیفیت خدمات، خط قرمز نظام سلامت است.»

تعلل بیمه‌ها در پوشش تعرفه‌های جدید

رئیس‌زاده درباره تعرفه‌های پزشکی توضیح داد: «دولت طی دو سال گذشته، مطابق قانون، تعرفه‌های پزشکی را پیش از آغاز سال جدید ابلاغ کرده است؛ بااین‌حال، بیمه‌ها این تعرفه‌ها را از ابتدای سال پوشش نمی‌دهند.»

او با بیان اینکه میزان افزایش تعرفه‌ها در مقایسه با سال گذشته مناسب بوده است، گفت: «اگرچه میزان افزایش تعرفه‌ها مناسب است، اما تعرفه‌ها واقعی نیستند. فاصله میان تعرفه‌های دستوری و واقعی شکافی ایجاد کرده که مردم از آن زیان می‌بینند. بیمه‌ها باید بار مالی این شکاف را بر عهده بگیرند.»

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی با اشاره به تأخیر هشت‌ماهه بیمه‌ها در پرداخت مطالبات افزود: «تعرفه‌ها دستوری هستند و بیمه‌ها نیز هزینه خدمات را با کسورات و هشت ماه تأخیر پرداخت می‌کنند. پرداخت به‌موقع مطالبات از سوی بیمه‌ها با کیفیت خدمات و میزان پرداخت از جیب مردم ارتباط مستقیم دارد.»

او ادامه داد: «براساس قانون، بیمه‌ها موظف‌اند ۶۰ درصد مطالبات را طی دو هفته و باقی آن را حداکثر ظرف سه ماه پرداخت کنند. اگر نگران افزایش پرداخت از جیب مردم و دریافت تعرفه‌های خارج از عرف هستیم، باید توجه کنیم که بیمه‌ها طی ۱۱ سال گذشته به وظیفه قانونی خود عمل نکرده‌اند و مطالبات را با چند ماه تأخیر می‌پردازند.»

رئیس‌زاده تأکید کرد: «برخورد با تخلفات ضروری است، اما تا زمانی که عوامل ایجاد تخلف پابرجا باشند، اقدامات برخوردی نتیجه‌ای ندارد. منشأ تخلف، شکاف میان تعرفه واقعی و دستوری است؛ شکافی که بیمه‌ها پشت آن پنهان شده‌اند.»

او درباره مالیات پزشکان نیز توضیح داد: «براساس ماده ۱۶۳ قانون مالیات‌های مستقیم، مراکز درمانی ۱۰ درصد از حق‌الزحمه پزشکان را به‌عنوان مالیات علی‌الحساب کسر و واریز می‌کردند. این حکم در قانون بودجه امسال حذف شده است و پزشکان خواهان بازگشت سازمان امور مالیاتی به روال گذشته هستند.»

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی افزود: «کسر ۱۰ درصد مالیات علی‌الحساب از سوی مراکز برای حدود ۷۰ درصد جامعه پزشکی مناسب بود و حدود ۳۰ درصد نیز از آن متضرر می‌شدند. سازمان نظام پزشکی معتقد است کسر و پرداخت این مالیات از سوی مراکز درمانی مناسب‌تر از آن است که مؤدی شخصاً برای پرداخت آن اقدام کند.»

نگرانی از شتاب‌زدگی در اجرای پزشکی خانواده

رئیس‌زاده درباره اجرای برنامه پزشکی خانواده گفت: «پزشکی خانواده برنامه‌ای پیشرو برای نظام سلامت است و سازمان نظام پزشکی از اجرای درست آن حمایت می‌کند. این برنامه از طرح‌های مورد علاقه رئیس‌جمهور است، اما سازمان نظام پزشکی نگران است که شتاب‌زدگی در اجرای آن، به شکست برنامه منجر شود.»

او ادامه داد: «نگرانیم علاقه شخص دکتر پزشکیان به اجرای برنامه پزشکی خانواده سبب شود مدیران رده‌های پایین فقط اخبار مثبت را گزارش کنند و مسائلی مانند کمبود پزشک را نادیده بگیرند.»

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی با تأکید بر ضرورت طراحی سامانه‌ای مستقل برای اعتباربخشی به برنامه پزشکی خانواده گفت: «باید سامانه‌ای شفاف برای ارزیابی عملکرد این برنامه در ۶۴ شهر مجری طراحی شود. عملکرد نظام سلامت در این شهرها باید به‌صورت شفاف اعلام شود. اگر نتایج مثبت بود، می‌توان برنامه پزشکی خانواده را در سراسر کشور گسترش داد. اگر ارزیابی برنامه فقط تحت‌تأثیر اخبار مثبت قرار گیرد، تجربه‌های ناموفق گذشته تکرار می‌شود.»

رئیس‌زاده درباره ضرورت استفاده از پرونده الکترونیک در نظام ارجاع نیز توضیح داد: «پرونده الکترونیک لازمه نظام ارجاع است. نظام ارجاع زمانی موفق می‌شود که پرونده الکترونیک تکمیل و اطلاعات موردنیاز در دسترس باشد.»

او ادامه داد: «اجرای آزمایشی پزشکی خانواده بیش از دو دهه پیش در استان‌های فارس و مازندران آغاز شد، اما نباید تجربه‌های ناموفق گذشته تکرار شود. اکنون اجرای آزمایشی برنامه پزشکی خانواده در ۶۴ شهر آغاز شده است.»

به گفته او، تعداد پزشکان فعال، جمعیت زیر پوشش هر پزشک، سهم ارجاع‌های دارای بازخورد از متخصص، سهم پرونده‌های دارای اطلاعات بالینی قابل‌استفاده، میزان پرداخت از جیب بیمار و مبالغ پرداختی به پزشکان و تیم پزشکی خانواده باید در این ۶۴ شهر به‌طور کامل بررسی شود.

خسارت هشت‌همتی جنگ به نظام سلامت

رئیس‌زاده درباره خسارت‌های واردشده به نظام سلامت در دوران جنگ توضیح داد: «بنا بر اظهارات وزیر بهداشت، میزان خسارت واردشده به حوزه سلامت در جنگ رمضان هشت همت است. ۶۰ بیمارستان و ۲۰۰ مرکز بهداشت نیز در این جنگ آسیب دیده‌اند.»

او درباره خسارت‌های بخش خصوصی نظام سلامت نیز گفت: «میزان خسارت واردشده به بخش خصوصی دو همت است که بیمارستان گاندی یکی از نمونه‌های آن به شمار می‌رود. سازمان نظام پزشکی از رئیس قوه قضاییه می‌خواهد خسارت‌های نظام سلامت را از محل مصادره اموال کشورهای متخاصم پرداخت کند.»

رشد ۱۲ درصدی پرونده‌های قصور پزشکی

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی درباره پرونده‌های قصور پزشکی گفت: «بیشتر پرونده‌های مرتبط با قصور پزشکی به خدمات زیبایی در حوزه‌های دندان‌پزشکی، پوست و مو مربوط است. آمارها نشان می‌دهد پرونده‌های قصور پزشکی در سال گذشته در مقایسه با سال ۱۴۰۳ حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است. افزایش تقاضا برای خدمات زیبایی یکی از دلایل این رشد به شمار می‌رود.»

او درباره تعداد پرونده‌های قصور پزشکی در سال ۱۴۰۴ تصریح کرد: «سال گذشته هشت هزار و ۴۰۰ پرونده قصور پزشکی تشکیل شد. ۴۵ درصد این پرونده‌ها به صدور حکم و ۴۰ درصد آنها به تبرئه یا توقف رسیدگی منجر شدند.»

رئیس‌زاده یکی دیگر از دلایل افزایش پرونده‌های قصور پزشکی را افزایش آگاهی مردم از حقوق خود دانست و گفت: «بیشترین شکایت‌ها به اعمال زیبایی مربوط است؛ زیرا تقاضا برای این خدمات در کشور ما از میانگین جهانی بالاتر است.»

او افزود: «پس از خدمات زیبایی، حوزه زنان و زایمان در رتبه بعدی پرونده‌های قصور پزشکی قرار دارد. سالانه حدود یک میلیون تولد در کشور ثبت می‌شود و افزایش شکایت در این حوزه قابل‌انتظار است. خدمات ارتوپدی نیز در رتبه سوم قرار دارد.»

هشدار درباره ناصرخسروی مجازی

رئیس‌زاده درباره قاچاق دارو گفت: «قاچاق دارو نیز مانند قاچاق دیگر کالاها وجود دارد، اما دارو کالایی راهبردی است و با جان مردم ارتباط دارد. در گذشته با پدیده خیابان ناصرخسرو مواجه بودیم، اما امروز شاهد شکل‌گیری ناصرخسروی مجازی هستیم. حاکمیت و دولت باید هرچه سریع‌تر سکوهای عرضه دیجیتال دارو را سامان دهند. تأخیر دراین‌باره می‌تواند به از دست رفتن جان مردم منجر شود.»

رئیس‌کل سازمان نظام پزشکی درباره نبود دستگاه کارت‌خوان در برخی مطب‌ها نیز گفت: «تعداد پزشکانی که در مطب خود دستگاه کارت‌خوان ندارند، اندک است. نبود کارت‌خوان در مطب تخلف محسوب می‌شود و اگر گزارشی به سازمان نظام پزشکی برسد، با پزشک متخلف برخورد می‌کنیم.»

| گزارش |

نقشه‌ای برای توسعه متوازن

توسعه بدون شناخت منطقه ممکن نیست

| پیام ما | روی نقشه اداری ایران، مرز هر استان با خطی مشخص از استان همسایه جدا شده است؛ اما آب، اقلیم، بازار کار، فقر و جریان مهاجرت از این خطوط پیروی نمی‌کنند. بااین‌حال، بخش بزرگی از تصمیم‌های توسعه‌ای کشور همچنان بر مبنای همین مرزها گرفته می‌شود. تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد ایران، با وجود بیش از ۲۰ تجربه منطقه‌بندی، هنوز فاقد نقشه‌ای منسجم برای شناخت ظرفیت‌ها و کاستی‌های مناطق است؛ فقدانی که نتیجه آن را می‌توان در توزیع نامتناسب منابع، اجرای پروژه‌های ناسازگار با سرزمین و ادامه تخصیص حمایت‌ها بر اساس فهرستی متعلق به سال ۱۳۸۸ دید.

بیش از یک قرن تجربه تقسیم و منطقه‌بندی سرزمین هنوز ایران را به الگویی پایدار برای سیاست‌گذاری منطقه‌ای نرسانده است. دستگاه‌های مختلف، هرکدام متناسب با مأموریت یا نیاز مقطعی خود، نقشه‌ای از کشور ترسیم کرده‌اند؛ یک‌بار برای مدیریت اداری، بار دیگر برای برنامه‌ریزی اقتصادی، تخصیص آب، توسعه صنعتی یا شناسایی مناطق محروم. حاصل این اقدامات، بیش از ۲۰ نوع منطقه‌بندی تخصصی است؛ اما بر اساس ارزیابی مرکز پژوهش‌های مجلس، از این حجم مطالعه و تقسیم‌بندی، دستاورد توسعه‌ای قابل‌اتکایی حاصل نشده است.

گزارش «تجربه منطقه‌بندی در ایران» که در ادامه مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین منتشر شده است، مشکل را کمبود نقشه و مطالعه نمی‌داند. مسئله اصلی، نبود هدفی روشن و بلندمدت است که همه این نقشه‌ها و سیاست‌ها را به یکدیگر متصل کند. به بیان دیگر، کشور مناطق خود را بارها دسته‌بندی کرده، اما پیش از آن مشخص نکرده است که این دسته‌بندی قرار است چه مسئله‌ای را حل کند و چگونه به کاهش نابرابری، حفاظت از منابع طبیعی و بهبود زندگی ساکنان هر منطقه بینجامد.

وقتی مرز اداری جای واقعیت را می‌گیرد

بررسی تطبیقی بیش از ۲۰ طرح منطقه‌بندی نشان می‌دهد در بسیاری از آن‌ها، مرزهای سیاسی و اداری بر ویژگی‌های واقعی مناطق غلبه داشته‌اند. گلستان، گیلان و مازندران معمولاً در یک گروه قرار گرفته‌اند. سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل نیز بارها هم‌منطقه شده‌اند. تهران، البرز، قم و مرکزی در بسیاری از الگوها کنار هم قرار گرفته‌اند و خوزستان اغلب به‌تنهایی یک منطقه محسوب شده است.

کرمان و سیستان‌وبلوچستان نیز، به‌جز یک استثنا، در منطقه‌بندی‌های مختلف در طبقه‌هایی مشابه جای گرفته‌اند. این هم‌گروهی ممکن است از نظر جغرافیایی یا برخی ویژگی‌های اقلیمی توجیه‌پذیر باشد، اما پرسش اساسی این است که آیا شباهت‌های کلی برای تجویز سیاست‌های توسعه‌ای یکسان کافی است؟ استانی مانند کرمان، خود مجموعه‌ای از اقلیم‌ها، اقتصادها و الگوهای سکونت متفاوت است؛ از صنایع معدنی بزرگ در شمال و غرب گرفته تا کشاورزی شکننده و محرومیت‌های زیرساختی در جنوب و شرق. قرار دادن چنین پهنه‌ای در یک طبقه کلی، بدون تعیین مسئله و مقیاس سیاست‌گذاری، می‌تواند تفاوت‌های درون‌استانی را نیز پنهان کند.

ناپایداری جایگاه برخی استان‌ها در نقشه‌های مختلف، نشانه دیگری از ضعف سیاست‌گذاری است. بوشهر، زنجان، سمنان، هرمزگان، لرستان و کهگیلویه‌وبویراحمد در منطقه‌بندی‌های گوناگون موقعیت ثابتی نداشته‌اند. گاهی حتی یک پروژه عمرانی، مبنای ترسیم یک منطقه شده است؛ چنان‌که هنگام طرح انتقال آب دریای خزر، استان سمنان در کنار سه استان ساحلی شمال قرار گرفت یا در ارتباط با انتقال آب خلیج فارس، یزد با سیستان‌وبلوچستان هم‌منطقه شد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند در مواردی، به‌جای آنکه پروژه‌ها از دل یک راهبرد سرزمینی بیرون بیایند، منطقه‌بندی متناسب با پروژه‌ای تغییر کرده است که از پیش تعریف شده بود. در چنین الگویی، نقشه توسعه به ابزاری برای توجیه تصمیم تبدیل می‌شود، نه مبنایی برای انتخاب بهترین تصمیم.

سیاست‌گذاری صحیح باید از مسیر معکوس حرکت کند. ابتدا باید ظرفیت آب، خاک، اقلیم، جمعیت، اشتغال، دسترسی به خدمات و پیوندهای اقتصادی و فرهنگی هر منطقه شناسایی شود. سپس بر اساس این شناخت، درباره محل استقرار صنعت، نوع کشاورزی، مسیر سرمایه‌گذاری و توزیع خدمات عمومی تصمیم گرفته شود. سیاست‌های کلی آمایش سرزمین نیز بر تقسیم کار ملی بر پایه استعدادهای طبیعی و مزیت‌های مناطق تأکید کرده‌اند، اما فاصله میان این جهت‌گیری و تصمیم‌های اجرایی همچنان قابل توجه است.

حمایت‌هایی که با نقشه ۱۷ سال پیش توزیع می‌شوند

یکی از روشن‌ترین پیامدهای نبود سیاست‌گذاری به‌روز، در تعریف مناطق محروم دیده می‌شود. فهرست مرجع دستگاه‌های اجرایی برای شناسایی مناطق کمترتوسعه‌یافته همچنان بر مصوبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ هیئت وزیران استوار است. اصلاحات و الحاقاتی در سال‌های بعد انجام شده‌اند، اما یک چارچوب جامع و جدید که تغییرات اقتصادی، جمعیتی و زیست‌محیطی مناطق را منعکس کند، جایگزین آن نشده است.

این تأخیر فقط یک عقب‌ماندگی آماری نیست. عنوان «منطقه کمترتوسعه‌یافته» مستقیماً بر توزیع منابع و امتیازهای قانونی اثر می‌گذارد. کارکنان شاغل در این مناطق از ۵۰ درصد معافیت مالیات بر حقوق برخوردار می‌شوند. فوق‌العاده حقوق برای مشاغل تخصصی می‌تواند تا ۲۵ درصد و برای سایر مشاغل تا ۲۰ درصد حقوق ثابت باشد. سهم‌هایی از درآمد نفت و گاز و عوارض مالیات بر ارزش افزوده نیز باید به مناطق کمترتوسعه‌یافته اختصاص یابد. تسهیلات سرمایه‌گذاری گردشگری و برخی حمایت‌های تولیدی نیز به همین طبقه‌بندی وابسته‌اند.

بنابراین، کشور بخشی از معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های شغلی و منابع توسعه‌ای خود را بر مبنای تصویری توزیع می‌کند که متعلق به ۱۷ سال پیش است. در این فاصله، بعضی شهرستان‌ها با خشکسالی، مهاجرت و افول فعالیت‌های اقتصادی روبه‌رو شده‌اند و بعضی مناطق دیگر، به‌واسطه توسعه صنعت، راه یا خدمات عمومی، شرایط متفاوتی پیدا کرده‌اند. ثابت ماندن نقشه محرومیت در برابر این تغییرات، احتمال خطا در شناسایی مشمولان و انحراف منابع از مناطق نیازمندتر را افزایش می‌دهد.

داده‌های لازم برای اصلاح این وضعیت نیز کاملاً مفقود نیستند. بنیاد برکت در سال ۱۳۹۶ اطلسی از مناطق محروم تهیه کرد که شاخص‌های محیطی، اقتصادی، زیرساختی، اجتماعی و فرهنگی را در کنار یکدیگر قرار می‌داد. در این مطالعه، از میان ۵۶۴ بخش محروم کشور، تقریباً همه محروم‌ترین بخش‌ها در سیستان‌وبلوچستان قرار داشتند و تنها یک مورد، یعنی گافروپارامون در شهرستان بشاگرد، متعلق به هرمزگان بود.

سازمان برنامه‌وبودجه نیز از سال ۱۳۹۶ مطالعه‌ای مستقل را بر پایه ۲۱ شاخص اقتصادی، زیربنایی و اجتماعی آغاز کرد. نرخ بیکاری، تولید ناخالص داخلی سرانه بدون نفت، دسترسی به آب سالم، فاصله تا بیمارستان و مدرسه و نرخ باسوادی از جمله این شاخص‌ها بودند. این مطالعه در پایان سال ۱۳۹۹ به مدل نهایی رسید، اما به تصویب هیئت وزیران نرسید و منتشر نشد؛ در نتیجه نتوانست جایگزین قانونی فهرست سال ۱۳۸۸ شود.

کشور اکنون نه با فقدان مطالعه، بلکه با ناتوانی در تبدیل مطالعه به تصمیم روبه‌روست. دو بررسی نسبتاً جامع برای بازشناسی محرومیت انجام شده‌اند، اما دستگاه‌ها همچنان بر اساس سند قدیمی عمل می‌کنند. در این میان، هزینه تأخیر را مناطقی می‌پردازند که ممکن است در سال‌های اخیر فقیرتر، کم‌آب‌تر یا از خدمات عمومی محروم‌تر شده باشند، اما جایگاه آن‌ها در نظام توزیع منابع تغییر نکرده است.

تکالیفی که از مهلت قانونی عبور کردند

سند ملی آمایش سرزمین برای ایجاد پیوند میان منابع طبیعی، اقتصاد و ساختار اداری، تکالیفی مشخص بر عهده چند وزارتخانه گذاشته بود. وزارت کشور باید ظرف یک سال لایحه اصلاح قانون تقسیمات سیاسی کشور را تدوین می‌کرد. مهلت این تکلیف پایان یافته است، اما به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، اقدام مشخصی انجام نشده است.

وزارت نیرو موظف بود با همکاری دستگاه‌های مرتبط، مفهوم و میزان «آب قابل‌برنامه‌ریزی» را تعیین کند؛ یعنی روشن شود هر پهنه، با توجه به منابع تجدیدپذیر و محدودیت‌های محیطی، واقعاً چه میزان آب برای توسعه در اختیار دارد. نقشه راه آب کشور در شورای عالی آب تصویب شده است، اما محتوای کامل آن در دسترس عموم قرار نگرفته است. وزارت جهاد کشاورزی نیز باید الگوی کشت ملی و منطقه‌ای را بر مبنای آب قابل‌برنامه‌ریزی تدوین می‌کرد. الگوی کشت محصولات زراعی برای سال زراعی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ منتشر شد، اما مبنای آن قانون بودجه همان سال بود، نه تکلیف سند آمایش. در بخش صنعت نیز وزارت صنعت، معدن و تجارت باید اولویت‌های صنعتی ملی و استانی را مشخص می‌کرد، درحالی‌که هنوز راهبردی جامع برای توسعه صنعتی کشور شکل نگرفته است.

این تکالیف، اجزای جداگانه یک فهرست اداری نیستند. بدون تعیین آب قابل‌برنامه‌ریزی نمی‌توان الگوی کشت واقع‌بینانه تدوین کرد. بدون شناخت ظرفیت آب و خاک، جانمایی صنایع می‌تواند فشار بیشتری بر منابع وارد کند. بدون اصلاح تقسیمات و اختیارات منطقه‌ای نیز اجرای سیاست‌های محلی همچنان در ساختاری متمرکز گرفتار می‌ماند.

سیاست‌گذاری صحیح زمانی شکل می‌گیرد که این اجزا در یک زنجیره قرار گیرند. اگر هر وزارتخانه فقط سند بخشی خود را تهیه کند و داده‌ها، اهداف و ضمانت اجرای مشترکی وجود نداشته باشد، حتی دقیق‌ترین نقشه‌ها نیز به مجموعه‌ای از فایل‌های بدون اثر تبدیل می‌شوند.

استان جدید، درمان قطعی محرومیت نیست

هم‌زمان با تعلل در اصلاح مبانی تقسیمات کشوری، دست‌کم ۲۶ درخواست برای تشکیل استان جدید در وزارت کشور وجود دارد. موضوع تقسیم استان‌هایی مانند تهران، کرمان، اصفهان و سیستان‌وبلوچستان نیز در دولت یا مجلس مطرح است. مطالبه ایجاد استان جدید معمولاً با وعده نزدیک‌تر شدن مدیریت، افزایش بودجه و برخورداری بیشتر از خدمات همراه می‌شود؛ مطالباتی که در بسیاری از مناطق ریشه در نابرابری‌های واقعی دارند.

اما تغییر مرز سیاسی به‌تنهایی تضمینی برای توسعه نیست. اگر منابع پایدار، نظام شفاف توزیع بودجه، اختیارات محلی، ظرفیت اجرایی و برنامه‌ای متناسب با ویژگی‌های منطقه وجود نداشته باشد، تشکیل واحد اداری تازه ممکن است فقط هزینه‌های مدیریت و تشکیلات دولتی را افزایش دهد.

مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد کرده است گسترش واحدهای سیاسی ـ اداری تا زمان فراهم شدن پیش‌نیازهای علمی منطقه‌بندی متوقف شود. این پیشنهاد به معنای نادیده گرفتن مطالبات مناطق نیست؛ بلکه هشدار می‌دهد پاسخ به محرومیت نباید به ترسیم مرز تازه محدود شود. مطالبه استان شدن، در بسیاری از موارد، نشانه‌ای از احساس دورماندگی از مرکز تصمیم‌گیری است. راه‌حل پایدار آن، علاوه بر بازنگری احتمالی در تقسیمات، تمرکززدایی واقعی، واگذاری اختیار و توزیع عادلانه منابع است. گزارش مرکز پژوهش‌ها، تمرکزگرایی ساختار حکمرانی را یکی از موانع اصلی اجرای مدیریت منطقه‌ای می‌داند. حتی اگر اهداف دقیق و مناطق مناسب شناسایی شوند، در نبود نهادهای منطقه‌ای، اختیار مالی و سازوکار هماهنگی میان استان‌ها، تصمیم‌ها همچنان در مرکز گرفته می‌شوند. به همین دلیل، منطقه‌بندی علمی باید با اصلاح نظام حکمرانی و پاسخ‌گویی همراه باشد؛ وگرنه تنها لایه‌ای تازه به ساختار اداری کشور اضافه می‌کند.

از ترسیم نقشه تا تعیین نسخه توسعه

توسعه پایدار به معنای اجرای یک نسخه یکسان در سراسر کشور نیست. استانی گرفتار کم‌آبی، منطقه‌ای وابسته به کشاورزی، ناحیه‌ای با ظرفیت گردشگری و پهنه‌ای متکی بر صنعت و معدن، به سیاست‌های متفاوت نیاز دارند. حتی درون یک استان نیز نمی‌توان برای همه شهرستان‌ها نسخه‌ای مشابه پیچید.

یک منطقه‌بندی کارآمد باید از مرحله شناسایی فراتر رود. مشخص شدن اینکه کدام بخش محروم است یا کدام دو استان ویژگی‌هایی مشابه دارند، نقطه آغاز سیاست‌گذاری است، نه پایان آن. پس از شناسایی، باید نوع محرومیت، شدت آن، ظرفیت‌های جایگزین، اولویت سرمایه‌گذاری و دستگاه مسئول هر اقدام تعیین شود. حمایت از منطقه‌ای با کمبود زیرساخت آموزشی، لزوماً همان سیاستی نیست که برای منطقه‌ای درگیر بحران آب یا بیکاری ناشی از رکود صنعت لازم است.

سه اقدام می‌تواند آغاز این اصلاح باشد: دولت فهرست به‌روزشده مناطق محروم را تصویب و منتشر کند؛ مجلس اجرای مواد ۱۰ تا ۱۳ سند ملی آمایش را به‌طور مستمر پیگیری کند؛ و هر تصمیم درباره ایجاد استان یا واحد سیاسی جدید تا ارائه ارزیابی روشن از آثار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن متوقف بماند. ایران بیش از هر زمان دیگری به نقشه‌ای نیاز دارد که فقط مرزها را نشان ندهد، بلکه ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و حقوق ساکنان هر منطقه را نیز وارد تصمیم‌گیری کند. سیاست‌گذاری صحیح از جایی آغاز می‌شود که پروژه‌ها، بودجه‌ها و تقسیمات اداری از واقعیت سرزمین پیروی کنند. تا زمانی که سندهای علمی به تصمیم‌های الزام‌آور تبدیل نشوند، تعدد نقشه‌ها نه نشانه برنامه‌ریزی، بلکه نشانه تداوم سرگردانی توسعه است.

با وجود بیش از ۲۰ تجربه منطقه‌بندی، نبود هدف بلندمدت و غلبه مرزهای سیاسی بر واقعیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باعث شده است نقشه‌های متعدد کشور به سیاستی منسجم برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای تبدیل نشوند

تلاش برای باطل کردن پروانه معدن ۴۶۹ هکتاری در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی ادامه دارد

حفاظت دیرهنگام از جنگل‌های «گلندرود»

از اواسط دهه هشتاد، فعالیت این معدن در منطقه حفاظت‌شده در جریان بوده است

| رکنا |

جنگل‌های گلندرود در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی از اواسط دهه هشتاد معدنی را در خود دیدند که دو دهه پس از راه‌اندازی، تلاش برای باطل کردن پروانه آن ادامه دارد. هنوز مشخص نیست چگونه در آن سال‌ها ۴۶۹ هکتار از جنگل برای برداشت سنگ لاشه آهکی واگذار شده است. مدیر اداره منابع طبیعی غرب مازندران می‌گوید با وجود پیگیری‌های بسیار، هنوز پاسخی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و سایر ارگان‌ها درباره چنین واگذاری‌ای دریافت نکرده و حالا تنها راه باقی‌مانده، ابطال پروانه این معدن و نجات جنگل‌هایی است که دو دهه در منطقه حفاظت‌شده زیر کندوکاو گسترده قرار داشته‌اند.

| فروغ فکری |
| روزنامه‌نگار |

اداره‌کل منابع طبیعی غرب مازندران در ماه‌های اخیر نامه‌ای برای معاون حقوق عامه دادستانی کل کشور نوشته و یک‌بار دیگر خواستار باطل شدن پروانه این معدن شده است. آن‌طور که در این نامه آمده، محدوده معدن سنگ لاشه آهکی مورد نظر در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی، از دسته مناطق چهارگانه موضوع بند «الف» ماده ۳ قانون حفاظت و بهسازی و داخل طرح جنگلداری سری سه سرگلند قرار دارد و دارای پوشش جنگلی انبوه است. پروانه اکتشاف این معدن ابتدا در سال ۱۳۸۵ به مدت ۱۰ سال، تا سال ۱۳۹۵ صادر شد و پس از انقضای اعتبار پروانه، در سال ۱۳۹۵ به صندوق بیمه‌ای فعالیت‌های معدنی سپرده شد و این صندوق در سال ۱۳۹۶ مجوز بهره‌برداری آن را به دارنده کنونی واگذار کرد.

در ادامه این نامه آمده است که بر اساس ماده ۳ سیاست‌های دولت درباره صیانت از جنگل‌های شمال کشور، مصوب ۲۴/۰۴/۱۳۸۰، صدور هرگونه مجوزی که عامل کاهش جنگل‌های شمال کشور شود، ممنوع است و بر اساس بند «ج» ماده ۲۴ قانون اصلاح معادن، صدور پروانه بهره‌برداری در مناطق چهارگانه محیط‌زیستی ممنوع است.

بر اساس این نامه، اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران ـ نوشهر و اداره‌کل حفاظت محیط‌زیست استان مازندران از سال ۱۳۸۴ تاکنون در مکاتبات متعدد، در پاسخ به استعلام سازمان صمت و دادستانی عمومی و انقلاب استان مازندران، با صدور پروانه و هرگونه بهره‌برداری معدن در این عرصه ارزشمند جنگلی مخالفت صریح کرده‌اند.

اما آن‌طور که مشخص است، این مخالفت‌ها اثری نداشته و حالا پرسش این است که چگونه و بر اساس چه اصولی این پروانه صادر شده است؟ چگونه طی سال‌های گذشته امکان ابطال آن فراهم نشده و چگونه مسئولان قضایی و سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان متولی حفاظت از مناطق حفاظت‌شده، واکنشی به دو دهه تخریب نداشته‌اند؟

مکاتباتمان همچنان بی‌نتیجه بوده است

«مهرداد خزایی»، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری غرب مازندران، در سال‌های گذشته بارها پیگیر بازپس‌گیری این جنگل‌ها بوده، اما این تلاش‌ها بی‌نتیجه مانده است. او می‌گوید موضوع فعالیت معدنی در برخی مناطق جنگلی استان سابقه‌ای طولانی دارد و مکاتبات درباره منطقه فعلی از اواسط دهه ۱۳۸۰ آغاز شده است.

«در همان زمان، هم منابع طبیعی و هم محیط‌زیست با فعالیت معدنی در این محدوده مخالفت کردند؛ چراکه محدوده مورد نظر دارای پوشش جنگلی بوده است. با وجود این مخالفت‌ها و مکاتبات متعدد، پروانه بهره‌برداری برای معدن صادر شد و فعالیت آن ادامه پیدا کرد.»

این معدن که در زمینه برداشت سنگ لاشه فعالیت داشته، در محدوده‌ای قرار گرفته که دارای چند نقطه خطرناک و پیچ‌های حادثه‌خیز نیز بوده است.

«حتی شورای تأمین برای اصلاح و ایمن‌سازی مسیر مصوبه داشته، اما به دلیل وجود پروانه بهره‌برداری، اجرای برخی اقدامات با ممانعت بهره‌بردار مواجه شده است. در مواردی که پیمانکاران برای اصلاح مسیر و برطرف کردن نقاط خطرناک اقدام می‌کردند، بهره‌بردار معدن با استناد به مجوز خود مانع کار می‌شد و حتی از برخی پیمانکاران شکایت می‌کرد.»

به گفته خزایی، از سال ۱۴۰۱، مکاتبات با دستگاه‌های مختلف برای جلوگیری از ادامه فعالیت و ابطال پروانه بهره‌برداری شدت گرفت. محیط‌زیست نیز موضوع را به دادستانی ارجاع داد و خواستار ابطال پروانه شد. با این حال، پروانه بهره‌برداری تا سال ۱۴۰۴ تمدید شد. پس از ورود بازرسی کل کشور، روند تمدید مجدد پروانه متوقف شده و اکنون قرار است موضوع برای تصمیم‌گیری نهایی به شورای عالی معادن ارجاع شود.

«الان پرسش اصلی این است که چگونه در وهله نخست برای چنین محدوده‌ای که دارای پوشش جنگلی است، مجوز فعالیت معدنی صادر شده است؟ مکاتبات دستگاه‌های متولی طی سال‌های گذشته تأثیر لازم را نداشته و حتی پاسخ روشنی از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت به برخی مکاتبات داده نشده است.»

خزایی مدیرکل منابع طبیعی غرب مازندران است، حال آنکه وضعیت معادن در شرق این استان بسیار وخیم است و آن‌طور که خزایی می‌گوید، در غرب فقط ۱۱ معدن فعال وجود دارد.

«بیشترین تمرکز فعالیت‌های معدنی در منطقه مرزن‌آباد است و بخش قابل توجهی از این فعالیت‌ها مربوط به معادن شن و ماسه است. معدن پل ذغال نیز تعطیل شده و تأکید شده است که فعالیت‌های معدنی جدید در این محدوده طی حدود دو سال گذشته مجوز نگرفته‌اند.»

به گفته او، در حال حاضر فعالیت‌های معدنی عمدتاً به معادن قدیمی محدود است و در پروژه‌های عمرانی جدید نیز موضوع پوشش جنگلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای نمونه، در طرح‌های جاده‌سازی، کارگروه عمرانی پیش از اجرای پروژه از دستگاه‌های مربوط استعلام می‌گیرد تا مشخص شود مسیر پیشنهادی با مناطق دارای پوشش جنگلی تداخل دارد یا خیر.

معادن مازندران، کوه را جابه‌جا کردند

«در مازندران ۱۵۰ معدن موافقت اصولی داشته‌اند که از این تعداد ۱۰۰ معدن فعال هستند.» این را «داریوش عبادی»، دبیر شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی استان مازندران، می‌گوید. او همچنین می‌گوید ۵۰ معدن کاملاً غیرفعال هستند و این موضوع نشان‌دهنده پر بودن ظرفیت معدنی این استان است.

«با وجود غیرفعال بودن، مجوز این ۵۰ معدن هنوز خرید و فروش می‌شود. عده‌ای ممکن است ندانند و مجوز را بخرند و بعد هم دوباره دست‌به‌دست شود، اما این نشان می‌دهد توجیه اقتصادی و اجتماعی برای این طرح‌ها وجود ندارد.»

اما کدام‌یک از نقاط مازندران بیشتر درگیر معادن هستند؟ عبادی به اطراف جاده بهشهر اشاره می‌کند یا سیمان نکا که برای برداشت خاک رس، منطقه بزرگی را نابود کرده است. در کیاسر هم معدن‌کاوی آسیب بسیاری به منطقه وارد کرده و بیشترین معادن نیز در رودخانه تالار و خطیرکوه قرار دارند. این معادن آن‌قدر آسیب زده‌اند که مدام باعث رانش می‌شوند و اصطلاح «کوه را جابه‌جا کرده‌اند» برایشان صدق می‌کند. آنها کوه را جابه‌جا و نابود کرده‌اند.

جمله آخر را عبادی با نگرانی و غم بزرگی می‌گوید. برای او جابه‌جایی کوه‌هایی که همه خاطرات محلی‌ها در آنها ضبط شده، آن‌قدر تلخ است که هیچ اصطلاحی نمی‌تواند آرامش کند.

«جاده هراز را هم که دیگر همه دیده‌اند. هر کس از آن جاده رد می‌شود، غبار روی ماشینش نشان‌دهنده فعالیت گسترده معادن منطقه است. آن جاده همیشه سیاهی و تاریکی دارد. هم منظر جاده نابود شده و هم جنگل‌هایی که آنجا بودند.»

نقطه دیگری که عبادی از آن نام می‌برد، منطقه کردآباد در زیرآب سوادکوه است. نقطه‌ای که قبلاً معدن زغال‌سنگ بود و حالا دوباره فعالیتش را از سر گرفته است.

«معادنی که باید در ۳۰۰، ۴۰۰ سال مورد استفاده قرار می‌گرفتند، در سه، چهار دهه برداشت شدند. هم چیزی برای آیندگان نماند و هم محیط‌زیستمان نابود شد. این وضعیتی است که با آن روبه‌رو هستیم.»

او به سال‌های قبل هم برمی‌گردد؛ به زمانی که در بلده، یک منطقه حفاظت‌شده به دلیل فعالیت‌های معدنی از فهرست مناطق خارج شد.

«زمان مدیریت خانم جوادی و نام منطقه هم لسی‌کوه بود. متأسفانه آن‌قدر از آنجا برداشت شد که حالا فضا بیابانی است. چه کسی پاسخگوست؟ هیچ‌کس تاکنون پاسخگوی وضعیت رخ‌داده برای طبیعت نبوده است.»

حالا ابطال کامل پروانه معدن ۴۶۹ هکتاری در جنگل‌های هیرکانی گلندرود در منطقه حفاظت‌شده البرز مرکزی، تلاشی است برای آنکه این جنگل‌ها فرصت احیا پیدا کنند. هنوز هیچ‌کس پاسخی برای سال‌ها برداشت ندارد. مدیرانی که مجوز این کار را صادر کرده‌اند، نه بازخواست شده‌اند و نه حتی نامی از آنها در میان است. تلاش سال‌های اخیر برای ابطال کامل این مجوز نیز تاکنون بی‌نتیجه بوده است. هرچند امید برای ابطال آن باقی است، اما امیدی برای دادن مجوزهای دیگری از این دست وجود ندارد. نمی‌دانیم دیگر در کدام نقطه از این خاک، مجوز برای نابودی عرصه‌های مهم کشور داده شده یا می‌شود و این غم بزرگی است.

مهرداد خزایی: از سال ۱۴۰۱ مکاتبات با دستگاه‌های مختلف برای جلوگیری از ادامه فعالیت و ابطال پروانه بهره‌برداری شدت گرفت محیط‌زیست نیز موضوع را به دادستانی ارجاع داد و خواستار ابطال پروانه شد. با این حال، پروانه بهره‌برداری تا سال ۱۴۰۴ تمدید شد. پس از ورود بازرسی کل کشور روند تمدید مجدد پروانه متوقف شده و اکنون قرار است موضوع برای تصمیم‌گیری نهایی به شورای عالی معادن ارجاع شود

داریوش عبادی: در اطراف جاده «بهشهر» یا «سیمان نکا» برای برداشت خاک رس منطقه بزرگی را نابود کرده‌اند. در «کیاسر» هم معدن‌کاوی آسیب بسیاری به منطقه وارد کرده و بیشترین معادن نیز در «رودخانه تالار» و «خطیرکوه» قرار دارند این معادن آن‌قدر آسیب زده‌اند که مدام باعث رانش می‌شوند و اصطلاح «کوه را جابه‌جا کرده‌اند» برایشان صدق می‌کند. آنها کوه را جابه‌جا و نابود کرده‌اند

| خبر |

فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط‌زیست خبر داد

تجهیز لباس محیط‌بانان یک‌سوم استان‌ها به دوربین

فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط‌زیست با بیان اینکه تاکنون البسه محیط‌بانان یک‌سوم استان‌ها به دوربین مجهز شده است، گفت: پس از وقوع اتفاقات، تصاویر این دوربین‌ها می‌تواند به‌عنوان مستندات مورد توجه قاضی قرار گیرد.

سردار رضا رستگار درباره آخرین اقدامات انجام‌شده برای تأمین تجهیزات محیط‌بانان اظهار کرد: اقدامات بسیار خوبی در پی دستور شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، برای تقویت یگان حفاظت سازمان محیط‌زیست با تجهیزات نوین انجام شده است.

او افزود: بودجه‌ای بنا به دستور رئیس‌جمهوری به سازمان برنامه و بودجه و وزارت دفاع ابلاغ شده بود تا این تجهیزات خریداری شود. بودجه‌ای نیز در اختیار استان‌ها قرار گرفته است و مسئولان استانی تلاش کرده‌اند محیط‌بانان را به تجهیزات نوین مجهز کنند. ما اعتقاد داریم که یک محیط‌بان بدون در اختیار داشتن تجهیزات نمی‌تواند وظیفه ذاتی خود، یعنی پاسداری از طبیعت، را به نحو احسن انجام دهد.

رستگار ادامه داد: این تجهیزات در حال خریداری و واگذاری است. اخیراً با خرید خودروهای مناسب برای طبیعت از یک شرکت معتبر، ناوگان خودرویی یگان حفاظت محیط‌زیست را تقویت کرده‌ایم. حدود ۲۰۰ دستگاه خودرو در اختیار یگان حفاظت محیط‌زیست قرار گرفت و بین استان‌ها توزیع شد.

او با اشاره به نصب دوربین روی البسه محیط‌بانان گفت: با رایزنی انجام‌شده با فراجا و هماهنگی با استان‌ها، تعدادی دوربین البسه به‌صورت پایلوت در اختیار محیط‌بانان چند استان قرار گرفته است. این کار از سال گذشته آغاز شده و در سال جاری نیز تداوم داشته است. تجهیز البسه محیط‌بانان به دوربین جزو برنامه‌های ماست.

فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به مزایای نصب این دوربین‌ها اظهار کرد: شکارچیان قصد دارند اسناد و مدارکی از فعالیت‌های مجرمانه خود در اختیار ما نگذارند، اما ما تلاش می‌کنیم اتفاقات را با تجهیزات نوینی مانند دوربین روی البسه ثبت و ضبط کنیم تا در صورت نیاز به مقام قضایی ارائه دهیم. در این شرایط، قاضی می‌تواند به این سند توجه لازم را داشته باشد. رستگار ادامه داد: تاکنون البسه محیط‌بانان یک‌سوم استان‌ها به دوربین مجهز شده است. محیط‌بانان ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره مانند پارک ملی گلستان و همچنین مناطق جرم‌خیز در اولویت هستند. هرچه تجهیزات یگان حفاظت محیط‌زیست را به‌روزرسانی کنیم، اقتدار بیشتری را برای محیط‌بانان به ارمغان می‌آوریم.

فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به اتخاذ سیاست انجام اقدامات پیش‌دستانه برای پیشگیری از وقوع جرم گفت: در این زمینه، جلب مشارکت مردم و تشکل‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی اهمیت زیادی دارد. برخی افراد نیز دست از شکار برداشته‌اند و اکنون جزو دوستداران طبیعت هستند. دوستداران طبیعت ابتکارات و خلاقیت‌های بسیار خوبی دارند که می‌توانیم از آن‌ها برای حفظ طبیعت استفاده کنیم، اما آنان نمی‌دانند به چه شیوه‌ای در کنار یگان حفاظت محیط‌زیست قرار بگیرند. بنابراین، ما باید با همکاری فراجا این افراد را ساماندهی کنیم و برای آنان کارت همیار محیط‌بان صادر کنیم.

رستگار در پایان تأکید کرد: لازم است تحقیقات لازم را درباره هویت این افراد انجام دهیم و بررسی کنیم که قصد اصلی آنان سودجویی نباشد و موجب آسیب‌زدن به طبیعت نشوند. | ایسنا

| نگاه |

مردی که ۲۵ سال توران را قدم می‌زند

| وجیهه رضویان |
| روزنامه‌نگار |

در توران، فاصله‌ها کوتاه نیستند. برای رسیدن به هر محدوده از زیستگاه، باید کیلومترها راه را در جاده‌های خاکی و مسیرهای سخت طی کرد؛ جایی که یک آبشخور، یک ردپا یا دیدن یک حیوان می‌تواند بخشی از روز یک محیط‌بان را تغییر دهد.

ابوالقاسم مرادی ۲۵ سال است که همین مسیر را می‌پیماید. او محیط‌بان پاسگاه محیط‌بانی زمان‌آباد در پارک ملی توران است؛ منطقه‌ای که در بخش بیارجمند شهرستان شاهرود، در شرق استان سمنان قرار دارد و از مهم‌ترین زیستگاه‌های حیات‌وحش کشور است. مرادی در مردادماه به‌عنوان محیط‌بان نمونه کشور از استان سمنان انتخاب شده است؛ انتخابی که حاصل سال‌ها حضور در منطقه و انجام وظیفه در یکی از ارزشمندترین زیستگاه‌های ایران است.

مرادی از دل همین طبیعت آمده است. کودکی‌اش در روستا گذشته؛ جایی که پدر و مادرش کشاورزی و دامداری می‌کردند و طبیعت بخشی از زندگی روزمره خانواده بود. علاقه به طبیعت از همان سال‌ها در او شکل گرفت و پس از پایان خدمت سربازی به سازمان حفاظت محیط زیست پیوست. او از نخستین روزهای استخدام تاکنون نیز در پارک ملی توران خدمت کرده است.

توران برای او فقط محل کار نیست؛ منطقه‌ای است که سال‌ها زندگی کاری‌اش را در آن گذرانده و مسیرها و زیستگاه‌هایش را شناخته است. این زیستگاه پهناور در بخش بیارجمند شهرستان شاهرود و در شرق استان سمنان قرار دارد و به خراسان رضوی نزدیک است. توران زیستگاه گونه‌های ارزشمندی مانند یوزپلنگ آسیایی، آهو، گورخر ایرانی، زاغ‌بور و هوبره است.

در میان سال‌های طولانی خدمت، خاطراتی هم وجود دارد که برای مرادی ماندگار شده‌اند. یکی از آنها به سال ۱۴۰۲ برمی‌گردد؛ زمانی که یکی از اهالی منطقه با محیط‌بانی تماس گرفت و خبر داد یک بره تازه‌متولدشده در اختیار چوپانان قرار گرفته است.

بره را یکی از چوپانانی که در محدوده قشلاقی توران دامداری می‌کرد، به‌طور اتفاقی پیدا کرده بود. چوپان آن را به آغل برده بود تا از گوسفندان شیر بخورد. اما بعد متوجه شد ممکن است نگهداری بره باعث از بین رفتنش شود و آن را تحویل محیط‌بانان داد.

مرادی و همکارانش تصمیم گرفتند بره را به همان محدوده‌ای که پیدا شده بود، بازگردانند و منتظر بمانند تا مادرش برای بردنش برگردد. حدود ۴۸ ساعت بعد دوباره به محل رفتند و منتظر ماندند تا در صورت بازگشت مادر، این اتفاق را ثبت و مستندسازی کنند. اما طبیعت فرصت زیادی برای دوربین آنها نگذاشت.

مرادی می‌گوید: «هنوز یک یا دو دقیقه از حضورمان نگذشته بود که مادر بره از راه رسید، فرزندش را پیدا کرد و با خود برد. حتی فرصت نکردیم صحنه را فیلم‌برداری و مستند کنیم.»

اما حفاظت از چنین زیستگاهی فقط به خاطرات شیرین ختم نمی‌شود. توران پهناور است و به گفته مرادی، برای حفاظت مناسب از آن دست‌کم ۶۰ تا ۷۰ محیط‌بان نیاز است؛ در حالی که اکنون حدود ۲۰ تا ۲۵ نفر وظیفه حفاظت از منطقه را بر عهده دارند. بیشتر نیروها نیز بومی و محلی هستند و شناختشان از منطقه به انجام بهتر مأموریت‌ها کمک می‌کند.

هر روز گشت و پایش، کنترل منطقه، بررسی آبشخورها و در صورت نیاز آبرسانی به حیات‌وحش، بخشی از وظایف آنهاست. در کنار کمبود نیرو، فرسودگی ناوگان موتوری و خودروها نیز کار را دشوارتر کرده است؛ تجهیزاتی که باید در مسیرهای سخت و طولانی توران مورد استفاده قرار گیرند.

مهدی لهردی، فرمانده یگان حفاظت محیط زیست استان سمنان، درباره روند انتخاب محیط‌بان نمونه توضیح می‌دهد که سازمان حفاظت محیط زیست هر ماه فرمی شامل شاخص‌های مشخص را به استان‌ها ارسال می‌کند. مدیران استانی بر اساس این شاخص‌ها افراد واجد شرایط را انتخاب و اسامی را به تهران ارسال می‌کنند. در مرحله بعد، پرونده‌ها در سازمان حفاظت محیط زیست بررسی و امتیازبندی می‌شوند و در نهایت محیط‌بانی که بالاترین امتیاز را در میان استان‌های مختلف کسب کند، به‌عنوان محیط‌بان نمونه انتخاب می‌شود.

به گفته لهردی، مرادی به دلیل عملکردش در مدیریت منابع آبی توران در روزهای گرم تابستان، رسیدگی به‌موقع به آبشخورهای حیات‌وحش، تعداد گشت‌های کنترلی و حفاظتی و رسیدگی مناسب به پمپ‌های بادی منطقه که در این ایام نقش مهمی در تأمین آب دارند، به‌عنوان محیط‌بان نمونه مردادماه انتخاب شده است.

این انتخاب برای مرادی تنها یک عنوان نیست. او فعالیت‌هایش را بخشی از وظیفه روزانه محیط‌بانی می‌داند؛ وظیفه‌ای که در توران با گشت و کنترل، پایش زیستگاه، آبرسانی به حیات‌وحش و سرکشی مداوم به منطقه گره خورده است. خودش نیز تأکید می‌کند که این تلاش فقط متعلق به او نیست و همه همکارانش در محیط‌بانی و منطقه توران در حفاظت از این زیستگاه سهم دارند.

مرادی به دلیل عملکردش در مدیریت منابع آبی توران در روزهای گرم تابستان رسیدگی به‌موقع به آبشخورهای حیات‌وحش تعداد گشت‌های کنترلی و حفاظتی و رسیدگی مناسب به پمپ‌های بادی منطقه که در این ایام نقش مهمی در تأمین آب دارند، به‌عنوان محیط‌بان نمونه مردادماه انتخاب شده است

| دریافتی |

نوبت دوم

شهرداری رفسنجان

(آگهی مناقصه عمومی)

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره۱۳۸۷مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به جدول گذاری وکانیوو ورودی شهرازسمت کرمان حدفاصل میدان شهید عباس زاده تاتقاطع عبدالله آباد وغیره ازطریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت بعمل می آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۶
(لازم به ذکر است شهرداری رفسنجان در رد یا قبول تمام یا هریک از پیشنهادات مختار است.)
مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکات
تلفن تماس ۳۴۲۵۸۸۰۱ ـ ۰۳۴

اداره ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری رفسنجان

| ایبنا |

گردشگری روستایی میان درآمدزایی، استانداردسازی و حفظ هویت محلی گرفتار شده است

بهای توسعه گردشگری برای روستا

تحمیل الگوهای شهری و کم‌رنگ شدن نقش جامعه محلی، یکی از چالش‌های توسعه بوم‌گردی در ایران است

یک خانه روستایی با دیوارهای کاهگلی، حیاطی که هنوز بوی نان تنوری می‌دهد و اتاق‌هایی که بخشی از خاطره یک خانواده‌اند، برای بسیاری از گردشگران امروز فقط یک محل اقامت نیست؛ بلکه تجربه‌ای از یک سبک زندگی است که در شهرها کمتر پیدا می‌شود. اما همین خانه وقتی وارد مسیر دریافت مجوز، تسهیلات و استانداردهای رسمی گردشگری می‌شود، گاهی با الزام‌هایی روبه‌رو می‌شود که می‌تواند آن را از همان چیزی که برای گردشگر جذاب کرده است، دور کند. گردشگری روستایی در ایران میان دو خواسته گرفتار شده است؛ از یک سو نیاز به ایجاد درآمد و اشتغال و از سوی دیگر حفظ هویت و سبک زندگی محلی.

| مریم کاظمی‌زاده |
| خبرنگار |

گردشگری روستایی در سال‌های گذشته به عنوان یکی از مسیرهای توسعه مناطق کم‌برخوردار مطرح شده است؛ راهی برای ایجاد اشتغال، جلوگیری از مهاجرت، احیای خانه‌های قدیمی و معرفی فرهنگ‌های محلی. توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی نیز با همین هدف آغاز شد؛ اینکه گردشگر به جای اقامت در فضایی مشابه هتل‌های شهری، تجربه‌ای نزدیک به زندگی واقعی یک منطقه داشته باشد.

اما در مسیر گسترش این نوع گردشگری، یک پرسش مهم شکل گرفته است: آیا روستا قرار است برای گردشگر تغییر کند یا گردشگر باید روستا را همان‌گونه که هست بشناسد؟

«افسانه احسانی»، پژوهشگر حوزه اکوتوریسم، در پاسخ به این سؤال می‌گوید بخشی از مشکلات امروز گردشگری روستایی از جایی آغاز می‌شود که تلاش می‌کنیم روستا را با معیارهایی بسنجیم که برای محیط‌های شهری طراحی شده‌اند: «بوم‌گردی قرار نیست نسخه کوچک‌شده یک هتل باشد. ارزش بوم‌گردی در این است که یک تجربه متفاوت از زندگی، فرهنگ و محیط به گردشگر ارائه کند. اگر قرار باشد همه چیز را شبیه هتل کنیم، دیگر تفاوتی میان یک اقامتگاه بوم‌گردی و یک واحد اقامتی معمولی باقی نمی‌ماند.»

به گفته او، بسیاری از خانه‌هایی که امروز به عنوان اقامتگاه بوم‌گردی فعالیت می‌کنند، پیش از آنکه یک فضای اقامتی باشند، بخشی از تاریخ و زندگی یک خانواده بوده‌اند. همین ویژگی است که می‌تواند برای گردشگر جذاب باشد؛ نه اینکه این خانه‌ها با تغییرات گسترده به فضایی شبیه ساختمان‌های شهری تبدیل شوند.

اگر مردم احساس کنند گردشگری چیزی است که از بیرون به آنها تحمیل شده، این روند پایدار نخواهد بود جامعه محلی باید بداند چه چیزی را می‌خواهد حفظ کند، چه چیزی را می‌خواهد تغییر دهد و چه سهمی از منافع گردشگری خواهد داشت

جاذبه همیشه کوه و جنگل نیست

یکی از چالش‌های مهم در توسعه گردشگری روستایی، تعریف محدود از مفهوم جاذبه است. سال‌هاست وقتی از ظرفیت گردشگری یک منطقه صحبت می‌شود، بیشتر توجه‌ها به سمت طبیعت، چشم‌اندازهای بکر، جنگل، کوهستان یا کویر می‌رود. در حالی که بسیاری از روستاها ممکن است فاقد چنین ویژگی‌هایی باشند، اما همچنان ظرفیت‌های مهمی برای جذب گردشگر داشته باشند.

احسانی معتقد است نگاه صرف به طبیعت باعث شده بخش زیادی از ظرفیت‌های روستایی نادیده گرفته شود: «جاذبه فقط یک منظره طبیعی نیست. یک روستا می‌تواند به واسطه معماری، غذا، صنایع دستی، آداب و رسوم، شیوه زندگی مردم و حتی روابط اجتماعی خود جذاب باشد.»

به گفته او، گردشگری امروز در بسیاری از نقاط جهان از دیدن صرف یک مکان عبور کرده و به سمت تجربه کردن رفته است: «گردشگر به دنبال این است که بداند مردم یک منطقه چگونه زندگی می‌کنند، چه داستانی پشت یک خانه قدیمی وجود دارد، یک غذای محلی چگونه آماده می‌شود یا یک هنر سنتی چگونه نسل به نسل منتقل شده است. گاهی خود روستا مهم‌ترین جاذبه است. اما مشکل اینجاست که ما هنوز بسیاری از این جاذبه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسیم، چون قابل اندازه‌گیری با معیارهای معمول نیستند.»

به باور او، بخشی از میراث گردشگری روستاها ناملموس است؛ چیزی که نمی‌توان آن را مانند یک بنای تاریخی ثبت کرد، اما ارزش آن کمتر از یک اثر معماری نیست.

وقتی گردشگر مهمان ناخوانده می‌شود

با وجود همه ظرفیت‌هایی که گردشگری می‌تواند برای روستاها ایجاد کند، یک واقعیت مهم وجود دارد: همه روستاها الزاماً آماده پذیرش گردشگر نیستند و همه جوامع محلی هم چنین مسیری را انتخاب نمی‌کنند.

در بسیاری از برنامه‌های توسعه گردشگری، توجه اصلی به ظرفیت‌های اقتصادی معطوف می‌شود؛ اینکه یک منطقه چقدر می‌تواند گردشگر جذب کند و چه میزان درآمد ایجاد شود. اما کمتر درباره این پرسش صحبت می‌شود که مردم آن منطقه تا چه اندازه خواهان این تغییر هستند.

احسانی معتقد است جامعه محلی باید در مرکز تصمیم‌گیری قرار داشته باشد: «گاهی تصور می‌کنیم چون یک روستا ظرفیت گردشگری دارد، پس باید حتماً مقصد گردشگری شود. در حالی که این تصمیم باید با مشارکت مردم همان منطقه گرفته شود.»

به گفته او، تغییر سبک زندگی، نگرانی از آسیب دیدن فرهنگ محلی یا تجربه‌های ناموفق گذشته می‌تواند باعث شود برخی جوامع نسبت به ورود گردشگر مقاومت داشته باشند: «اگر مردم احساس کنند گردشگری چیزی است که از بیرون به آنها تحمیل شده، این روند پایدار نخواهد بود. جامعه محلی باید بداند چه چیزی را می‌خواهد حفظ کند، چه چیزی را می‌خواهد تغییر دهد و چه سهمی از منافع گردشگری خواهد داشت.»

او با اشاره به برخی مناطق که تمایل چندانی برای جذب گردشگر ندارند، تأکید می‌کند که توسعه گردشگری بدون شناخت این حساسیت‌ها می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد: «روستا فقط یک فضای جغرافیایی نیست؛ محل زندگی انسان‌هاست. نمی‌توان بدون توجه به زندگی مردم، درباره تبدیل یک منطقه به مقصد گردشگری تصمیم گرفت.»

چند متولی برای یک مسیر؛ از محیط‌زیست تا بانک‌ها

توسعه گردشگری روستایی در ایران با مجموعه‌ای از نهادها و دستگاه‌های مختلف ارتباط دارد؛ نهادهایی که هر کدام از زاویه‌ای متفاوت به این حوزه نگاه می‌کنند. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، نهادهای مالی و بانکی و مدیریت‌های محلی، هر یک بخشی از این مسیر را در اختیار دارند، اما نبود هماهنگی میان آنها گاهی باعث می‌شود توسعه گردشگری به جای حرکت در یک مسیر مشخص، میان تصمیم‌ها و دستورالعمل‌های متفاوت گرفتار شود.

از یک سو، سازمان‌های متولی محیط‌زیست تلاش می‌کنند از زیست‌بوم‌های حساس، منابع طبیعی و مناطق ارزشمند حفاظت کنند و از سوی دیگر، فعالان اقتصادی و جوامع محلی به دنبال ایجاد فرصت‌های درآمدی و اشتغال هستند. در این میان، اگر سیاست‌گذاری مشترکی وجود نداشته باشد، نتیجه می‌تواند سردرگمی برای همان افرادی باشد که قرار است موتور توسعه گردشگری باشند.

احسانی به همین مسئله اشاره می‌کند: «مشکل اصلی، حضور چند نهاد در این حوزه نیست، بلکه نبود یک نگاه هماهنگ میان آنهاست. طبیعی است که هر دستگاه وظیفه خودش را داشته باشد. محیط‌زیست باید از طبیعت حفاظت کند، میراث فرهنگی باید به توسعه گردشگری فکر کند و نظام بانکی هم نگاه اقتصادی خودش را دارد. اما این بخش‌ها باید بتوانند در یک چارچوب مشترک حرکت کنند.»

به گفته او، در شرایط فعلی، گاهی یک فعال محلی یا سرمایه‌گذار روستایی میان خواسته‌های متفاوت دستگاه‌ها قرار می‌گیرد؛ دستگاه‌هایی که هر کدام معیارهای خود را دارند و الزاماً تصویر مشترکی از توسعه پایدار ارائه نمی‌کنند: «وقتی یک نفر می‌خواهد در یک روستا اقامتگاه ایجاد کند، باید بداند با چه مسیر مشخصی روبه‌روست. اگر هر مرحله با یک نگاه متفاوت تعریف شود، انگیزه و توان افراد کاهش پیدا می‌کند.»

نظارت باید راهگشا باشد، نه بازدارنده

موضوع نظارت در گردشگری روستایی یکی دیگر از نقاط اختلاف میان سیاست‌گذاران و فعالان این حوزه است. از یک طرف، نبود نظارت می‌تواند باعث کاهش کیفیت خدمات، آسیب به محیط‌زیست و بی‌اعتمادی گردشگران شود؛ از طرف دیگر، نظارت‌های غیرکارشناسی و صرفاً اداری می‌تواند فعالیت‌های کوچک و بومی را با مشکل مواجه کند.

البته احسانی تأکید می‌کند که مسئله، حذف نظارت نیست؛ بلکه تغییر نگاه به مفهوم نظارت است: «نظارت باید برای بهتر شدن باشد، نه اینکه فقط یک مرحله اداری دیگر ایجاد کند. اگر ارزیابی‌ها به جای توجه به کیفیت واقعی، صرفاً روی چند شاخص ظاهری متمرکز شوند، ممکن است نتیجه‌ای که می‌گیریم برخلاف هدف اولیه باشد.»

به باور او، نظام ارزیابی گردشگری روستایی باید بتواند تفاوت میان یک اقامتگاه بومی موفق و یک مجموعه صرفاً ساخته‌شده برای کسب درآمد را تشخیص دهد: «ممکن است یک اقامتگاه ساده باشد، اما ارتباط بسیار خوبی با جامعه محلی، فرهنگ منطقه و محیط طبیعی داشته باشد. در مقابل، ممکن است یک مجموعه بزرگ امکانات زیادی داشته باشد، اما هیچ ارتباطی با هویت آن منطقه نداشته باشد.»

گردشگری روستایی؛ فرصتی که نباید از دست برود

با وجود همه چالش‌ها، توسعه گردشگری روستایی همچنان یکی از فرصت‌های مهم برای بسیاری از مناطق ایران است. روستاهایی که با مسئله مهاجرت، کاهش جمعیت و فراموش شدن بخشی از میراث فرهنگی خود مواجه‌اند، می‌توانند از گردشگری به عنوان یکی از مسیرهای حفظ زندگی و اقتصاد محلی استفاده کنند.

اقامتگاه‌های بوم‌گردی در سال‌های گذشته توانسته‌اند در برخی مناطق، خانه‌های قدیمی را دوباره فعال کنند، برای خانواده‌ها درآمد ایجاد کنند و توجه گردشگران را به بخش‌هایی از کشور جلب کنند که پیش از این کمتر دیده می‌شدند.

به باور احسانی، نقد مشکلات موجود نباید به معنای نادیده گرفتن دستاوردهای این حوزه باشد. او می‌گوید: «ما نباید تصور کنیم چون مشکلاتی وجود دارد، پس اصل گردشگری روستایی اشتباه است. همین که یک خانه قدیمی دوباره مورد استفاده قرار می‌گیرد یا یک خانواده می‌تواند از محل زندگی خودش درآمد داشته باشد، اتفاق مثبتی است. حتی یک اقامتگاه کوچک با کاستی‌هایی محدود، می‌تواند ارزشمندتر از نبود هیچ فعالیتی در یک روستا باشد؛ زیرا می‌تواند زمینه‌ای برای ماندگاری مردم و حفظ بخشی از هویت منطقه ایجاد کند. مسئله این است که باید کمک کنیم این مسیر درست‌تر شود، نه اینکه آن را متوقف کنیم.»

توسعه‌ای که باید از مردم شروع شود

برای رسیدن به یک الگوی پایدار در گردشگری روستایی، به گفته احسانی، مهم‌ترین تغییر باید در نگاه مدیریتی اتفاق بیفتد؛ تغییر از یک مدل دستوری و متمرکز به مدلی مشارکتی که جامعه محلی را در مرکز تصمیم‌گیری قرار دهد.

او معتقد است دولت باید به جای تعیین همه جزئیات، نقش خود را در آموزش، تسهیل‌گری و حمایت تعریف کند: «دولت باید مسیر را هموار کند؛ اطلاعات بدهد، آموزش ارائه کند، موانع اداری را کاهش دهد و شرایط سرمایه‌گذاری درست را فراهم کند. اما درباره اینکه یک روستا چگونه توسعه پیدا کند، باید به مردم همان منطقه اعتماد کرد.»

به گفته او، شاخص‌های ارزیابی، نحوه اعطای تسهیلات و برنامه‌های توسعه باید بر اساس ویژگی‌های هر منطقه طراحی شوند: «نمی‌توان برای همه روستاهای ایران یک نسخه نوشت. هر منطقه ارزش‌ها، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های خودش را دارد. توسعه گردشگری نباید به قیمت از بین رفتن هویت روستا تمام شود. اگر گردشگری باعث شود روستاها شبیه شهر شوند، در واقع بخشی از دلیل سفر به آنجا را از بین برده‌ایم. گردشگر برای دیدن تفاوت‌ها می‌آید، نه برای دیدن چیزی که در همه جا وجود دارد.»

روستا مقصد نیست؛ یک زندگی است

گردشگری روستایی در ایران هنوز با فاصله‌ای جدی میان ظرفیت‌های موجود و وضعیت مطلوب روبه‌روست. کشوری با تنوع گسترده فرهنگی، طبیعی و تاریخی که بسیاری از روستاهای آن می‌توانند مقصد گردشگری باشند، همچنان با چالش‌هایی مانند نبود سیاست‌گذاری یکپارچه، استانداردهای نامتناسب، بوروکراسی و کم‌رنگ بودن نقش جوامع محلی مواجه است.

اما شاید مهم‌ترین مسئله این باشد که روستا نباید فقط به عنوان یک محصول گردشگری دیده شود. روستا پیش از آنکه مقصد سفر باشد، محل زندگی انسان‌هاست؛ جایی که فرهنگ، خاطره و طبیعت در کنار هم شکل گرفته‌اند.

احسانی می‌گوید آینده گردشگری روستایی به توانایی ایجاد تعادل میان توسعه اقتصادی و حفظ هویت وابسته است: «ما باید یاد بگیریم روستا را همان‌طور که هست بشناسیم. قرار نیست روستا را برای گردشگر تغییر دهیم؛ باید کمک کنیم ارزش‌های واقعی آن دیده شود.»

به باور او، گردشگری روستایی زمانی می‌تواند به توسعه پایدار منجر شود که مردم محلی، طبیعت و فرهنگ، نه در حاشیه، بلکه در مرکز تصمیم‌گیری قرار بگیرند.

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک آذربایجانغربی

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۵۰۳ و ۲۵۰۴ و ۶۰۸۸ مورخ ۸ و ۰۴/۲۰ و ۱۴۰۴/۱۱ و ۱۴۰۵ صادره هیات موضوع قانون تعین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است، لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱- آقای جواد مسلمان زاده به شماره شناسنامه ۱۲۸ و کد ملی ۲۸۳۰۷۰۶۵۶۰ صادره از ماکو فرزند نعمت در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۱۰/۸۳ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۱۰۵ اصلی - واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای حیدر قربانعلی زاده پرونده کلاسه ۸۷۱-۱۴۰۴

۲- آقای سجاد سلمان‌زاده به شماره شناسنامه ۹۰۳۶ و کد ملی ۲۸۳۰۰۸۹۸۰۴ صادره از ماکو فرزند نعمت در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۹۷/۹۴ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۱۰۵- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای حیدر قربانعلی زاده پرونده کلاسه ۸۵۴-۱۴۰۴

۳- خانم جمیله زینال‌زاده هندواری به شماره شناسنامه ۵۶۳ و کد ملی ۲۸۳۰۳۱۵۲۵۱ صادره از ماکو فرزند قوچعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۴۴/۸۷ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۱۰۵- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای قوچعلی زینال‌زاده پرونده‌ی کلاسه ۱۶۷-۱۴۰۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ در روزنامه‌ی محلی و روزنامه رسمی
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ در روزنامه‌ی محلی و روزنامه رسمی
عسگر اسماعیلی - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماکو
از طرف یوسف‌زاده
شناسه آگهی:۲۲۴۲۷۵۰

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۶۰۰۵۰۱۱۸۸۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جواد ده حبه ء فرزند رمضانعلی در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت۱۱۰/۷۵ مترمربع از پلاک شماره ۹۱ فرعی از ۴۸ اصلی واقع در بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای غلامحسن برادران فرزند عبداله محرز گردیده است. لذا مراتب به‌منظور اطلاع عموم در دو روزنامه، یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیرالانتشار و در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
محمد بیرم آبادی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک نیشابور
شناسه آگهی:۲۲۴۳۴۳۲ - (م الف: ۸۴۲۶)

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال
از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۱۵۷۷۱ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ هیات اول /دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم اسفندیار اسدزاده شیخ‌نشین فرزند رضا بشماره شناسنامه ۳۵۴ صادره از ماسال در شش‌دانگ یک قطعه زمین شالیزار به مساحت ۵۷۴۹/۷۶ مترمربع پلاک فرعی ۳۸۷ از اصلی ۶۰ مفروز و مجزی شده از پلاک فرعی ۱۲۲ بخش ۲۶ گیلان واقع در قریه شیخ‌نشین شاندرمن خریداری از مالک رسمی به متقاضی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

ضمنا تحدید حدود مورخه ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ ساعت ۱۰ صبح بعمل خواهد آمد

*لازم به توضیح است در صورت تعطیلی رسمی در موعد مقرر اولین روز بعد از تعطیلات همان ساعت به عنوان تحدید حدود اختصاصی اعلام می گردد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال
از طرف صائمه امجدی - م الف:۱۱۵۴

آگهی مناقصه دهیاری قینر

دهیاری روستای قینر واقع در بخش مرکزی شهرستان مرند، در نظر دارد اجرای زیرسازی به متراژ ۴۰۰۰ مترمربع و آسفالت با قیر یارانه‌ای به متراژ ۶۰۰۰ مترمربع از معابر سطح روستای قینر را از طریق سامانه ستاد به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید، متقاضیان واجدالشرایط جهت دریافت اسناد مناقصه و شرکت در مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۸ به سامانه ستاد به نشانی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

دهیار روستای قینر - احد ملک‌زاده

نوبت دوم

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودبار جنوب

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۷۹۰۰۰۳۷۵-۱۴۰۵/۰۳/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودبار جنوب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سبحان هشتوگانی فرزند جعفر بشماره شناسنامه ۵۳۶۰۰۸۵۰۷۱ صادره از در یک باب خانه به مساحت ۸۴۲/۰۷ مترمربع که طی پاسخ استعلام بنیاد مسکن به شماره ۷۲۴۳۱۱/۱۴۰۵۰۰۵۳۰۵۴۸۳-۱۴۰۵/۰۳/۲۰ میزان ۴۲۵/۹ متر آن در حریم راه و میزان ۱۷۸/۶ متر مربع آن با کاربری مسکونی در طرح هادی روستا و میزان ۲۴۰/۴ متر مربع با کاربری کوچه می‌باشد پلاک ۴۳۷ فرعی از ۲۰۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۰۲ اصلی واقع در شهرستان جازموریان روستای چاه حسن خریداری از مالک رسمی آقای ایمان مهیمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودبار جنوب
شناسه آگهی:۲۲۳۹۳۲۸

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک آذربایجانغربی

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۰۴۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۶ صادره هیات موضوع قانون تعین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱- آقای وحید محمدزاده به شماره شناسنامه ۹۷۰۴ و کد ملی ۲۸۳۰۰۹۶۵۵۱ صادره از ماکو فرزند اسفندیار در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۱ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۱۵- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای محمد خلیل‌زاده پرونده‌ی کلاسه ۶۵۵۱-۱۴۰۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ در روزنامه‌ی محلی و روزنامه رسمی
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ در روزنامه‌ی محلی و روزنامه رسمی
عسگر اسماعیلی - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماکو
از طرف بهزاد یوسف‌زاده - شناسه آگهی:۲۲۴۱۲۷۱

نوبت دوم

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودبار جنوب

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۹۰۷۹۰۰۰۳۶۹-۱۴۰۵/۰۳/۱۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودبار جنوب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای آرمین علی احمدی فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۵۳۶۰۱۵۶۵۷۰ صادره از رودبار در یک باب خانه به مساحت ۳۲۶/۶۱ مترمربع پلاک ۱۱۸۷ فرعی از ۱۹۰ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱ فرعی از ۱۹۰ اصلی واقع در رودبار جنوب بلوار ولیعصر بخش ۴۶ کرمان خریداری از مالک رسمی آقای اسفندیار سالمی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودبار جنوب
شناسه آگهی:۲۲۳۹۳۲۶

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان گیلان
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۱۹۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم رویا شیرزاد چناری فرزند سلیم بشماره شناسنامه ۲۵۸۰۲۷۷۷۳۰ صادره از رشت در ششدانگ یکقطعه زمین باغی به مساحت ۳۰۰ مترمربع پلاک ۱۳۸۰ فرعی از ۳۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۴۸ فرعی ۳۵ اصلی بخش ۲۱ گیلان واقع در قریه چماچاء خریداری از مالک رسمی آقای عباس شیرزاد چماچائی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
نعمت ذوقی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شفت
شناسه آگهی:۲۲۵۱۵۸۷ م الف:۹۶۱

وقتی جریمـــه جای تخریب را می‌گیرد

تجربه‌ای از پشت پرده «کمیسیون ماده ۱۰۰»

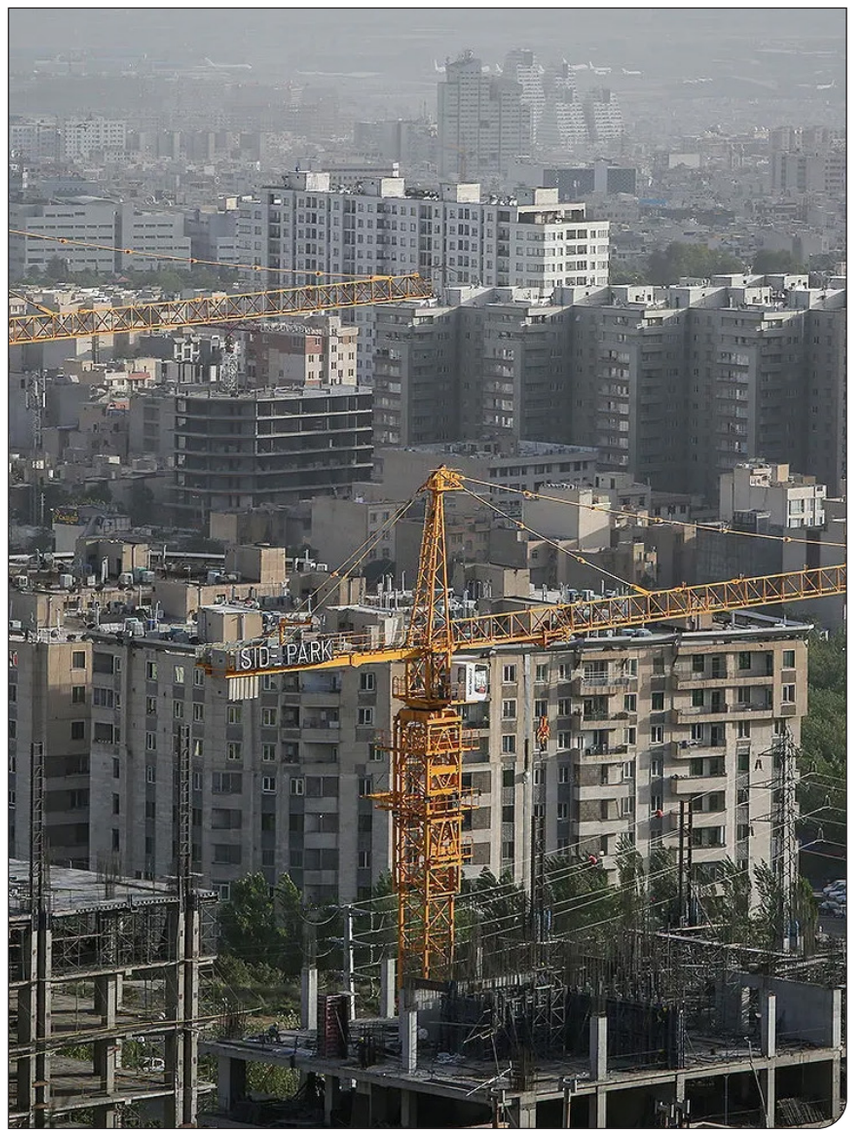

| اکوایران |

«علی اعطا»، عضو پیشین شورای شهر تهران و «کمیسیون ماده ۱۰۰» تهران، در یادداشتی اختصاصی که برای «پیام ما» ارسال کرده است، به بهانه مصوبه «شاک» و تبدیل آرای تخریب به جریمه و البته توقف آن در دیوان عدالت اداری، از تجربه‌های خود در این کمیسیون و نگاهش به این مصوبه گفته است. او در این یادداشت از تجربه بررسی پرونده‌های پرسروصدایی می‌گوید که اگر به جریمه تبدیل شده بودند، شاید سرنوشتی بهتر از «متروپل» آبادان پیدا نمی‌کردند.

| علی اعطا |
| عضو پیشین شورای شهر تهران و عضو پیشین کمیسیون ماده ۱۰۰ تهران |

در فاصله سال‌های ۹۶ تا ۱۴۰۰ عضو کمیسیون ماده ۱۰۰ تهران بودم؛ همان کمیسیونی که اصطلاحاً به آن کمیسیون تخلفات هم می‌گویند. زیرا بر مبنای قواعدی که در ماده ۱۰۰ قانون و تبصره‌های آن مشخص شده است، این کمیسیون به تخلفات ساختمانی رسیدگی می‌کند.

هر شعبه کمیسیون ماده ۱۰۰ سه عضو دارد. یکی قاضی دادگستری است. دیگری نماینده وزارت کشور و دیگری عضو شورای شهر است. حداقل در آن چهار سالی که من در آنجا بودم، جلسات نسبتاً منظمی تشکیل می‌شد و به پرونده‌ها رسیدگی و رأی صادر می‌شد.

پرونده‌ها هم بسیار متنوع بود. به‌طور مثال، درباره پرونده تخلفات ایران‌مال رأی داریم. پروژه بسیار بزرگی بود و ابعاد مختلفی داشت. بررسی و صدور رأی اصلاً آسان نبود. با این حال، ما بررسی بسیار مفصلی انجام دادیم تا رأی دقیقی صادر شود. یا مثلاً پرونده پالادیوم را هم ما رسیدگی کردیم و رأی دادیم. در پالادیوم، در معبر عمومی یک پل و یک تونل احداث کرده بودند که دو ساختمان مجزا را به هم متصل کند. اما این امر تخلف بود. در پروانه ذکر نشده بود. ضمن اینکه تجاوز به معبر عمومی بود و وقتی این سازه هم در پروانه پیش‌بینی نشده بود و هم در یک معبر عمومی احداث شده بود، از منظر ضوابط شهرسازی محل ایراد بود و با حقوق عمومی مرتبط می‌شد.

حالا من این دو مثال را عنوان کردم تا اشاره کنم که پرونده‌های پراهمیت و پرسروصدا، چه به لحاظ مساحت و چه به لحاظ اهمیت و حساسیت در افکار عمومی، در این کمیسیون بررسی می‌شد. اما از سوی دیگر، پرونده‌های کوچک‌مقیاسی هم در این کمیسیون مطرح می‌شد. فرض کنید در گوشه‌ای از یک منطقه کم‌برخوردار، شخصی ممکن بود یک اتاق سه در چهار به یک خانه کوچک اضافه کرده باشد. از این دست پرونده‌ها هم زیاد بود و طبیعتاً پرونده‌ها و تخلفات میان‌مقیاس هم کم نبود.

درباره مصوبه شاک و دستور توقف موقت

من تخصصی در حقوق ندارم، اما به قدر فهم تجربی‌ام از موضوع، تصور می‌کنم شاک نمی‌توانست چنین مصوبه‌ای بگذراند. شاک یک شورای مشورتی است. مثل سطوح سلسله‌مراتبی آن؛ یعنی شوراهای تأمین استان‌ها که شوراهای مشورتی در حوزه امنیت هستند و به استاندار مشورت می‌دهند، اما تصمیم با استاندار است. در شاک یا شورای امنیت کشور هم چنین است. شاک یک شورای مشورتی است و تصمیم با وزیر کشور است.

بنابراین باید این پرسش را که آیا تبدیل آرای تخریب کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ به جریمه در صلاحیت شاک هست یا نه، به این پرسش تحویل کنیم که آیا چنین امری در صلاحیت وزیر کشور هست یا خیر. اگر این مقدمات را بپذیریم، پرسش من این است که اساساً یک مرجع اجرایی چگونه می‌تواند در مفاد رأیی که یک مرجع شبه‌قضایی براساس قانون صادر کرده، تغییر ایجاد کند؟

وارد بحث تخصصی صلاحیت‌های حقوقی شاک یا دیوان نمی‌شوم؛ طبیعتاً این موضوع را حقوقدانان باید بررسی کنند. اما از منظر تجربه کمیسیون ماده ۱۰۰، برای من این سؤال مطرح است که وقتی کمیسیون، پس از رسیدگی و بررسی، رأی قطعی صادر کرده است، مبنای قانونی تغییر آن رأی خارج از فرایندهای پیش‌بینی‌شده قانونی چیست؟

هر تغییر باید مستند به یک فرایند قانونی روشن باشد ذکر یک نکته دیگر هم اهمیت دارد که البته از این حرف من این برداشت نشود که هر رأی تخریب، در هر شرایطی باید حتماً اجرا شود یا مثلاً در شرایطی اجرا نشود. بحث من این نیست. حرف من این است که وقتی یک مرجع قانونی، با ترکیبی که در قانون برای آن پیش‌بینی شده، پرونده‌ای را بررسی و رأی صادر کرده، تغییر در آن رأی باید مستند به یک فرایند قانونی روشن باشد. نمی‌توان یک مرجع اجرایی صرفاً با یک بخشنامه یا تصمیم اداری، نتیجه رسیدگی را تغییر دهد.

اتفاقاً تجربه خود من در کمیسیون ماده ۱۰۰ نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری در این پرونده‌ها همیشه ساده نبود. در پرونده ایران‌مال، مثلاً، موضوع به هیچ وجه این نبود که یک تخلف ساده را بررسی کنیم و یک عدد جریمه تعیین کنیم. پرونده ابعاد مختلفی داشت و حساسیت هم بالا بود. بنابراین وقتی می‌گویم رأی کمیسیون باید جدی گرفته شود، از تجربه یک عضو کمیسیون صحبت می‌کنم که می‌داند صدور یک رأی ممکن است چه مسئولیتی به همراه داشته باشد.

یک بحث مهم دیگر، نگاه ما به جریمه است. جریمه در ماده ۱۰۰ نباید به این معنا باشد که هرکس تخلف کرد، هزینه تخلفش را بپردازد و مسئله تمام شود. وقتی ضابطه‌ای در طرح تفصیلی یا ضوابط شهرسازی تعیین می‌شود، بخشی از یک نظم شهری است؛ مثلاً ضوابط مربوط به تراکم، تعداد طبقات، معبر، زیرساخت، پارکینگ و دسترسی.

بنابراین وقتی کسی برخلاف آن ضابطه ساخت‌وساز می‌کند، نمی‌توان گفت جریمه‌اش را می‌دهد و مسئله تمام می‌شود. ممکن است اثر آن تخلف را همسایه، محله یا حتی بخش دیگری از شهر بپردازد. این تعبیر که «تخلف ساختمانی را می‌توان با پرداخت جریمه تعیین تکلیف کرد»، به نظرم پیام بدی دارد.

جریمه باید ضمانت عدم تخلف باشد. در حال حاضر، جریمه، قیمت تخلف است، نه ضمانت عدم تخلف. اگر یک سازنده از ابتدا بداند که می‌تواند برخلاف ضابطه عمل کند و بعد با پرداخت مبلغی مسئله را فیصله دهد، تخلف برای او می‌شود یک جزء از محاسبات اقتصادی پروژه و جریمه نقش بازدارنده خود را از دست می‌دهد.

این نه‌فقط یک بحث حقوقی، بلکه یک بحث اجتماعی و مرتبط با عدالت میان شهروندان است و مستقیماً به شهر و کیفیت ساخت‌وساز مربوط می‌شود.

بحث دیگر، مقیاس تخلف‌ها و همچنین دسته‌بندی تخلف‌ها از منظر فرایند تخلف است. اکثر تخلفات درشت‌مقیاس ساختمانی، بدون دلیل اتفاق نیفتاده است. بسیاری از این‌ها اعتماد بی‌جهت سازنده و سرمایه‌گذار به صحبت یک معاون، یک شهردار منطقه و مدیرعامل یک سازمان است.

به‌طور مثال، در مسئله پالادیوم، مالک با مدیریت وقت منطقه، متنی را امضا کرده بود که این کار انجام شود. شاید پولی هم در قالب عوارض پرداخت کرده بود. در صورتی که هم شهردار می‌دانسته این کار غیرقانونی است، هم مالک. امضا کردن یک موافقت‌نامه یا تفاهم‌نامه یا چیزی از این جنس برای ساخت‌وساز در معبر عمومی، هیچ وجاهت قانونی ندارد.

طبیعی است که مدیران هم تغییر می‌کنند. مدیر جدید چرا باید زیر بار تخلف مدیر پیشین برود؟ پرونده به کمیسیون ماده ۱۰۰ فرستاده می‌شود تا به تخلف ساختمان آن رسیدگی شود. ما هم در آن کمیسیون بررسی کرده‌ایم و رأی به قلع داده‌ایم.

یا مثلاً در مورد ایران‌مال که تخلفات ساختمانی جدی داشت و ما درباره آن رأی دادیم، این کار هم بدون هماهنگی شهرداری انجام نشده بود. درباره «بام‌لند» هم که در کمیسیون ما مطرح شد، همین‌طور. اصلاً این پروژه بام‌لند متعلق به خود شهرداری بود. شهرداری شریک داشت. قرارداد BOT یا BOLT با سرمایه‌گذار داشت.

دوره پنجم آغاز شد. شهرداری منطقه این بنا را به‌عنوان یک تخلف ساختمانی به کمیسیون ماده ۱۰۰ فرستاد. بنای بدون پروانه، مالک شهرداری و شاکی شهرداری. من به جزئیات موضوع ورود نمی‌کنم، اما صرفاً می‌خواهم تأکید کنم که مسائل بسیار متنوع و پیچیده است.

مکاتبه معاون دفتر رهبری در رابطه با یکی از آرا

این مطلب را اولین بار است که مطرح می‌کنم. روزی در شورای شهر تهران، در دفتر آقای مهندس محسن هاشمی، رئیس محترم شورا، نامه‌ای به من داده شد که از دفتر مقام معظم رهبری، از دفتر رهبر شهید، آمده بود. موضوع این بود که یکی از معاونین دفتر مقام معظم رهبری، گزارش‌هایی دریافت کرده بودند و شبهاتی در رابطه با یکی از آرای ما در کمیسیون ماده ۱۰۰ مطرح شده بود.

تخلف ساختمانی و رأیی که ما صادر کرده بودیم، مربوط به ساختمان بسیار بزرگ و مهمی بود. ایشان حساسیت پیدا کرده بودند به این موضوع که آیا ما رأی دقیقی صادر کرده‌ایم یا احیاناً ممکن است تسامحی صورت گرفته باشد؟

من به‌سرعت تیمی تشکیل دادم که رأی صادرشده را، در انطباق با شکایتی که از شهرداری برای کمیسیون آمده بود، از جنبه‌های مختلف به‌صورت مکتوب تشریح کردند و گزارشی تهیه کردم و از طریق رئیس محترم شورا، آقای مهندس هاشمی، برای دفتر رهبر شهید ارسال شد.

اتفاقاً رأی خیلی سخت‌گیرانه‌ای هم داده بودیم که اجرا هم شد.

پالادیوم و متروپل

درباره پالادیوم، بعد از صدور رأی قلع پل و تونل غیرمجاز، در جلسه‌ای یکی از سرمایه‌گذاران شدیداً از ما انتقاد کرد. گفت: «شما اشتباه بزرگی می‌کنید. هم به ما لطمه می‌زنید، هم به شهرداری.» دلیلش را سؤال کردم. گفت: «اگر این پل و تونل تخریب نشود، چه ضرری متوجه شهر می‌شود؟ هم مردم استفاده می‌کنند، هم سرمایه‌گذار منتفع می‌شود و هم شهرداری پولش را می‌گیرد.»

حالا می‌خواهم به متروپل آبادان اشاره کنم. آن ساختمان هم محصول یکی از همین نگاه‌ها بود که آن فاجعه رخ داد. یعنی به قول آن شخص، هم سرمایه‌گذار داشت منتفع می‌شد، هم شهرداری. اما عاقبت کار را دیدیم که چه شد.

تبعات اجتماعی ناعدالتی در اجرای احکام

مقیاس موضوعات هم متفاوت است. یک زمانی شهرداری‌ها این تخلفات گل‌درشت را رها کرده‌اند یا حتی برای انجام آن‌ها یک توافق‌نامه یا قراردادی هم برخلاف قانون نوشته‌اند. اما از آن طرف، یک خانواده کم‌بضاعتی در یک نقطه‌ای از شهر، ۲ مترمربع به خانه‌شان اضافه کرده‌اند. اولی را آزاد می‌گذارند، چون مثلاً خود شهرداری هم در پروژه شراکت دارد. اما با دومی به شدیدترین شکل ممکن برخورد می‌کنند.

مردم این‌ها را می‌بینند و متوجه می‌شوند. این قبیل مسائل است که پیش از تبعات فنی، شهرسازی و بهداشتی، تبعات اجتماعی ایجاد می‌کند و ما گویی آن را نمی‌بینیم.

جریمه در ماده ۱۰۰ نباید به این معنا باشد که هرکس تخلف کرد هزینه تخلفش را بپردازد و مسئله تمام شود

وقتی ضابطه‌ای در طرح تفصیلی یا ضوابط شهرسازی تعیین می‌شود، بخشی از یک نظم شهری است مثلاً ضوابط مربوط به تراکم، تعداد طبقات معبر، زیرساخت پارکینگ و دسترسی بنابراین وقتی کسی برخلاف آن ضابطه ساخت‌وساز می‌کند نمی‌توان گفت جریمه‌اش را می‌دهد و مسئله تمام می‌شود

یک زمانی شهرداری‌ها این تخلفات گل‌درشت را رها کرده‌اند یا حتی برای انجام آن‌ها یک توافق‌نامه یا قراردادی هم برخلاف قانون نوشته‌اند اما از آن طرف یک خانواده کم‌بضاعتی در یک نقطه‌ای از شهر ۲ مترمربع به خانه‌شان اضافه کرده‌اند اولی را آزاد می‌گذارند چون مثلاً خود شهرداری هم در پروژه شراکت دارد. اما با دومی به شدیدترین شکل ممکن برخورد می‌کنند مردم این‌ها را می‌بینند و متوجه می‌شوند

| خبر |

انبار نفت «شهران» جابه‌جا می‌شود؟

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، معتقد است که محدوده شهران دیگر نباید به‌عنوان محدوده انبار نفت در نظر گرفته شود.

رئیس شورای اسلامی شهر تهران در نشست خبری با اصحاب رسانه، با تأکید بر ضرورت جابه‌جایی انبار نفت موجود در محدوده شهران به خبرنگاران گفت: «معتقدیم این محل دیگر نباید به‌عنوان انبار نفت مورد استفاده قرار گیرد و در صورت نیاز به ایجاد انبارهای کوچک، باید این موضوع با برنامه‌ریزی دقیق و رعایت کامل الزامات ایمنی انجام شود.»

چمران با اشاره به سابقه پیگیری موضوع انتقال انبار نفت اظهار کرد: «سال‌هاست درباره جابه‌جایی این انبار صحبت می‌کنیم. حتی در دوره‌ای، مسئولان وزارت نفت برای پیدا کردن محل جدید اقدام کردند و در نهایت مکانی در آن سوی کرج برای انتقال انبار نفت در نظر گرفته شد، اما موضوع دسترسی سریع به سوخت، به‌عنوان یکی از دلایل مخالفت با انتقال کامل مطرح شد.»امهر

افزایش سوانح جاده‌ای در همدان

اپیام ما ا رئیس پلیس راه استان همدان گفت: سوانح فوتی در جاده‌های برون‌شهری این استان در چهارماهه سال جاری ۹ درصد افزایش داشته است.

ارسلان سرمدی به ایرنا گفت: با وجود کاهش آمار متوفیان در مردادماه ۱۴۰۵، به‌دلیل قرار گرفتن در فصل تابستان و افزایش تردد و مسافرت‌ها، این آمار افزایشی است. او با بیان اینکه ناهمگون شدن سفرها در افزایش تصادفات چهارماهه سال جاری تأثیر داشته است، اضافه کرد: بیشترین تصادفات از نظر نوع وسیله نقلیه مربوط به سواری‌ها با ۷۰ درصد است و کمترین درصد تصادفات نیز به خودروهای سنگین و اتوبوس‌ها اختصاص دارد. رئیس پلیس راه استان همدان افزود: ۸۰ درصد سوانح از ساعت ۱۲ ظهر تا ۲۰ رخ می‌دهد و در این بازه زمانی، بیشترین میزان تصادف مربوط به ساعت ۱۴ تا ۱۶ است که به‌دلیل گرم بودن هوا رخ می‌دهد. سرهنگ سرمدی ادامه داد: بی‌توجهی به جلو و کاهش تمرکز راننده، بیشترین عامل بروز تصادفات جاده‌ای در این استان است؛ چراکه یک لحظه بی‌توجهی به جاده می‌تواند موجب مرگ راننده و سرنشینان شود. به گفته او، سرعت بالا نیز از عوامل تشدید سوانح در همدان است. ۴۵ درصد تصادفات فوتی و جرحی ناشی از خروج وسیله نقلیه از جاده و واژگونی خودرو است.

۴۰ بیمارستان در تهران تأییدیه ایمنی ندارند

اپیام ما ا رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران از شناسایی ۱۶۵ بیمارستان نیازمند رفع خطر در تهران خبر داد و گفت: از این میان، ۴۰ بیمارستان فاقد تأییدیه ایمنی هستند و ۱۰۴ مورد در حال ایمن‌سازی هستند. مهدی بابایی با اشاره به شناسایی ۱۶۵ بیمارستان نیازمند رفع خطر با همکاری دستگاه قضایی و پیگیری‌های مدیریت شهری پایتخت، اظهار کرد: از این تعداد، ۱۶۳ بیمارستان دارای دستورالعمل فازبندی هستند؛ ۱۰۴ بیمارستان در حال ایمن‌سازی، ۱۴ مورد دارای تأییدیه و ۴۰ بیمارستان فاقد هرگونه تأییدیه ایمنی هستند. او به اسامی بیمارستان‌های بحرانی و بسیار پرخطر تهران اشاره کرد و افزود: بیمارستان‌های سینا، امام خمینی (ره)، شهدای یافت‌آباد و رسول اکرم همچنان جزو بیمارستان‌های بحرانی هستند. آن‌طور که خبرگزاری مهر نوشته، رئیس کمیته ایمنی شورای اسلامی شهر تهران همچنین تأکید کرد: از این مراکز درمانی بحرانی، بیمارستان سینا تاکنون هیچ‌گونه اقدامی برای ایمن‌سازی انجام نداده است. او با اعلام اینکه وزارت بهداشت موضوع ایمنی حریق بیمارستان‌ها را با جدیت پیگیری نمی‌کند، یادآور شد: تمدید مجوز فعالیت مراکز درمانی در وزارت بهداشت باید منوط به دریافت تأییدیه ایمنی باشد.

| خبر |

مقاومت در برابر طرح مدیریت یکپارچه شهری

اپیام ماانایب‌رئیس شورای اسلامی شهر تهران می‌گوید طرح مدیریت یکپارچه شهری با مقاومت دولت‌ها روبه‌رو می‌شود.

پرویز سروری، نایب‌رئیس شورای اسلامی شهر تهران، با تأکید بر اهمیت تدوین طرح مدیریت یکپارچه شهری، به سایت شهر گفت: تحولاتی که در شهر رخ می‌دهد، این ضرورت را بیش از پیش یادآوری می‌کند که مدیریت یکپارچه یک نیاز فوری است.

او با بیان اینکه جنگ اخیر نشان داد شهر برای تاب‌آوری به مدیریت یکپارچه نیاز دارد، یادآور شد: مدیریت یکپارچه تاب‌آوری شهر را افزایش می‌دهد؛ بنده نمی‌دانم چرا این موضوع که مورد تأیید اکثر کارشناسان است، با مقاومت دولت‌ها روبه‌رو می‌شود.

نایب‌رئیس شورای اسلامی شهر تهران همچنین تأکید کرد: امروز شدیداً احساس می‌شود که به مدیریت یکپارچه‌ای که سرعت و هم‌افزایی را در انجام اقدامات افزایش می‌دهد، نیاز داریم و ضرورت وجود مدیریت یکپارچه شهری نسبت به قبل افزایش یافته است.

او با بیان اینکه دولت لایحه‌ای ارائه نداده است، اضافه کرد: مجلس طرحی را در این زمینه دنبال کرد، اما با توجه به اینکه مجلس در ایام اخیر جلسات کمتری برگزار کرد، موضوع متوقف ماند.

عضو شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به افزایش تعاملات بین شهرداری و دولت، گفت: جلسات متعددی بین شهرداری و دولت در حال برگزاری است و با توجه به شرایط سخت جنگ، دولت همکاری خوبی با شهرداری تهران دارد تا نیازهای شهر و شهروندان رفع شود. امروز زمینه ارائه خدماتی که پیش از این به شکل شایسته‌ای ارائه نمی‌شد، در حال شکل‌گیری است.

سروری افزود: با توجه به افزایش هم‌افزایی‌ها بین دولت و شهرداری، درخواست می‌کنیم که دولت تشکیل مدیریت یکپارچه شهری را مورد توجه قرار دهد.

نوبت اول
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی واراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۱۹۴ و رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۱۹۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امیر یوسفی کلوانی فرزند بهرام شماره شناسنامه ۲۴۵۱ صادره از شفت و آقای ارسلان سالاری درودخانی فرزند محمد شماره شناسنامه ۱۱۹۷ صادره از شفت مشاعاً بالسویه در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر اعیان احدائی به مساحت ۲۸۴۴/۴۱ مترمربع شماره پلاک فرعی ۳۹۳ مجزی شده از پلاک ۳۵ فرعی واقع در قریه لپوندان شهرستان شفت سنگ اصلی ۸ بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالکیت رسمی آقای علی مظلوم (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است، لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب اصلاحی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه محلی و کثیرالانتشار آگهی می‌گردد درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی در حوزه ثبتی شفت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت یک ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
نعمت ذوقی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شفت
شناسه آگهی: ۲۲۵۲۱۸۰ م الف: ۹۶۲

نوبت اول
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک شفت
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۳۱۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سیده زهرا هاشم نیا فرزند سید حسن شماره شناسنامه ۴۸۲ صادره از رشت در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۲۹۱/۵ مترمربع می‌باشد.
به شماره پلاک ثبتی فرعی ۸۳۰ مجزی شده از پلاک ۵ فرعی واقع در قریه گوراب لیشاوندان شفت سنگ اصلی ۶۱ بخش ۲۴ گیلان خریداری از مالکیت رسمی آقایان یوسف پورحسینی و مهدی حسین‌زاده گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت
از طرف ابوذر زرین‌پور حسن کیاده
شناسه آگهی: ۲۲۵۲۷۱۶ م الف: ۹۶۴

نوبت اول
سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال
از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۶۳۶۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم مهربان امیرپور شالکه فرزند شامار بشماره شناسنامه ۷۳۱ صادره از ماسال در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر انباری به مساحت ۲۵۰/۲۴ مترمربع پلاک فرعی ۲۵۰۰ از اصلی ۲۵ بخش ۲۶ گیلان واقع در میله سرای ماسال خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال
از طرف صائمه امجدی
شناسه آگهی: ۲۲۵۲۲۳۷ م الف: ۱۲۲۱

دهیاری اردکلو
آگهی مناقصه دهیاری اردکلو
دهیاری اردکلو در نظر دارد در ۳۰ هزار مترمربع از معابر روستا، زیرسازی و آسفالت (با قیر مصرفی بنیاد مسکن) اجرا نماید، بدینوسیله از پیمانکاران دارای صلاحیت دعوت می‌گردد با مراجعه به سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir)، جهت دریافت مدارک و نیز بارگذاری مدارک خواسته شده در آن سامانه اقدام نمایند.
شماره تماس: ۰۹۱۴۳۹۱۲۷۳۱
دهیار اردکلو - سیف الهی خامنه

آنچه درباره گردوخاک در استان‌های ساحلی شمال ایران می‌دانیم

شمـــال زرد

افزایش دما و خشکسالی در آسیای میانه و دیگر کانون‌های پیرامون دریای کاسپین ورود گردوخاک به گیلان، مازندران و گلستان را تشدید کرده است

صدای بی‌نفسی شمال بلند نیست. زیر پوشش سبز هیرکانی و آبی کاسپین، گردوخاک استان‌های گیلان، مازندران و گلستان را بی‌نفس کرده است. آنچه استان‌های شمالی ایران یا استان‌های حاشیه جنوبی دریای کاسپین را از دیگر مناطق کشور متمایز می‌کند، افزون بر جغرافیا و چشم‌انداز متفاوت، هوای پاک آن‌ها بوده است. اهمیت این ویژگی در حوزه سلامت و بیماری‌های قلبی‌عروقی و ریوی نیز سابقه‌ای طولانی دارد. پیش از آنکه گردشگری سلامت و آسایش آب‌وهوایی مطرح شود، کم نبودند کسانی که به توصیه پزشکان به این منطقه مهاجرت می‌کردند و ساکن آن می‌شدند.

| سمانه نگاه |
| دکتری هواشناسی |

| نیما فریدمجتهدی |
| دکتری آب‌وهواشناسی |

این شرایط مطلوب، حاصل قرار گرفتن چند عامل در کنار یکدیگر است: دریای کاسپین، نبود پهنه‌های بیابانی و خشک، وجود رشته‌کوه‌های البرز به‌عنوان مانعی در برابر عبور گردوخاک از منابع داخلی ایران و کانون‌های غربی و همچنین جنگل‌های هیرکانی به‌عنوان منبعی پالاینده. بااین‌حال، این ویژگی‌ها به‌معنای نبود گردوخاک در استان‌های شمالی نیست. برخی شهرهای این منطقه، به‌دلیل هم‌جواری با پهنه‌های بیابانی و خشک، سابقه وقوع توفان‌های گردوخاک را دارند. خیال آسوده ساکنان این گوشه دنج از دور بودن کانون‌های گردوخاک، در سال ۱۳۹۴ آشفته شد. چه اتفاقی افتاد؟

نخستین رخداد مشخص در این زمینه در بندرانزلی استان گیلان ثبت شد؛ رخدادی که کاهش دید افقی به ۸۰۰ متر، زنگ خطر را به صدا درآورد. پیش از آن نیز در دهه ۸۰، ورود گردوخاک از منابع جنوبی و جنوب‌غربی ایران باعث شده بود استان گیلان، بیش از دیگر استان‌های شمالی، به‌تناوب تحت تأثیر این پدیده قرار گیرد.

اما از میانه دهه ۹۰ تاکنون، گردوخاک ورودی از منابع شمالی و شمال‌شرقی غلبه یافته و این مناطق عملاً به کانون‌های صدور بحران تبدیل شده‌اند. پس از این رخدادها بود که دوباره به یاد آوردیم در حاشیه شمال سبزمان، بخشی از مهم‌ترین بیابان‌های جهان در آسیای میانه خفته‌اند.

براساس پژوهش‌های انجام‌شده، گردوخاک از ۲۰ کانون به کرانه‌های جنوبی دریای کاسپین می‌رسد. تداوم این روند، افزایش شدت گرمایش جهانی و برهم خوردن تعادل بوم‌شناختی بیابان‌های پیرامون دریای کاسپین، ورود گردوخاک از منابع پیشین را تشدید کرده و زمینه شکل‌گیری کانون‌های جدید را نیز فراهم آورده است. تعداد کانون‌های گسیل گردوخاک مؤثر بر استان گیلان، از ۳ منبع در ابتدای دهه ۹۰ به ۸ منبع در پایان این دهه افزایش یافته است.

کانون‌های گسیل گردوخاک مؤثر بر گیلان از ۳ مورد در ابتدای دهه ۹۰ به ۸ مورد در پایان این دهه رسیده‌اند. توده‌های غبار از بیابان‌های خاورمیانه آسیای میانه و حاشیه دریای کاسپین از مسیرهای جوی مختلف به سواحل جنوبی این دریا می‌رسند

روایت غبارآلودگی استان‌های شمالی ایران

هنگامی که از ورود گردوخاک به سواحل جنوبی دریای کاسپین صحبت می‌کنیم، باید در نظر داشته باشیم که این منطقه سبز در میان پهنه‌ای وسیع از مناطق گرم و خشک خاورمیانه و آسیای مرکزی قرار گرفته است. ویژگی‌های جغرافیایی این سرزمین سبز، حاصل وجود دو پدیده مهم، یعنی دریای کاسپین و رشته‌کوه‌های البرز است. بنابراین، فارغ از آب‌وهوای متفاوت سواحل جنوبی کاسپین، واقعیت جغرافیایی منطقه پیرامون آن، گرما و خشکی است. پدیده‌هایی مانند گردوخاک نیز از پیامدهای همین شرایط به‌شمار می‌روند.

آب‌وهوای استان‌های گیلان، مازندران و گلستان، شرایط جغرافیایی، زیستی و بوم‌شناختی متفاوتی نسبت به دیگر نقاط ایران پدید آورده است. این منطقه با دمای معتدل و بارش فراوان شناخته می‌شود و در مجموع، آب‌وهوایی معتدل دارد. رطوبت دائمی، بارش فراوان، ویژگی‌های دمایی، شرجی بودن هوا و محدود بودن روزهای برفی و یخبندان، شرایط مناسبی برای رشد برخی گونه‌های گیاهی گرمسیری فراهم کرده‌اند. جنگل‌های پهن‌برگ معتدله هیرکانی نیز برآیند همین شرایط هستند. کشت گیاهان بومی مناطق حاره‌ای و گرمسیری، مانند برنج، مرکبات و چای، نمونه‌ای جالب‌توجه از این وضعیت است. تنوع آب‌وهوایی، شرایط زیست‌محیطی خاص، حساس و شکننده‌ای در استان‌های شمالی ایجاد کرده است. این شرایط سبب شده است گونه‌های گیاهی و جانوری این استان‌ها در برابر مخاطره‌های غیرمعمول مناطق معتدل، مانند گردوخاک، آسیب‌پذیری بیشتری داشته باشند.

از سوی دیگر، پدیده گردوخاک با توجه به نحوه شکل‌گیری و انتقال آن، فقط به مناطق خشک محدود نمی‌شود. گردوخاک می‌تواند در مقیاس‌های مکانی مختلف شکل بگیرد، جابه‌جا شود و انتشار یابد. یکی از انواع انتقال، گردوخاک را از محل سرچشمه تا صدها یا هزاران کیلومتر دورتر جابه‌جا می‌کند. ورود گردوخاک از صحرای بزرگ آفریقا به اروپا و جنگل‌های آمازون، نمونه بارز این نوع انتقال است.

با این مقدمه باید توجه داشت که ورود گردوخاک به شمال کشور، پدیده‌ای بی‌سابقه نیست. البته به‌دلیل موقعیت جغرافیایی متفاوت گلستان، وضعیت این استان با گیلان و مازندران تفاوت دارد. گلستان هم مناطق بیابانی دارد و هم با میلیون‌ها هکتار بیابان در کشورهای همسایه مجاور است. بنابراین، مردم این استان با پدیده گردوخاک آشناتر از ساکنان مناطق غربی‌تر در مازندران و گیلان هستند.

در مجموع، گردوخاک ورودی به شمال ایران را می‌توان با توجه به موقعیت سرچشمه‌ها، به دو دسته شمالی و جنوبی تقسیم کرد.

مسیر عبور غبار

ورود گردوخاک به این منطقه، متأثر از کانون‌های اصلی تولید گردوخاک در بیابان‌های دورتر است. کانون نخست، بیابان‌های گرم و خشک خاورمیانه و شمال آفریقا را دربرمی‌گیرد. گردوخاک برخاسته از این کانون، با جریان‌ها و سامانه‌های عمیق جوی به ترازهای میانی و بالایی جو نفوذ می‌کند. سپس همراه این جریان‌ها از سد کوهستان البرز عبور می‌کند و به منطقه می‌رسد. در این شرایط، مناطق جنوبی استان گیلان و مسیر دره سفیدرود، به‌عنوان تنها شکاف طبیعی در بدنه البرز، نخستین مناطقی هستند که از حرکت توده گردوخاک تأثیر می‌پذیرند. این مناطق همچنین بیشترین تأثیر را متحمل می‌شوند.

گردوخاکی که از بیابان‌های خاورمیانه به شمال ایران می‌رسد، به‌دلیل پیمودن مسافتی طولانی، ریزدانه‌تر و سبک‌تر است. بنابراین، همراه جریان‌های جوی در ترازهای میانی و بالایی جو حرکت می‌کند و توان عبور از مناطق کوهستانی را دارد.

کانون‌های گردوخاک ورودی از غرب و جنوب‌غرب عبارت‌اند از:

الف) شبه‌جزیره عربستان:
۱. ربع‌الخالی عربستان
۲. فلات مرتفع عربستان در شمال‌غرب این کشور

ب) میان‌رودان:
۳. بیابان غربی عراق
۴. بیابان شرقی عراق
۵. بیابان جَزرای عراق
۶. صحرای سوریه
۷. حوضه آبریز رود اردن

ج) شمال آفریقا:
۸. بیابان لیبی
۹. مناطق پست قطرا در مصر
۱۰. حوضه رود نیل

کانون دوم، بیابان‌های گرم شرق و شمال‌شرق دریای کاسپین را دربرمی‌گیرد. توده گردوخاک بر فراز این بیابان‌ها شکل می‌گیرد و جریان‌های قوی شمال‌شرقی در لایه‌های زیرین جو، آن را به منطقه منتقل می‌کنند.

نکته مهم این است که در این سازوکار، توده گردوخاک به‌طور مستقیم از روی پهنه دریای کاسپین عبور می‌کند. در این مسیر، مانعی مانند کوهستان البرز وجود ندارد؛ بنابراین، گردوخاک مستقیماً شهرهای ساحلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کانون‌های گردوخاک ورودی از شرق و شمال‌شرق دریای کاسپین عبارت‌اند از:

۱. بیابان قره‌قوم
۲. دشت توران در ازبکستان
۳. دلتای اترک در ترکمنستان
۴. دریاچه آرال
۵. بیابان قزل‌قوم
۶. بیابان معین‌قوم
۷. فلات اوست‌یورت

کانون سوم، بیابان‌های شمال‌غربی و شمال‌شرقی دریای کاسپین، از جمله بیابان رایین و دلتای رود اورال، را دربرمی‌گیرد. کانون چهارم نیز بیابان‌های غرب دریای کاسپین در منطقه قفقاز است. کُبستان در جمهوری آذربایجان، یکی از کانون‌های گردوخاک ورودی از غرب دریای کاسپین به‌شمار می‌رود.

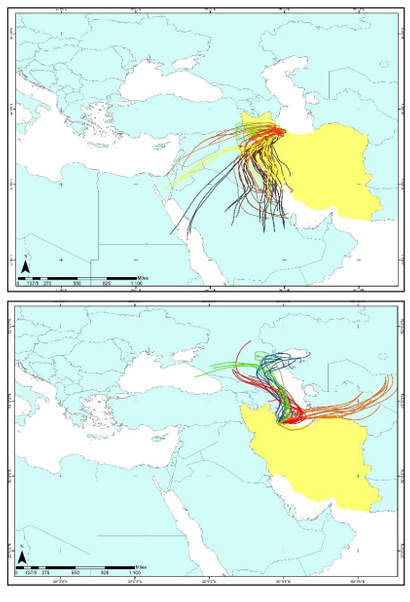

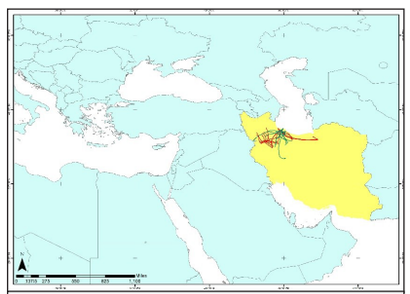

شکل۱. ردیابی مسیرهای گسیل گردوخاک به ایستگاه فرودگاه رشت با استفاده از پسگرد مدل‌های شیمی جو.

فراوانی بیشتر رخدادهای گردوخاک شمالی به سازوکار شکل‌گیری این پدیده بازمی‌گردد. این جریان‌ها زمانی می‌توانند سواحل جنوبی دریای کاسپین را تحت تأثیر قرار دهند که توده هوای پرفشاری در مناطق شمال‌شرقی این دریا شکل بگیرد. این توده پرفشار، جریان‌های شمال‌شرقی را به‌سوی سواحل جنوبی دریای کاسپین هدایت می‌کند.

هرچه سرعت وزش باد در منطقه بیشتر باشد، شرایط برای خیزش گردوخاک از منابع اصلی مساعدتر می‌شود و گردوخاک آسان‌تر به منطقه ما می‌رسد. در فصل بهار، با وجود فرونشینی هوای گرم در شمال‌شرق دریای کاسپین، بارش باران به‌تدریج کاهش می‌یابد و دما افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه، خاک سطحی خشک می‌شود و افزایش سرعت وزش باد، گردوخاک برخاسته از آن را به سواحل جنوبی دریای کاسپین می‌رساند.

مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و تشدید گردوخاک در سواحل کاسپین

در سال‌های اخیر، رخدادهای منطقه آسیای میانه یا خوارزم، تعداد روزهای گردوخاکی استان‌های شمالی، به‌ویژه گیلان، را افزایش داده‌اند. از ابتدای دهه ۹۰ چند کانون گسیل گردوخاک فعال شده‌اند. استمرار گرمایش جهانی و تغییر اقلیم در شکل‌گیری این وضعیت نقش داشته‌اند؛ به‌ویژه آنکه منطقه خوارزم یا آسیای میانه، یکی از مناطق به‌شدت متأثر از این تغییرات است.

نقشه‌های ناهنجاری دمایی سازمان ملی هوانوردی و فضایی آمریکا، ناسا، نشان می‌دهند دمای منطقه خوارزم و شمال دریای کاسپین ۲ تا ۴ درجه سلسیوس از میانگین‌های بلندمدت بیشتر شده است.

برای دستیابی به دیدگاهی روشن‌تر باید ماهیت بیابانی منطقه را نیز در نظر گرفت. در بیشتر مناطق پیرامون دریای کاسپین، بارش اندکی که در فصل سرد یا مرطوب سال رخ می‌دهد، تعادل بوم‌شناختی مناطق بیابانی را حفظ می‌کند. بررسی دما در فصل زمستان، شامل ماه‌های دسامبر، ژانویه و فوریه، افزایش ناهنجاری مثبت دما تا ۴ درجه سلسیوس را نشان می‌دهد. این افزایش به‌ویژه در مناطق شمالی و شمال‌غربی دریای کاسپین محسوس است.

این وضعیت را می‌توان در بررسی شرایط دمایی دوره سرد سال، در بازه طولانی‌تر نوامبر تا آوریل، نیز مشاهده کرد. بنابراین، نقش پررنگ گرمایش جهانی و خشکسالی‌های پیاپی در فعال‌تر شدن بیابان‌های گسیل‌کننده گردوخاک، به‌ویژه در دو دهه اخیر، آشکار است.

در سال جاری، گرمایش جهانی با شکستن رکوردهای دمایی در ماه‌های ژوئن و ژوئیه خود را به رخ کشید؛ به‌گونه‌ای که دبیرکل سازمان ملل متحد از پایان عصر گرمایش جهانی و آغاز دوره «جوشش جهانی» سخن گفت.

آیا این شرایط بحرانی است؟

قرار نیست گردوخاک همه‌چیز را از بین ببرد. اگر وجود گردوخاک را الزاماً به‌معنای شکل‌گیری بحرانی فراگیر بدانیم و همه‌چیز را سیاه ببینیم، برداشت درستی از این پدیده نخواهیم داشت. ما درباره مسئله‌ای صحبت می‌کنیم که فقط به شمال ایران محدود نیست.

بااین‌حال، حساسیت نسبت به گردوخاک در شمال کشور به چند دلیل بیشتر است. نخست آنکه فراوانی این پدیده با سرعت زیادی افزایش یافته است. دوم آنکه شمار کانون‌های گسیل گردوخاک مؤثر بر استان‌های شمالی، به‌ویژه گیلان، زیاد است. طبیعی است که افزایش منابع گسیل، میزان درگیری منطقه با این پدیده را نیز بیشتر می‌کند. شمار بالای این منابع، استان‌های شمالی را در شرایط دشواری قرار داده است.

مسئله دیگر، وضعیت بوم‌شناختی منطقه است. آب‌وهوای خاص خزری و وجود جنگل‌های هیرکانی، میزان اثرپذیری این منطقه از پدیده‌ای مختص نواحی خشک را متفاوت و بیشتر می‌کند. با توجه به سابقه هوای پاک این منطقه، آمارهای ارائه‌شده در جدول پیوست گزارش نگران‌کننده‌اند.

راه برون‌رفت از شرایط فعلی چیست؟

گردوخاکی که زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به گرمایش جهانی و تغییر اقلیم وابسته است؛ مسئله‌ای که ابعادی جهانی دارد. عرصه‌هایی که گردوخاک را به‌سوی ما می‌فرستند نیز در کشورهای دیگر قرار دارند. برهم خوردن نظم آب‌وهوایی جهان به‌زودی متوقف نمی‌شود. هم ابعاد جهانی این مسئله و تأثیر آن بر جو زمین گسترده است و هم منشأ اصلی آن، یعنی انتشار بیش از اندازه گازهای گلخانه‌ای، همچنان فعال است. در عمل نیز اراده‌ای مؤثر برای مقابله با این روند در جهان دیده نمی‌شود.

بنابراین، با توجه به سناریوهای جهانی و روند افزایش دما، به‌ویژه تشدید آن در چند سال اخیر، به‌احتمال زیاد این پدیده همچنان با ما خواهد بود. نباید واقعیت را نادیده بگیریم؛ اما آیا باید در برابر این وضعیت منفعل باشیم؟ نه.

در گزارش‌ها و مستندات جهانی، افزون بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و کند کردن روند گرمایش زمین، بر راه‌حل‌های نزدیک‌تر، عملی‌تر و کوتاه‌مدت نیز تأکید شده است. تاب‌آوری، کاهش پیامدها و سازگاری، از جمله این راه‌حل‌ها هستند.

بااین‌حال، مقابله مستقیم با گردوخاک، به‌دلیل نحوه انتشار آن در قالب توده‌ای عظیم و فراگیر، در عمل دشوار و گاه ناممکن است. در این وضعیت، با سیالی مواجه هستیم که همه محیط پیرامون ما را دربرگرفته است. باوجوداین، با پذیرش حضور گردوخاک به‌عنوان پدیده‌ای که این روزها در منطقه ما رایج شده است، می‌توان از راه‌های مختلف پیامدهای آن را کاهش داد.

طبیعتاً متخصصان باید درباره راهکارهای مناسب نظر بدهند؛ اما یکی از اقدام‌های ممکن، افزایش پوشش گیاهی شهرها در خیابان‌ها و کوچه‌های فرعی است. پوشش گیاهی بسیاری از شهرهای استان‌های شمالی، متأسفانه حتی با استانداردهای کشوری نیز مطابقت ندارد.

پوشش گیاهی، با هر وسعتی، به رسوب محلی گردوخاک کمک می‌کند. این اقدام، راهکاری ارزان، اجرایی و ضروری است که نه به سرمایه‌گذاری گسترده نیاز دارد و نه به فناوری پیچیده.

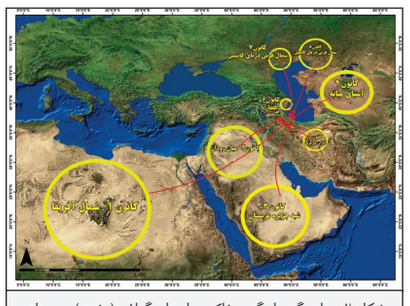

شکل ۲. منابع گسیل گردوخاک به استان گیلان (رشت) بر مبنای پایش و مدل۲های شیمیایی جو و پردازش تصاویر ماهواره‌ای.

روند فراوانی گردوخاک در کرانه جنوبی دریای کاسپین

بررسی میانگین بلندمدت فراوانی روزهای همراه با گردوخاک در ایستگاه هواشناسی فرودگاه رشت نشان می‌دهد این پدیده در ماه آوریل با میانگین ۳٫۶ روز به بیشترین میزان می‌رسد. کمترین فراوانی نیز در ماه ژوئیه، با میانگین ۲٫۲ روز، ثبت شده است. در مجموع، پاییز کمترین و بهار بیشترین فراوانی گردوخاک را دارد.

میانگین فراوانی پدیده گردوخاک در ایستگاه هواشناسی رشت، از ۳٫۲ مورد در دهه ۱۹۶۰ به ۱۱۱ مورد در دهه ۲۰۱۰ رسیده است. تعداد روزهای همراه با گردوخاک در دوره آماری ۶۰ساله نیز افزایشی معنادار را نشان می‌دهد.

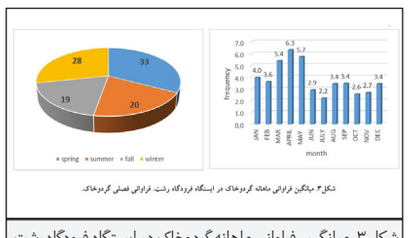

شکل۳. میانگین فراوانی ماهانه گردوخاک در ایستگاه فرودگاه رشت. فراوانی فصلی گردوخاک.

شکل۳. میانگین فراوانی ماهانه گردوخاک در ایستگاه فرودگاه رشت. فراوانی فصلی گردوخاک

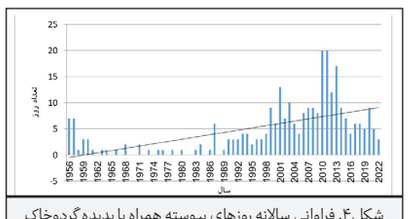

شکل۴. فراوانی سالانه روزهای پیوسته همراه با پدیده گردوخاک ایستگاه فرودگاه رشت

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک شفت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۶۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مرضیه رضازاده عثماوندانی فرزند غلامعلی شماره شناسنامه ۱۵ صاده از شفت در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکباب انباری به مساحت ۸۲/۵۳ مترمربع می‌باشد.

به شماره پلاک ثبتی فرعی ۸۹۷ مجزی شده از پلاک ۲۳۴ فرعی واقع در قریه عثماوندان شفت سنگ اصلی ۲۲ بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالکیت رسمی غلامعلی رضازاده عثماوندانی گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
نعمت ذوقی
رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت
از طرف ابوذر زرین‌پور حسن کیاده
شناسه آگهی: ۲۲۵۱۳۰۷ م الف:۹۵۹

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره‌کل ثبت‌اسناد املاک آذربایجانغربی

آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۱۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۷ صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱- خانم لیلا حسین‌نژاد اصل به شماره شناسنامه ۶۹۱ و کد ملی ۲۸۳۰۷۵۳۵۸۵ صادره از ماکو فرزند غلامحسین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۵۳/۲۶ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۳۱- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای غلامحسین حسین‌نژاد پرونده‌ی کلاسه ۳۵۸۵-۱۴۰۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ در روزنامه‌ی محلی و روزنامه رسمی
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ در روزنامه‌ی محلی و روزنامه رسمی
عسگر اسماعیلی - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماکو
از طرف یوسف‌زاده - شناسه آگهی: ۲۲۵۴۵۲۴

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری نرجه

شهرداری نرجه در نظر دارد با استناد به بند ۲ مصوبه شماره ۳۵۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۹ شورای اسلامی شهر نسبت به اجرای عملیات جدول‌گذاری بلوار ۴۵ متری و باند کندرو (کنارگذر) شهر نرجه تا سقف مبلغ ۶۵ میلیارد ریال از طریق مناقصه عمومی در بستر سامانه ستاد اقدام نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر پس از انتشار آگهی نوبت دوم به سامانه ستاد ایران مراجعه و حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز پیشنهادات خود را ارائه نمایند.
- شهرداری در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.
- هزینه کارشناسی و درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- چنانچه برندگان اول ودوم و سوم حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۳
امین آقاجانی - شهردار نرجه
شناسه آگهی: ۲۲۴۹۲۸۶

فراخوان مناقصه عمومی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان سمنان

اداره کل راه و شهرسازی شرق استان سمنان (شاهرود) در نظر دارد مناقصه عمومی ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار کند. کلیه مراحل برگزاری تا ارائه پیشنهاد و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) http://www.setadiran.ir/ انجام خواهد شد

ردیف	عنوان فراخوان	شماره فراخوان سامانه ستاد	برآورد (ریال)	مهلت دریافت اسناد	آخرین مهلت ارسال پیشنهاد	تاریخ بازگشایی
۱	مناقصه عمومی یک مرحله‌ای تهیه تابلوهای مسیرنما، شورون، اخطاری و انتظامی به همراه متعلقات مربوطه و تجهیزات ترافیکی	۲۰۰۵۰۰۳۱۹۹۰۰۰۰۳۰	۴۹,۹۴۹,۶۰۰,۰۰۰	۱۴۰۵/۰۵/۲۴	۱۴۰۵/۰۶/۰۳	۱۴۰۵/۰۶/۰۴

روابط عمومی - اداره کل راه و شهرسازی شرق استان سمنان- شاهرود
شناسه آگهی: ۲۲۵۱۳۹۳

نوبت سوم

نقل و انتقال لنج باری
به شماره ثبت ۱۱۰۱۴ - بندرعباس

P.M.O

به استناد رونوشت سند شماره ۹۵۰۱۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ با شناسه سند ۱۴۰۰۱۱۴۵۶۹۷۲۰۰۰۰۳۹ دفتر اسناد رسمی ۱۳ بندر دیلم آقایان علی رضا طاهری‌پور فرزند ماشاءاله، محسن طاهری‌نیا فرزند ماشاالله و اسماعیل قنواتی فرزند غلامحسین ۳ دانگ سهام خود در مالکیت لنج باری به شماره ثبت ۱۱۰۱۴- بندرعباس را به آقایان ماشاالله طاهری آزاد فرزند محمدعلی و محمدعلی طاهری آزاد فرزند ماشاءاله انتقال قطعی داده‌اند.
مراتب به استناد ماده ۲۵ قانون دریایی ایران آگهی می‌گردد.

بنادر و دریانوردی شهید رجایی
شناسه آگهی: ۲۲۳۸۲۹۹

یزد

تغییر نشانگر کنتور بدون مصرف آب زنگ هشدار نشتی در منازل است

محمد فدوی، مدیر دفتر مدیریت بحران و پدافند غیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان یزد، راهکارهای مؤثری برای شناسایی نشتی‌های پنهان آب در منازل ارائه کرد. وی تأکید کرد که بسیاری از نشتی‌ها در تأسیسات داخلی ساختمان به‌سادگی قابل‌تشخیص نیستند و باعث هدررفت زیاد آب و افزایش غیرعادی قبض‌ها می‌شوند.

بهترین روش پیشنهادی او، بستن تمامی شیرآلات و تجهیزات مصرف‌کننده و باز گذاشتن شیرفلکه ورودی آب است. در این حالت، مشترک باید برای چند دقیقه عقربه یا نشانگر کنتور را چک کند. حرکت عقربه یا تغییر اعداد کنتور، نشان‌دهنده قطعی نشتی در تأسیسات داخلی ملک است. کنتورهای جدید به دلیل حساسیت بالا، حتی نشتی‌های جزئی را هم نشان می‌دهند. افزایش ناگهانی مبلغ قبض، لکه‌های نم و رطوبت روی دیوار، سقف یا کف، کپک‌زدگی، شنیدن صدای مداوم آب و افت فشار از دیگر نشانه‌های وجود نشتی هستند. فدوی به یک ترفند جالب برای نشتی‌های غیرقابل دید فلاش‌تانک اشاره کرد: افزودن چند قطره ماده رنگی به مخزن؛ اگر رنگ بدون استفاده از سیفون وارد کاسه توالت شود، یعنی نشتی وجود دارد.

وی تأکید کرد که یک چکه ساده می‌تواند ماهانه صدها لیتر آب را هدر دهد. در نهایت، پس از شناسایی نشت، مشترکان باید برای شناسایی دقیق محل و رفع آن، از خدمات یک لوله‌کش ماهر استفاده کنند. همچنین، در صورت افت فشار شدید که ناشی از شبکه توزیع باشد، باید با سامانه ۱۲۲ تماس گرفت. شناسایی و رفع به‌موقع نشتی، گامی مهم در مدیریت مصرف آب و جلوگیری از اتلاف این سرمایه حیاتی است.

مرکزی

پساب، جایگزین مصارف صنعتی آب در استان مرکزی می‌شود

حسین اسدی، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای مرکزی، اعلام کرد که بر اساس برنامه هفتم توسعه و مصوبات شورای حفاظت از منابع آب، صنایع بزرگ استان مکلف‌اند به‌جز مصارف شرب و بهداشت، تمامی نیازهای آبی خود را از طریق پساب تأمین کنند. وی تأکید کرد که در صورت عدم رعایت این الزامات قانونی، مطابق مقررات با متخلفان برخورد خواهد شد.

در این راستا، تعیین تکلیف و بازتخصیص پساب در تمامی شهرهای استان مرکزی با هدف کاهش فشار بر منابع آب زیرزمینی و سطحی انجام شده است. برخی صنایع بزرگ از پیش‌گام‌های عملی برداشته‌اند؛ برای نمونه، پالایشگاه شازند برای انتقال پساب شهرهای آستانه و شازند و پتروشیمی برای استفاده از پساب شهر مهاجران برنامه‌ریزی کرده‌اند. در اراک نیز پساب به بخش‌هایی همچون فضای سبز، شهرک صنعتی خیرآباد، تالاب میقان و شرکت زرین خوشه تخصیص یافته است. همچنین در شهرستان خمین، شرکت‌های آرین پارس موتور و مهیا فن در حال حاضر از پساب استفاده می‌کنند.

مدیرعامل آب منطقه‌ای مرکزی خاطرنشان کرد که استفاده از پساب صرفاً یک راهکار تأمین آب نیست، بلکه بخشی از راهبرد مدیریت پایدار و کاهش برداشت از منابع محدود استان است. هدف نهایی این بازتخصیص، آزادسازی منابع آب متعارف برای مصارف حیاتی‌تر و صیانت از آبخوان‌هاست. تحقق این هدف ملی نیازمند همکاری جدی دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های آب‌وفاضلاب و پایبندی صنایع به مسئولیت‌های قانونی خود در حوزه امنیت آبی است.

زنجان

برق‌رسانی ۱۶ هزار واحد مسکن ملی زنجان شتاب گرفت

شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان اعلام کرد برق‌رسانی به ۱۶ هزار واحد مسکن ملی در استان در حال پیشرفت است و پروژه‌های بزرگ این طرح با سرعت در حال اجراست. این موضوع در نشست ارزیابی عملکرد شرکت و با حضور مشاور مدیرعامل توانیر در امور مسکن ملی مطرح شد.

عادل کاظمی، مدیرعامل شرکت، گفت تأمین برق پایدار برای واحدهای جدید خط قرمز این مجموعه است. او توضیح داد که پروژه بزرگ کوی ارم با حدود ۱۱ هزار واحد مسکونی، از مهم‌ترین طرح‌های در دست اجراست و برای آن احداث ۱۴۰ کیلومتر شبکه فشار ضعیف و متوسط و نصب ۳۳ دستگاه پست هوایی پیش‌بینی شده است.

به گفته کاظمی، تاکنون ۱۹۵ میلیارد تومان از محل صندوق ملی مسکن دریافت شده که ۸۷ میلیارد تومان آن صرف پروژه‌های نهایی و ۱۰۸ میلیارد تومان دیگر برای خرید تجهیزات و کالا در طرح‌های ثمین ۳، کوی زیتون و زرکوبان اختصاص یافته است. او افزود برآورد تکمیل زیرساخت‌های سال ۱۴۰۵ حدود ۷۵۶ میلیارد تومان است.

وی همچنین از پیشرفت ۵۰ درصدی نصب پایه‌های فشار متوسط در پروژه ثمین ۳ خبر داد و گفت با تعیین زیرسازی و جدول‌گذاری توسط بنیاد مسکن، عملیات تکمیلی به‌سرعت انجام می‌شود.

خبر

گیلان ۹۲۰ مگا ولت‌آمپر به شبکه برق افزود

شرکت برق منطقه‌ای گیلان اعلام کرد که با تلاش شبانه‌روزی کارکنان این مجموعه، در فاصله پیک‌بار سال گذشته تا پیک‌بار سال جاری، ۹۲۰ مگا ولت‌آمپر به ظرفیت پست‌های انتقال و فوق توزیع استان افزوده شده است. این اقدام در راستای تقویت زیرساخت‌های برق‌رسانی، افزایش پایداری شبکه و پاسخ‌گویی بهتر به رشد مصرف برق در گیلان انجام شد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو، عادل سلیمانی، مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای گیلان، گفت: در حوزه پست‌های انتقال، ۴۱۵ مگا ولت‌آمپر ظرفیت‌سازی باارزش روز سرمایه‌گذاری ۳ هزار میلیارد تومان ایجاد شد. او این دستاورد را نتیجه تلاش ویژه و ستودنی کارکنان شرکت دانست و افزود که در حوزه فوق توزیع نیز ۵۰۵ مگا ولت‌آمپر ظرفیت جدید به بهره‌برداری رسید.

سلیمانی تأکید کرد که مجموع این اقدامات باعث شد ظرفیت شبکه در بخش پست‌های انتقال و فوق توزیع به طور قابل‌توجهی تقویت شود. به گفته او، در بخش خطوط نیز ۷ کیلومتر مدار خط انتقال احداث و با تعویض هادی در ۴۵ کیلومتر مدار، ظرفیت‌سازی تازه‌ای ایجاد شد. ارزش روز سرمایه‌گذاری این دو بخش نیز ۷۳۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

کشف کالای قاچاق به ارزش ۸۰ میلیارد ریال

شریفی - فرمانده انتظامی استان قزوین از کشف ۳۴ هزار و ۸۴۳ قلم کالای قاچاق به ارزش ۸۰ میلیارد ریال و توقیف یک دستگاه کامیون کشنده در آزادراه قزوین - زنجان خبر داد. این عملیات مشترک با همکاری پلیس امنیت اقتصادی استان و پلیس آگاهی تاکستان انجام شد.

سردار محمدقاسم طرهانی گفت: در پی اقدامات اطلاعاتی پلیس امنیت اقتصادی درباره جابه‌جایی محموله قاچاق با یک کامیون کشنده، اطلاعات تکمیلی در اختیار مأموران پلیس آگاهی تاکستان قرار گرفت. مأموران پس از هماهنگی قضائی به محورهای مواصلاتی اعزام شدند و خودرو حامل محموله را در آزادراه قزوین - زنجان شناسایی و متوقف کردند.

به گفته وی، در بازرسی از خودرو ۳۴ هزار و ۸۴۳ قلم کالا شامل لوازم‌یدکی، لوازم الکترونیکی، خشکبار و لوازم برقی آشپزخانه کشف شد. یک متهم نیز دستگیر و همراه محموله به مقر انتظامی منتقل شد. کارشناسان ارزش این محموله را ۸۰ میلیارد ریال برآورد کردند.

سردار طرهانی با تأکید بر تداوم طرح‌های پیشگیرانه پلیس از شهروندان خواست در صورت مشاهده احتکار یا توزیع کالای قاچاق، موضوع را از طریق شماره ۱۱۰ اطلاع دهند تا با متخلفان برخورد قانونی شود.

گلستان

آزمون کمی تمامی نازل‌های CNG در گلستان از ۲۸ مرداد آغاز می‌شود

مؤمنی - به گزارش روابط‌عمومی اداره کل استاندارد گلستان، باهدف صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان و اطمینان از صحت عملکرد تجهیزات اندازه‌گیری در جایگاه‌های عرضه سوخت، آزمون کمی تمامی نازل‌های عرضه گاز طبیعی فشرده (CNG) در سطح استان گلستان از ۲۸ مردادماه ۱۴۰۵ آغاز می‌شود.

مدیرکل استاندارد گلستان با اشاره به اهمیت نظارت بر صحت عملکرد تجهیزات اندازه‌گیری در جایگاه‌های عرضه سوخت اظهار داشت: بررسی کمیت نازل‌های عرضه سوخت مایع در پمپ‌بنزین‌ها، یکی از وظایفی است که سازمان استاندارد در راستای پیشگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان برای خود تعریف کرده است و اداره کل استاندارد گلستان نیز سالانه سه نوبت این نازل‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهد.

وی افزود: تا پیش از سال ۱۳۹۷، نازل‌های عرضه گاز طبیعی فشرده (CNG) در جایگاه‌ها مورد بررسی استاندارد قرار نمی‌گرفت، اما از سال ۱۳۹۷، بررسی کمیت نازل‌های CNG نیز باهدف صیانت از حقوق مصرف‌کنندگان و اطمینان از صحت مقدار سوخت تحویلی، در دستور کار سازمان استاندارد قرار گرفته است.

وی ادامه داد: در همین راستا و در اجرای تکالیف قانونی، اداره کل استاندارد گلستان با استناد به ضوابط سازمان ملی استاندارد ایران، آزمون کمی تمامی نازل‌های CNG در سطح استان را از ابتدای شهریورماه ۱۴۰۵ آغاز خواهد کرد.

مدیرکل استاندارد گلستان با بیان اینکه صحت عملکرد نازل‌های CNG نقش مهمی در حفظ حقوق مصرف‌کنندگان دارد، گفت: بر اساس ضوابط تعیین‌شده، حداکثر خطای مجاز هر نازل در پنج نوبت آزمون، مثبت و منفی ۲ درصد تعیین شده است و چنانچه میانگین خطای ثبت‌شده در نتایج آزمون خارج از این دامنه باشد، نازل مربوطه مردود اعلام خواهد شد. مزیدی تصریح کرد: بهره‌برداری از نازل مردود تا زمان رفع نقص و دریافت تأییدیه، ممنوع است و پس از انجام آزمون، دریافت برچسب و تأییدیه کتبی شرکت مجری برای نازل‌های موردتأیید الزامی خواهد بود.

وی خاطرنشان کرد: مسئولیت هرگونه بهره‌برداری از نازل‌های فاقد تأییدیه یا نازل‌های مردود، بر عهده مدیریت جایگاه است و در صورت مشاهده تخلف، مطابق قوانین و مقررات با واحد متخلف برخورد قانونی خواهد شد.

مدیرکل استاندارد گلستان از مدیران جایگاه‌های عرضه CNG خواست ضمن برنامه‌ریزی برای آماده‌سازی تجهیزات، همکاری لازم را با کارشناسان اعزامی به عمل‌آورند تا فرایند آزمون و واپایش صحت عملکرد نازل‌ها در چارچوب ضوابط و مقررات مربوطه انجام شود.

مزیدی در پایان از شهروندان گلستانی درخواست کرد چنانچه نسبت به صحت و درستی کمیت و مقدار سوخت عرضه‌شده از طریق یک نازل CNG تردید دارند، موضوع را از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۱۵۱۷ یا تلفن ۳۲۴۸۰۵۰۱ به اداره کل استاندارد گلستان گزارش کنند تا موضوع مورد بررسی و پیگیری قرار گیرد.

وی تأکید کرد: نظارت بر صحت عملکرد تجهیزات اندازه‌گیری، اقدامی در جهت تضمین سلامت معاملات، جلوگیری از تضییع حقوق مصرف‌کنندگان و افزایش اعتماد عمومی به فرایند عرضه سوخت در جایگاه‌های CNG است.

قم

اعلام اجرای ۸۶ طرح سرمایه‌گذاری ۲۳ همتی در قم طی هفته دولت

زنگنه - اکبر بهنام‌جو، استاندار قم در نشست خبری با اصحاب رسانه که به مناسبت روز خبرنگار در استانداری قم برگزار شد، با تقدیر از تلاش‌های اصحاب رسانه، اظهار کرد: از نقش‌آفرینی خبرنگاران در یک سال اخیر صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم، چرا که رسانه‌ها در رویدادهای مختلف استان حضوری فعال و اثرگذار داشته‌اند.

بهنام‌جو خبرنگاران را «چشم بینای مشکلات مردم و زبان گویای جامعه» توصیف کرد.

وی در ادامه با اشاره به روند اجرای طرح‌های مختلف در قم خاطرنشان کرد: پروژه‌های عمرانی، فرهنگی، صنعتی و سایر طرح‌ها در قم با شتاب در حال پیشرفت هستند.

بهنام‌جو با اشاره به وضعیت تخصیص اعتبارات پروژه‌های استان قم اظهار کرد: از ابتدای سال تاکنون پرونده‌هایی که مراحل تأمین اعتبار و تخصیص آنها طی شده، حدود ۶۰۰ میلیارد تومان بوده است.

بهنام جو با اشاره به در پیش بودن هفته دولت اظهار کرد: این ایام فرصت مناسبی برای گرامیداشت یاد و خاطره شهدای دولت و خدمت است و باید یاد شهدای عزیزی که در جریان جنگ اخیر به شهادت رسیدند، از جمله رهبر شهید، وزیر اطلاعات و شهید لاریجانی که مایه فخر و افتخار همه بودند، گرامی داشته شود.

وی افزود: امیدواریم بتوانیم با الهام از روحیه و منش این شهیدان، مسیر خدمت به جامعه را باقوت بیشتری دنبال کنیم.

استاندار قم با اشاره به برنامه‌های پیش‌بینی شده برای هفته دولت ادامه داد: بر اساس اطلاعات موجود، ۸۶ پروژه در استان با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۲۳ همت ارائه و به بهره‌برداری خواهد رسید

وی بیان کرد: در میان پروژه‌های پیش‌بینی شده، طرح‌های شاخصی در حوزه‌های مختلف وجود دارد که بخشی از آنها در زمینه انرژی، مسکن، آموزش، صنعت و کشاورزی اجرا شده یا در آستانه بهره‌برداری قرار دارد و تلاش می‌شود این پروژه‌ها زمینه شتاب بیشتر در روند توسعه استان را فراهم کنند.

استاندار قم در ادامه به توسعه نیروگاه‌های خورشیدی اشاره کرد و گفت: تلاش داریم این روند را در ادامه نیز تقویت کنیم.

استاندار در بخش دیگری از سخنان خود گفت در حوزه مدارس نیز هشت پروژه در حال اجراست که در کنار اجرای پروژه‌های مدرسه‌سازی، فاز نخست اردوگاه نیز در حال انجام است.

معاون سیاسی امنیتی استاندار

محمدرضا حیدری، معاون سیاسی امنیتی استاندار قم در ادامه این مراسم گفت: آنچه خبرنگاران انجام می‌دهند، در واقع بخشی از فرایند ثبت و ماندگار کردن رویدادهایی است که در مقاطع مختلف جامعه اتفاق می‌افتد و این مسئولیت، جایگاه رسانه را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند.

روح‌الله ابراهیمی معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار قم نیز در این مراسم گفت: خبرنگاران استان با انعکاس اقدامات و خدمات دستگاه‌های اجرایی در قم موجب امید آفرینی و همراهی هرچه بیشتر مردم با برنامه‌های دولت می‌شوند و از این نظر نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند.

صادق چهرقانی مدیر روابط‌عمومی استانداری قم نیز در این نشست گفت: فعالیت رسانه‌ای در خصوص طرح‌هایی که در هفته دولت امسال به بهره‌برداری می‌رسد بسیار مهم است چرا که تمام این طرح‌ها باوجود فشار جنگ انجام شدند و لازم است مردم به بهترین نحو در جریان خدمات صورت‌گرفته قرار گیرند.

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۸۲۰۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ و پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۳۴۹۲ موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه
بلامعارض متقاضی آقای مرتضی حفاری به شناسنامه شماره ۳۴۷ کد ملی ۴۳۲۲۳۱۵۴۴۵ فرزند غلام در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع پلاک ۳۹ اصلی واقع در اراضی روستای میانبر قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأئید گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۵۱۸۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۰۷ و پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۲۵۴۶ موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای مرتضی حفاری به شناسنامه شماره ۳۴۷ کد ملی ۴۳۲۲۳۱۵۴۴۵ فرزند غلام در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۶۷/۴۱ مترمربع پلاک ۳۹ اصلی واقع در اراضی روستای میانبر قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأئید گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
شعبان عسگری - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۲۹۴۱ م الف:۱

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان قزوین
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۸۴۲۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ و پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۳۲۷۸ موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی یاری بیگی درویشوند به شناسنامه شماره ۴۳۱۰۶۶۹۸۵۹ کد ملی ۴۳۱۰۶۶۹۸۵۹ فرزند کرم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۲۸۷/۰۱ مترمربع از اراضی روستای یله گنبد در پلاک ۱۱۷ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأئید گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۸۴۲۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ و پرونده کلاسه ۱۴۰۴۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۳۲۸۰ موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهمن یاری بیگی درویشوند به شناسنامه شماره ۲۶۶۳ کد ملی ۴۳۲۱۲۸۴۹۰۲ فرزند کرم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۸۴۷/۸۹ مترمربع از اراضی روستای یله گنبد در پلاک ۱۱۷ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأئید گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴
سید محمود حسینی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۵۲۹۴۱ م الف:۲

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال
از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۶۳۶۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم مهربان امیرپور شالکه فرزند شامار بشماره شناسنامه ۷۳۱ صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر انباری به مساحت ۲۵۰/۶۴ مترمربع پلاک فرعی ۲۴۹۹ از اصلی ۲۵ بخش ۲۶ گیلان واقع در میله سرای ماسال مفروزی از ۲ فرعی خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال
از طرف صائمه امجدی
شناسه آگهی:۲۲۵۲۲۷۰ م الف:۱۲۲۲

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۱۰۸۹۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۱ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه پیروز کریمی لقب فرزند جبار قلی به شماره ملی ۲۶۹۱۰۸۰۰۲۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی باغی به پلاک ۲۷۶۷ فرعی به مساحت ۲۱۲/۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۱ اصلی واقع در قریه فیروزکنده بخش ۵ ثبت ساری
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
یاسر ملکی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری
شناسه آگهی:۲۲۴۸۹۹۷

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۱۲۲۱۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه
معصومه متمسک فرزند مرادعلی به شماره ملی ۱۷۵۴۳۲۴۱۶۹ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی باغی به پلاک ۲۲۷۷ فرعی به مساحت ۲۲۱/۶۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵ اصلی واقع در قریه قاجار خیل بخش ۵ ثبت ساری
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
یاسر ملکی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری
شناسه آگهی:۲۲۴۹۰۱۶

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک ماسال
از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال
به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۶۳۶۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم فرشته چرمچی فرزند علی به شماره شناسنامه ۳۶۹ صادره از ماسال در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر انباری به مساحت ۲۵۰ مترمربع پلاک فرعی ۲۵۰۱ از اصلی ۲۵ بخش ۲۶ گیلان واقع در میله سرای ماسال مفروزی از ۲ فرعی خریداری از مالک رسمی و... محرز گردیده است.
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال
از طرف صائمه امجدی
شناسه آگهی:۲۲۵۲۳۰۱ م الف:۱۲۲۰

روزنامه پیام ما

www.payamema.ir

● سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵ ● سال بیست و دوم ● شماره پیاپی ۳۴۷۲

روزنامه سیاسی - اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتونیست: مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما : ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۴۲۲ ۷۱۰۵-۰۲۱

تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲

برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴

آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۶)

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴

ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

@payamema
@payamema
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir

| پیام ما دیروز |

| گفت‌وگو |

«پیام ما» رابطه انسان ایرانی با جنگل را در گفت‌وگو با «بهمن نامورمطلق»، نشانه‌شناس و اسطوره‌شناس، بررسی می‌کند

جهنم غربی‌ها، بهشت ایرانی‌ها

کشور ما به‌شدت به نهادهای مردمی برای حفاظت از محیط‌زیست نیاز دارد؛ خلأ این نهادها یکی از نقص‌های بزرگ جامعه است و متأسفانه دولت‌ها تاکنون برخورد مناسبی با این مسئله نداشته‌اند

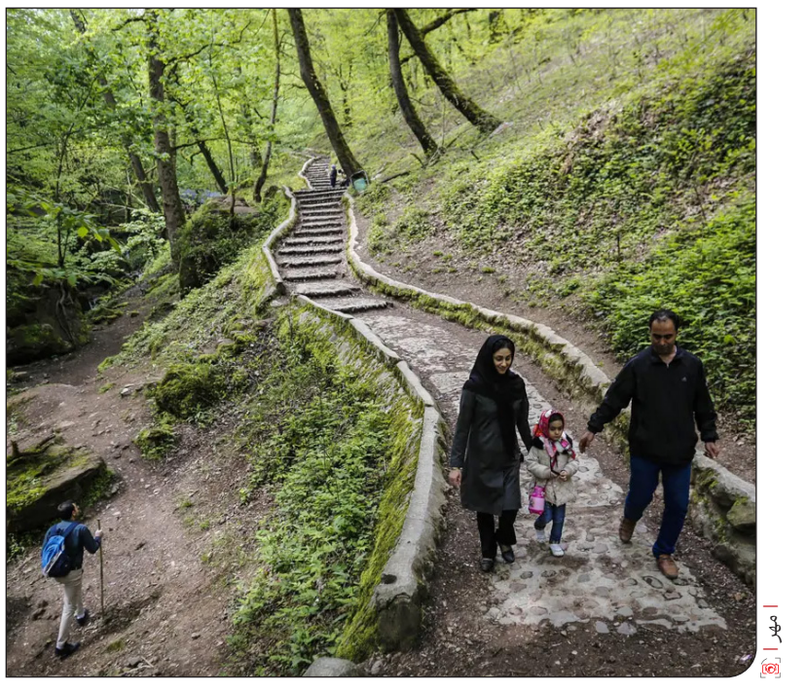
مهر

جنگل نزد غربی‌ها گاهی شبیه کویر نزد ایرانی‌هاست. غربی‌ها به‌دلیل برخورداری از عرصه‌های گسترده جنگلی، در اسطوره‌شناسی از جنگل با عنوان «جهنم سبز» یاد می‌کنند؛ درحالی‌که این جهنم برای ایرانیان «بهشت سبز» است. بااین‌حال، به گفته «بهمن نامورمطلق»، نشانه‌شناس و اسطوره‌شناس، انسان ایرانی در برخورد با این بهشت دچار نوعی دوگانگی است. ضمیر ناخودآگاه او را به‌سوی جنگل می‌کشاند، اما چون استفاده درست از این فضا را نیاموخته است، نمی‌داند چگونه باید از این میراث محافظت کند. به همین دلیل، زباله‌هایش را در جنگل رها می‌کند، شاخ‌وبرگ و حتی درختان را آتش می‌زند و به جنگل آسیب می‌رساند.

| کبریا حسین‌زاده |
| خبرنگار میراث فرهنگی |

رابطه مردمی که در حاشیه جنگل و در پیوند با طبیعت زندگی می‌کنند، فقط اقتصادی نیست. این رابطه آمیزه‌ای از نیاز، دلبستگی، خاطره، هویت، ترس و تقدس است. ساکنان حاشیه جنگل نخستین کسانی‌اند که از نابودی آن آسیب می‌بینند. این عرصه‌ها بخشی از امنیت آب و خاک، کشاورزی، گردشگری، معیشت و حتی هویت محلی آنان به شمار می‌آیند.

مردم محلی تغییرات چشمه‌های جنگلی را می‌شناسند، زمان زادآوری گونه‌ها را می‌دانند، مسیر آتش را بهتر از هر نقشه‌ای پیش‌بینی می‌کنند و نشانه‌های بیماری درختان را پیش از ثبت در گزارش‌های رسمی تشخیص می‌دهند. علاقه ایرانی‌ها به جنگل موجب شده است ساعت‌ها رانندگی کنند و در ترافیک بمانند تا در تعطیلات خود را به جنگل برسانند. هنگام آتش‌سوزی جنگل‌های «الیت» نیز مردم از استان‌های مختلف برای کمک به مهار آتش راهی منطقه شدند.

«بهمن نامورمطلق»، نشانه‌شناس و اسطوره‌شناس، با بیان اینکه ایرانی‌ها از گذشته برای گیاه، درخت و جنگل احترام ویژه‌ای قائل بوده‌اند، می‌گوید همین احترام سبب شکل‌گیری روایت‌های بسیاری در این زمینه شده است: «درخت از همان ابتدا نزد ما محترم بوده و این ضرورت زیستی، به ضرورتی فرهنگی تبدیل شده است. زرتشت و بودا نیز زیر درخت به شکوفایی، تأمل، کشف و شهود می‌رسند.»

نامورمطلق ادامه می‌دهد: «فرهنگ‌های مختلف به‌دلیل قرارگرفتن در جغرافیاهای متفاوت، نسبت‌های گوناگونی با جنگل، کویر، کوهستان و دریا دارند. تجربه زیسته انسان در ارتباط با این عناصر طبیعی و جغرافیایی سبب شده است تصاویر گوناگونی در ذهن انسان‌ها و ضمیر ناخودآگاه جمعی فرهنگ‌ها شکل بگیرد.»

او با بیان اینکه انسان‌ها نسبت مشابهی با درخت و جنگل دارند، می‌گوید: «انسان‌ها کهن‌الگویی به نام درخت دارند؛ درختی که فضای جنگل را شکل می‌دهد. پردیس در اسطوره‌شناسی ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ جایی که درخت و آب در کنار یکدیگر فضایی مطبوع و دلنشین می‌سازند. پردیس که ریشه‌ای ایرانی دارد، نزد اقوام دیگر "پارادایس" نام گرفته و در تورات و انجیل نیز از آن یاد شده است.»

به گفته این نشانه‌شناس، ایرانی‌ها به‌دلیل زندگی در جغرافیایی خشک و کویری، توجه ویژه‌ای به درخت، جنگل و باغ داشته‌اند: «به همین دلیل، باغ‌های ایرانی فرم و شکل ویژه‌ای دارند و از شهرتی جهانی برخوردارند. به‌طورکلی، درخت برای انسان‌ها پدیده‌ای شگفت‌انگیز محسوب می‌شده است. ازاین‌رو، در اسطوره‌شناسی شگفتی را به درخت نسبت می‌دادند؛ مانند درخت کیهانی در اسطوره‌شناسی اروپای شمالی، درخت زندگانی و دانایی در اسطوره‌شناسی سامی‌ها و درخت جاودانگی یا همان دانش در اسطوره‌شناسی ایرانی.»

او ادامه می‌دهد: «در اسطوره‌شناسی ایرانی، وقتی انوشیروان از وجود درخت جاودانگی در هند باخبر می‌شود، بزرگمهر را مأمور می‌کند تا آن را پیدا کند. بزرگمهر پس از مدتی جست‌وجو درمی‌یابد که این درخت جاودانه همان دانش است.»

نامورمطلق درباره رابطه انسان و جنگل در اسطوره‌شناسی توضیح می‌دهد: «نسبت ما با جنگل و درخت، نسبتی نزدیک است که همواره در اسطوره‌شناسی‌ها وجود داشته است. کشور ما یکی از خاستگاه‌های نمادپردازی درباره گل‌وگیاه، درخت، باغ و جنگل است. غربی‌ها به‌دلیل برخورداری از عرصه‌های گسترده جنگلی، در اسطوره‌شناسی از جنگل با عنوان جهنم سبز یاد می‌کنند؛ درحالی‌که این جهنم نزد ایرانیان بهشت سبز است.»

او می‌افزاید: «جنگل نزد غربی‌ها گاهی شبیه کویر نزد ایرانی‌هاست. بخشی از نمادپردازی غربی‌ها درباره جنگل با خطر و مرگ پیوند دارد، اما این نمادپردازی نزد مردم ایران متفاوت است. ما به‌دلیل کمبود جنگل در کشور، قدر آن را بیشتر می‌دانیم.»

نامورمطلق می‌گوید: «درختان، بیشه‌ها و جنگل‌ها در نظر انسان‌های نخستین همواره مقدس بوده‌اند و ریشه‌ها و شاخه‌هایشان، پیوند آسمان و زمین را تداعی می‌کرده است. کمتر قوم و فرهنگی را می‌توان یافت که در اساطیرش گیاهانی خارق‌العاده و فراطبیعی وجود نداشته باشند؛ گیاهانی که یا موجب رهایی از مرگ شده‌اند یا قهرمان داستان را به کام نابودی فرستاده‌اند.»

او ادامه می‌دهد: «در کهن‌ترین اسطوره بازمانده، یعنی اسطوره گیلگمش، اساس داستان جست‌وجوی گیاه زندگانی است. قهرمان داستان برای یافتن آن به اعماق زمین، سرزمین مردگان و دریا سفر می‌کند.»

این اسطوره‌شناس می‌گوید در اساطیر ایران باستان با گیاهان رمزآلود و اساطیری متعددی، مانند مشی و مشیانه، هوم، گز، انار، انگور و سرو، مواجهیم. این گیاهان در تعیین مرگ و زندگی شخصیت‌های نیمه‌خدا نقش دارند: «منشأ آدمیان به دو گیاه مشی و مشیانه بازگردانده می‌شود؛ رویین‌تنی اسفندیار با اناری که زرتشت به او می‌دهد رقم می‌خورد؛ از خون گاوی که به دست مهر کشته می‌شود، انگور می‌روید و هوم گیاهی است که هرکس از آن بخورد، بی‌مرگ می‌شود.»

او می‌افزاید: «در اساطیر یونان، وقتی دیونیسوس، پسر زئوس، قطعه‌قطعه می‌شود، از خونش گیاه انار می‌روید. در اساطیر مصر باستان، درخت افرا اوزیریس را از خطر غرق‌شدن در نیل نجات می‌دهد. در اساطیر هند، بودا زیر درخت انجیر به آگاهی عرفانی دست می‌یابد و تولد عیسی(ع) زیر درخت خرما و با خوردن میوه آن اتفاق می‌افتد.»

جنگل، بخشی از هویت ما

نامورمطلق با بیان اینکه جنگل پیش از هر چیز ضرورتی زیستی است و بدون آن زندگی انسان از بین می‌رود، ادامه می‌دهد: «این ضرورت زیستی به استعاره‌ها، نمادها و اسطوره‌های فرهنگی تبدیل شده است. اغلب کشورها نوعی درخت را به‌عنوان نماد فرهنگی خود می‌شناسند. درخت سرو نماد ایران، درخت سدر نماد لبنان، درخت کاج نماد کانادایی‌ها، درخت سیب نماد فرانسوی‌ها و درخت زیتون نماد یونانی‌هاست. بنابراین، نسبت ما با جنگل هم زیستی است و هم بُعد فرهنگی دارد.»

به گفته او، نخستین مراحل رشد و زندگی انسان در جنگل سپری شده و پس از آن شهر شکل گرفته است: «هنگامی که درختی یا بخشی از جنگل آسیب می‌بیند، انسان احساس می‌کند بخشی از هویت، گذشته و میراث انسانی خود را از دست داده است. در چنین رابطه‌ای، صیانت از جنگل به وظیفه‌ای زیستی.فرهنگی تبدیل می‌شود. اگر جنگل تخریب شود، بخشی از هویت زیستی و فرهنگی ما نیز از بین می‌رود؛ به‌ویژه در کشور ما که جنگل‌های محدودی دارد. به همین دلیل، نگهداری از این جنگل‌ها برای ما اهمیت بسیاری دارد.»

این نشانه‌شناس اضافه می‌کند: «جنگل‌های استثنایی هیرکانی در شمال ایران که میراث جهانی نیز محسوب می‌شوند، ارزشی بی‌همتا دارند. کیکاووس هنگام لشکرکشی به مازندران، جنگل را به بهشت تشبیه می‌کند و می‌پندارد که می‌خواهد بهشت را تصرف کند.»

او ادامه می‌دهد: «ایرانی‌ها مقصدی به نام جنگل دارند و هرگاه می‌خواهند تفریح کنند، از جنوب و مرکز ایران به آنجا سفر می‌کنند. به نظر می‌رسد آنان در ضمیر ناخودآگاه خود به بهشت گمشده بازمی‌گردند. تصور کنید اگر این مقصد آسیب ببیند، چه خلأ نمادین و اسطوره‌ای بزرگی ایجاد می‌شود و روایت‌های ما تا چه اندازه معنای خود را از دست می‌دهند.»

ازدست‌دادن جنگل و افسردگی جمعی

نامورمطلق با بیان اینکه ملت ایران با ازدست‌دادن جنگل‌ها ممکن است به افسردگی جمعی دچار شود، می‌گوید: «مردم حاضرند ساعت‌ها در مسیر شمال ایران در ترافیک بمانند، اما حتماً به این منطقه سفر کنند؛ چراکه کششی عمیق آنان را به‌سوی شمال می‌برد.»

او ادامه می‌دهد: «صحنه‌ای که مسافران هنگام فرود در فرودگاه مهرآباد با آن روبه‌رو می‌شوند، تهران را شهری زشت، هراس‌انگیز و خالی از گیاه نشان می‌دهد. همین صحنه برای توضیح تمایل مردم به سفر به شمال ایران کافی است. ما به محیط‌زیست خود توجه نکرده‌ایم و نتیجه آن، دود و آلودگی در آسمان شهرهایمان است. به‌جای کاشت درخت در غرب تهران، ساختمان‌های بلندی ساخته‌ایم که جلوی باد و جریان سالم هوا را می‌گیرند.»

او اضافه می‌کند گیاهان و درختان بخشی از کهن‌الگوهای ما هستند و نابودی آنها خلأ عمیقی در انسان ایجاد می‌کند؛ زیرا هزاران سال با آنها هم‌زیستی کرده‌ایم: «نگهداری از جنگل فراتر از حفاظت از چند درخت است و درواقع، نگهداری از میراث فرهنگی و طبیعی محسوب می‌شود؛ چراکه جنگل بخشی از هویت و وجود ماست. با نابودی هر درخت، آسیبی جبران‌ناپذیر به جامعه وارد می‌شود.»

نامورمطلق می‌افزاید: «متأسفانه شاهد تبدیل بخشی از جنگل‌ها به مرتع، کشتزار و شالیزار هستیم. حتی شنیدن صدای بریدن درخت در جنگل، هیولایی را تداعی می‌کند که به جنگل حمله کرده است. ما میراثی را که هزاران سال در طبیعت حفظ شده بود، در چند سال از دست دادیم.»

کشش به جنگل، تخریب جنگل

میل انسان به تماشای زیبایی و لذت‌بردن از آن، میلی درونی است. ضمیر ناخودآگاه انسان تمایل دارد به بهشت گمشده جنگل بازگردد و روایت‌های اساطیری را در زندگی و فرهنگ خود بازیابی کند تا زندگی از معنا تهی نشود. اما چرا انسانی با چنین کششی، وقتی وارد بهشت سبز می‌شود، آن را تخریب می‌کند؟

نامورمطلق پاسخ می‌دهد: «ما نیاز داریم به این فضاها پناه ببریم. ضمیر ناخودآگاه ما را به‌سوی آنها می‌کشاند، اما شیوه استفاده درست از این فضاها را نیاموخته‌ایم؛ بنابراین، آنها را تخریب می‌کنیم.»

از دیدگاه او، انسان ایرانی دچار نوعی دوگانگی است: «ضمیر ناخودآگاه او را به‌سوی جنگل می‌کشاند، اما چون استفاده درست از این فضا را نیاموخته است، نمی‌داند چگونه باید از این میراث محافظت کند. به همین دلیل، زباله‌هایش را در جنگل رها می‌کند، شاخ‌وبرگ و حتی درختان را آتش می‌زند و به جنگل آسیب می‌رساند.»

او می‌پرسد: «فرزندان ما شیوه مواجهه با طبیعت و به‌طور مشخص جنگل را از کجا و چه کسی آموخته‌اند؟ کدام نهاد مسئولیت این آموزش‌ها را برعهده گرفته است؟ فعالان محیط‌زیست نیز که در این زمینه اقداماتی انجام داده‌اند، با بی‌مهری مواجه شده‌اند.»

نامورمطلق می‌افزاید: «کشور ما به‌شدت به نهادهای مردمی برای حفاظت از محیط‌زیست نیاز دارد؛ زیرا خلأ این نهادها یکی از نقص‌های بزرگ جامعه است و متأسفانه دولت‌ها تاکنون برخورد مناسبی با این مسئله نداشته‌اند.»

گیاهان و درختان بخشی از کهن‌الگوهای ما هستند و نابودی آنها خلأ عمیقی در انسان ایجاد می‌کند
نگهداری از جنگل فراتر از حفاظت از چند درخت و درواقع، نگهداری از میراث فرهنگی و طبیعی ماست

| یاد |

خاموشی «جعفر دادمنش» چهره ماندگار دندان‌پزشکی ایران

تحول‌آفرین دندان‌پزشکی نوین ایران

| رضا کرمی |
| دانشجوی دکتری تاریخ و پژوهشگر تاریخ پزشکی |

«جعفر دادمنش»، از چهره‌های ماندگار دندان‌پزشکی معاصر ایران، ۱۹ مرداد ۱۴۰۵، پس از دهه‌ها فعالیت علمی و حرفه‌ای، چشم از جهان فروبست. او ۲۵ شهریور ۱۳۱۱ در تبریز زاده شد و سال‌های کودکی و نوجوانی را در همین شهر گذراند. تحصیلات ابتدایی و دوره نخست متوسطه را در دبیرستان حکمت و دوره دوم متوسطه را در دبیرستان فردوسی تبریز به پایان رساند. پس از شرکت در آزمون ورودی دانشگاه، رشته دندان‌پزشکی دانشگاه تهران را برگزید و در سال ۱۳۳۵ دانش‌آموخته شد. دادمنش پس از پایان تحصیل، دوران سربازی و خدمت در بهداری را سپری کرد و در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت. او ابتدا دوره کارورزی را در مرکز پزشکی مایکل ریس شیکاگو گذراند و سپس در دانشگاه نیویورک در رشته پروتزهای دندانی تخصص گرفت. موفقیت در آزمون‌های بورد تخصصی آمریکا، پشتوانه‌ای برای بازگشت او به ایران در سال ۱۳۴۲ بود. دادمنش پس از بازگشت، مدتی در مطب حسین نواب فعالیت کرد. او به‌دلیل علاقه به آموزش، مدتی نیز بدون دریافت حقوق در دانشکده دندان‌پزشکی دانشگاه تهران تدریس کرد. مسیر دانشگاهی او از استادیاری آغاز شد و سرانجام در سال ۱۳۵۷ به مرتبه استادی رسید.

اهمیت دادمنش در تاریخ دندان‌پزشکی ایران فقط به جایگاه دانشگاهی او محدود نبود. او در گسترش آموزش نوین پروتز، معرفی روش‌های علمی جدید و ارتقای سطح تخصصی این رشته نقش داشت. سخنرانی‌ها و حضور مستمر او در کنگره‌ها و سمینارها نیز زمینه انتقال تازه‌ترین یافته‌های علمی به دانشجویان و همکارانش را فراهم می‌کرد. دادمنش از پایه‌گذاران انجمن پروستودنتیست‌های ایران بود و ریاست دوره‌های نخست و دوم این انجمن را بر عهده داشت. او همچنین در انجمن دندان‌پزشکی ایران و شورای عالی سازمان نظام پزشکی مسئولیت داشت. ریاست پنجاهمین کنگره انجمن دندان‌پزشکی ایران در سال ۱۳۸۹، از دیگر مسئولیت‌های برجسته او بود.

از اقدامات ارزشمند دادمنش، توجه ویژه به حفظ و گسترش منابع علمی بود. او مجموعه‌ای از شماره‌های مجله معتبر Journal of Prosthetic Dentistry را که طی چند دهه گرد آورده بود، به دانشکده دندان‌پزشکی تبریز اهدا کرد تا این سرمایه علمی در اختیار دانشجویان و پژوهشگران قرار گیرد. در کنار نقش علمی، از او به‌عنوان دندان‌پزشک مخصوص امام خمینی و تعدادی از آیات عظام نیز یاد شده است؛ موضوعی که از جایگاه حرفه‌ای او و اعتماد گسترده به دانش و مهارتش حکایت دارد. دادمنش در انتقال تجربه و تربیت نسل‌های بعدی دندان‌پزشکان نیز نقشی ماندگار داشت. شاگردان و همکارانش از دقت، وجدان کاری، نظم، سحرخیزی و مداومت او یاد کرده‌اند و او نیز این ویژگی‌ها را اصول زندگی خود می‌دانست. میراث دادمنش در کتاب‌ها، مقالات، شاگردان، نهادهای حرفه‌ای و حافظه تاریخی دندان‌پزشکی ایران باقی است. با درگذشت او، زندگی یک استاد پایان یافت؛ اما اثری که بر آموزش، تخصص پروتز و مسیر تحول دندان‌پزشکی نوین ایران برجای گذاشت، همچنان ادامه دارد. یاد او برای جامعه دندان‌پزشکی، یادآور پیوند دانش تخصصی، مسئولیت اجتماعی، سخاوت علمی و اخلاق حرفه‌ای است؛ میراثی که همچنان ارزش خود را حفظ می‌کند.

| مستند |

اکران مستند «رویای سیاه» با حضور محمدعلی موحد

مستند «رویای سیاه» ساخته ارد عطارپور، در پنجاهمین نشست «شب‌های مستند» موزه سینمای ایران به نمایش درمی‌آید. این نشست با همکاری انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند و فیلمخانه ملی ایران در سالن فردوس موزه سینما برگزار می‌شود. مستند «رویای سیاه» بخشی از تاریخ نفت و رویدادهای اجتماعی مرتبط با آن را از زبان محمدعلی موحد، مورخ، ادیب و مولانا‌پژوه برجسته، روایت می‌کند. فیلم با این جمله آغاز می‌شود: «هرکه خواب نفت بیند، به مصیبتی گرفتار آید.» این عبارت پیش‌زمینه‌ای از نقش متناقض و دوگانه کشف نفت در مناسبات سیاسی و اجتماعی ایران ارائه می‌دهد. روایت فیلم با تمرکز بر دوره جنبش ملی‌شدن صنعت نفت در سال‌های ابتدایی دهه ۳۰ خورشیدی آغاز می‌شود و تا اواخر دهه ۵۰ ادامه می‌یابد. حضور محمدعلی موحد در نمایش مستند «رویای سیاه»، جذابیت تماشای فیلم را دوچندان می‌کند. این فیلم سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۵، ساعت ۱۸، در سالن سینما فردوس موزه سینمای ایران روی پرده می‌رود. پس از نمایش، تهیه‌کننده و کارگردان اثر همراه با مهمانان برنامه به بررسی فیلم و گفت‌وگو درباره آن می‌پردازند. ورود و تماشای فیلم برای عموم علاقه‌مندان رایگان است. ا ایبنا

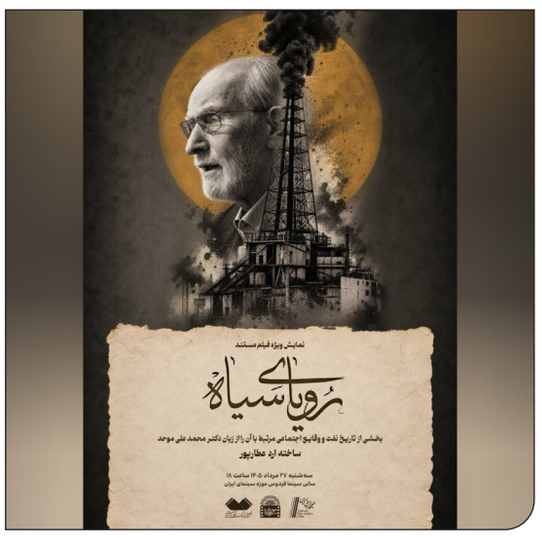

| اطلاع رسانی |

«صدرا، در آستانه فصل نو؛ پژمان شفیعی سکان شهر را به دست گرفت»

سعیده ناصری - آیین معارفه پژمان شفیعی، شهردار جدید صدرا با حضور جمعی از مسئولان استانی، مدیران ارشد شیراز و معتمدین محلی برگزار شد. شفیعی در این نشست با تأکید بر اینکه صدرا دیگر «ظرفیت حاشیه‌سازی، جناح‌بازی و طایفه‌گری» ندارد، از آغاز یک تعهد جدید برای پاسخگویی به مطالبات بر زمین‌مانده مردم خبر داد.

شهردار جدید صدرا در تحلیل وضعیت فعلی شهر، با اشاره به اینکه سرعت زیرساخت‌ها با رشد جمعیت (ناشی از مهاجرپذیری و سرریز جمعیت شیراز) تناسب نداشته است، تصریح کرد: «امروز اگر صدرا در برخی حوزه‌ها به سمت فرسودگی حرکت می‌کند، به دلیل نبود نگاه دلسوزانه و بی‌وقفه است».

شفیعی با برشمردن «دردهای اصلی» شهر، از جمله معضل ترافیک و گره‌های کورِ مسیرهایی مانند بلوار امام خمینی تا چهارراه مولانا، فقدان آرامستان پس از ۳۰ سال، پیچیدگی‌های اداری برای احداث جایگاه سوخت، اختلال در منظر ورودی شهر (خلیج فارس) و نبود میدان میوه و تره‌بار، تأکید کرد که این مطالبات فریادهای به‌حق مردم است که مدیریت شهری باید برای حل آن‌ها برنامه‌محور عمل کند. شهردار جدید صدرا، برنامه‌های خود را بر سه اصل اساسی استوار کرد و قول داد تا پایان دوره مسئولیت، این محورها را به طور کامل اجرایی کند برنامه‌محوری و انضباط مالی یکی از این موارد است که باید به آن توجه کرد، با اشاره به وضعیت بودجه‌ای سال جاری، بر لزوم تحقق درآمدهای پایدار تأکید کرد و افزود: هر تصمیمی در شهرداری باید مبتنی بر شناخت وضعیت موجود و برنامه‌ریزی دقیق باشد؛ به‌ویژه در حوزه‌های مترو، حمل‌ونقل و پروژه‌های عمرانی که زمان‌بندیِ آن‌ها با مردم در میان گذاشته خواهد شد. وی، همبستگی اجتماعی و تعامل با دستگاه‌ها را دیگر موضوع از این مثلث دانست و با تأکید بر لزوم حذف شکاف میان مدیریت شهری و شهروندان، وعده داد: هیچ گروه، محله یا جریانی از دایرهِ توسعه کنار گذاشته نمی‌شود و تصمیمات در محلات با حضور مردم و معتمدین اتخاذ خواهد شد. وی همچنین از اولویتِ تعاملِ حداکثری با شرکت عمران صدرا و مدیریت‌های بالادستی (استانداری و شهرداری شیراز) سخن گفت و تحول‌گرایی و نتیجه‌گرایی را سومین موضوع خواند و با تأکید بر اینکه «درجازدن دیگر پذیرفتنی نیست»، خواستار کوتاه‌شدن فرایندهای اداری و ایجاد فضای رقابتی برای ورود سرمایه‌گذاران به صدرا شد. وی تصریح کرد که کیفیت زندگی شهروندان باید به‌صورت «محسوس» ارتقا یابد. شفیعی در پایان سخنان خود با قدردانی از حمایت‌های استاندار فارس، اعضای شورای شهر صدرا و شهردار شیراز، صدرا را «شهر فرصت‌ها» خواند و خاطرنشان کرد: امروز ظرفیت یک شهر، از نخبگان تا جوانان مطالبه‌گر پشت سر مدیریت شهری ایستاده است. ما آزمون و خطاهای گذشته را کنار می‌گذاریم و با شجاعت شرایط را تغییر خواهیم داد.

۸۰ درصد شهرداری‌های استان وابسته به اعتبارات دولتی هستند؛ اولویت اصلی، صیانت از نیروی انسانی و شفافیت است

محمدهادی هاشم‌پور، در مراسم معارفه شهردار صدرا با اشاره به دشواری‌های اقتصادی پیشِ رو، از شهرداری‌ها خواست با اولویت‌بندی پروژه‌ها، توجه به منابع انسانی و شفافیت در عملکرد، اعتماد عمومی را جلب کنند.

مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری فارس اظهار داشت: باتوجه‌به شرایط اقتصادی جامعه که بر همگان آشکار است، قطعاً کسب درآمد در مجموعه شهرداری‌ها به‌مراتب سخت‌تر خواهد شد. وی با اشاره به آمار موجود در شهرداری‌های استان فارس، شیراز و سایر کلان‌شهرها گفت: قسمت عمده درآمد شهرداری‌ها که از محل صدور پروانه ساختمانی، تغییر کاربری و موارد مشابه تأمین می‌شود، روبه‌کاهش بوده است.

وی با تأکید بر توصیه‌های مکرر وزارت کشور مبنی بر تمرکز شوراها و شهرداری‌ها بر منابع انسانی، خاطرنشان کرد: در مجموعه شهرداری‌ها، هر روز یک مدیر و شهردار حضور دارد، اما پرسنل و بچه‌های شهرداری همیشه هستند و بیشترین بار زحمت را بر دوش می‌کشند. درست است که شورا و شهردار سیاست‌گذار و مجری هستند، اما بار اصلی کار را پرسنل و همکاران شهرداری بر دوش دارند.

هاشم‌پور با ابراز شناخت نسبت به شهردار جدید گفت: شهردار جدید صدرا انسان بسیار شایسته‌ای است و تجربه خوبی در شهرداری شیراز دارد.

مدیرکل امور شهری استانداری فارس با اشاره به رشد جمعیت صدرا گفت: قرار بود صدرا با ۱۰ هزار نفر آغاز به کار کند اما امروز آخرین آمار رسمی نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر جمعیت غیررسمی دارد. وی تأکید کرد: رشد جمعیتی صدرا بیشتر از رشد زیرساخت‌های این شهر بوده و این یک چالش بزرگ است که باید آن را به توازن برسانیم.

ایشان در پایان، ضمن اشاره به سخنان رئیس شورای شهر صدرا مبنی بر کوتاه‌بودن عمر مدیریتی، گفت: عمر شورا و شهرداری بالاخره تمام می‌شود و آنچه می‌ماند خاطره‌ای از مجموعه‌های خدمت‌گزار است.

معارفه هشتمین شهردار صدرا؛ «پژمان شفیعی» انتخابی بر مدار تخصص، پاکدستی و نگاه مردم‌محور است

مهدی کشاورزی، رئیس شورای اسلامی شهر صدرا از روند انتخاب شهردار جدید به‌عنوان یکی از تصمیمات کلیدی پارلمان شهری یادکرد.

وی در بخشی از سخنان خود با اشاره به تغییرات مدیریتی در دوره ششم شورای شهر صدرا، ضمن قدردانی صمیمانه از تلاش‌های شهرداران سابق، اظهار داشت: انتخاب آقای پژمان شفیعی به‌عنوان شهردار منتخب، تصمیمی جمعی و مبتنی بر مصلحت شهر بود. باتوجه‌به فرصت محدودی که تا پایان عمر شورای ششم باقی‌مانده است، ما دیگر مجالی برای آزمون‌وخطا نداشتیم. از همین رو، مدیری جوان، انقلابی، پاکدست و آشنا به مسائل شهری را برگزیدیم که کارنامه او نشان از تجربه میدانی و توانمندی اجرایی دارد. وی تصریح کرد: اعضای شورای ششم و کارکنان خدوم شهرداری با تمام قدرت در کنار شهردار جدید ایستاده‌اند. امیدوارم با هم‌افزایی شرکت عمران، امام‌جمعه محترم، سپاه پاسداران و سایر دستگاه‌های اجرایی، بتوانیم مشکلات پیش‌روی شهر صدرا را گام‌به‌گام و با وحدت کلمه مرتفع کرده و در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی گام برداریم.

خدمت‌رسانی بدون واسطه و حذف «تکبر مدیریتی»

در ادامه مراسم معارفه شهردار جدید شهر صدرا، حجت‌الاسلام سید عباس موسوی، امام‌جمعه این شهر، در سخنانی صریح و نصیحت‌آمیز، به تبیین انتظارات اصلی شهروندان از مدیریت شهری جدید پرداخت.

امام‌جمعه صدرا با اشاره به اینکه بار اصلی مشکلات شهری بر دوش شهرداری و شرکت عمران است، بر لزوم ایجاد یک اتحاد واقعی تأکید کرد. وی اظهار داشت: لذت کار برای مردم، زمانی دوچندان می‌شود که مسئولان با یکدیگر متحد باشند. متأسفانه در دوره‌های گذشته، تعامل میان شهرداری و شرکت عمران آن‌گونه که انتظار می‌رفت نبود؛ لذا انتظار می‌رود شهردار جدید با همکاری نزدیک شورای شهر، فضای وحدت و هم‌افزایی را با شرکت عمران فراهم کند تا پروژه‌ها بدون مانع پیش بروند.

حجت‌الاسلام موسوی با انتقاد از برخی رفتارهای اداری که منجر به فاصله‌گرفتن مدیران از مردم می‌شود، خواستار بازگشت به سیره خدمت‌گزارانه شد. وی گفت: مردم انتظار دارند وقتی برای رفع مشکلی نزد مدیری می‌روند، با معطل شدن و برخوردهای تکبرآمیز مواجه نشوند. نباید شاهد این باشیم که شهروند برای یک کار ساده، ساعت‌ها پشت در اتاق شهردار معطل بماند و مدیر از مسیر دیگری به جلسه یا منزل خود برود. دکتر شفیعی باتوجه‌به جوانی و تجربه، امیدواریم بتواند با نگاهی فروتنانه، فاصله میان مدیریت و مردم را از بین ببرد.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با استناد به آموزه‌های قرآنی و روایات، بر اهمیت حیاتی عدالت در حکومت اسلامی تأکید کرد و افزود: اجرای عدالت، شیرین‌تر از باریدن چهل روز باران است. شهر صدرا شهری با تنوع فرهنگی و قومیتی بسیار است؛ از کردها گرفته تا ساکنان سیستان و بلوچستان، شمال و جنوب کشور. در مدیریت شهری نباید تبعیض قائل شد.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری - سواری پژو 405GLX-XU7 مدل ۱۳۹۵ به رنگ نقره‌ای متالیک به شماره موتور: 124K0942027 به شماره شاسی: NAAMO1CE5GK431827 به شماره پلاک ۲۹ ن ۳۷۳ ایران ۶۵ به نام رضا آزادی شیبکوه مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

منوجان

آگهی مفقودی

برگ سبز کامیونت - ون زامیاد Z24NIM مدل: ۱۴۰۱ رنگ: آبی به شماره موتور M24921367M و شماره شاسی NAZPL140TN0699114 با شماره پلاک ۵۶ ق ۲۶۳ ایران ۷۵ متعلق به آقای ناصر خرمان مفقود واز درجه اعتبار ساقط گردیده است

رودبار جنوب

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری - سواری پژو PARS XU7 مدل ۱۳۹۶ به رنگ خاکستری به شماره موتور: 124K1106142 به شماره شاسی: NAANO1CE3HH003421 به شماره پلاک ۴۲ ب ۶۴۵ ایران ۴۵ به نام لیلا افضلی گروه مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

جیرفت